



«دعا»

زبان راز و نیاز در قرآن

(تفسیر دعا‌های قرآنی)

محمد موحدی نژاد

فهرست کتاب

- * مقدمه ۹
- ۱- دعا یا فراخوان الهی ۱۴
- ۲- تعریف دعا ۱۸
- ۳- آداب و چگونگی دعا ۱۹
 - همراه با ستایش ۱۹
 - همراه با اعتراف گناه ۱۹
 - همراه با اصرار ۱۹
 - همراه تمام نیازها را از خدا بخواهیم ۱۹
 - دعا به وسیله اسماء الهی ۲۰
 - * اسماء حسنی چیست؟ ۲۰
- ۴- آداب نیایش گرو دعا کننده ۲۴
 - اهمیت دعا را بداند و آن را کم نشمارد ۲۴
 - به اجابت خوش گمان باشد ۲۴
 - در دعا تضرع و ابتهال داشته باشد ۲۴
 - با خوف و طمع دعا کند ۲۵
 - یقین به اجابت داشته باشد ۲۵
 - امید به غیر خدا نداشته باشد ۲۵
 - با اخلاص دعا کند ۲۵
 - بلند نظر باشد ۲۵
- ۵- زمان دعا ۲۶
 - روز عرفه ۲۶
 - شب قدر و شب‌های احیاء ۲۶
 - روز جمعه ۲۶
 - شب جمعه ۲۷
 - هنگام وزش باد، بارش باران، اذان ظهر و ریختن اولین قطره خون شهید ۲۷

- ۲۷ - بین الطلوعین.....
- ۲۸ - وقت نماز عشاء.....
- ۲۸ - یک سوم آخر شب.....
- ۶- مکان دعا..... ۲۸**
- ۲۸ - سرزمین عرفات.....
- ۲۹ - مسجد الحرام و کعبه.....
- ۲۹ - مساجد.....
- ۳۰ - زیر گنبد حضرت سید الشهداء(ع).....
- ۳۰ - رو به قبله.....
- ۷- استجاب دعا..... ۳۰**
- ۸- عوامل استجاب دعا..... ۳۵**
- الف) عوامل نظری و اعتقادی..... ۳۵
- ارزش دعا را کم نداند..... ۳۵
- حسن ظن به اجابت..... ۳۵
- حضور قلب..... ۳۶
- ایمان..... ۳۶
- فقط خدا را بخواند..... ۳۶
- ب) عوامل عملی و رفتاری..... ۳۷
- با نام خدا شروع کند..... ۳۷
- پس از نماز..... ۳۷
- وفای به عهد الهی..... ۳۷
- حلال بودن غذا و طهارت باطن..... ۳۸
- انجام عمل نیک..... ۳۸
- دعا برای دیگران..... ۳۹
- توبه..... ۳۹
- با صلوات بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام شروع و ختم نماید..... ۳۹
- ۹- اهمیت، شأن و جایگاه صلوات..... ۴۰**

- ۴۱ - آثار صلوات.....
- ۱۰- عوامل مستجاب نشدن دعا..... ۴۳**
- ۴۳ - گناه و معصیت.....
- ۴۳ - نبودن معرفت و شناخت و به خداوند.....
- ۴۴ - مطابقت نداشتن با خیر و شر.....
- ۴۴ - خلاف حکمت الهی.....
- ۴۵ - کفر به خدا و رسول خدا.....
- ۱۱- عوامل تأخیر استجاب دعا..... ۴۵**
- ۴۵ - عدم سلامت نیت.....
- ۴۵ - خداوند دوست دارد صدای بنده‌اش را بشنود.....
- ۱۲- سیمای دعا در قرآن..... ۴۷**
- ۱۳- سیما و آثار دعا در روایات..... ۵۰**
- ۱۴- دعا‌های قرآنی..... ۵۴**
- (۱) انتخاب راه (فاتحه آیه ۶)..... ۵۴
- (۲) قبولی اعمال (بقره آیه ۱۲۷)..... ۶۲
- (۳) تسلیم بودن و توجه به ذریه و نسل (بقره آیه ۱۲۸)..... ۶۳
- (۴) توجه به دنیا و آخرت (بقره، آیه ۲۰۱)..... ۶۵
- (۵) صبر و استقامت (بقره، آیه ۲۵۰)..... ۶۷
- (۶) تکلیف و مجازات، استغفار و عفو (بقره، آیه ۲۸۶)..... ۶۸
- (۷) هدایت و استمداد از خداوند (آل عمران آیه ۸)..... ۷۰
- (۸) قیامت وعده‌ی الهی (آل عمران آیه ۹)..... ۷۱
- (۹) طلب بخشش (آل عمران آیه ۱۶)..... ۷۳
- (۱۰) درخواست نسلی پاک (آل عمران آیه ۳۸)..... ۷۴
- (۱۱) ثبات ایمان و تبعیت (آل عمران آیه ۵۳)..... ۷۵
- (۱۲) ثبات قدم و نصرت الهی (آل عمران آیه ۱۴۷)..... ۷۶
- (۱۳) اول اندیشه و تعقل بعد دعا و مناجات (آل عمران آیه ۱۹۱)..... ۷۸
- (۱۴) بیم از رسوایی و دوزخ (آل عمران آیه ۱۹۲)..... ۸۰
- (۱۵) با خوبان (آل عمران آیه ۱۹۳)..... ۸۱

- ۱۶) هم دنیا و هم آخرت (آل عمران آیه ۱۹۴)..... ۸۳
- ۱۷) رهایی از جامعه فاسد (نساء آیه ۷۵)..... ۸۵
- ۱۸) اعتراف به خطا (اعراف آیه ۲۳)..... ۸۶
- ۱۹) پرهیز از همراهی ظالمان (اعراف آیه ۴۷)..... ۸۸
- ۲۰) داوری خداوند (اعراف آیه ۸۹)..... ۹۰
- ۲۱) عاقبت به خیری (اعراف آیه ۱۲۶)..... ۹۱
- ۲۲) نوع دوستی (اعراف آیه ۱۵۱)..... ۹۳
- ۲۳) رحمت فراگیر (اعراف آیه ۱۵۶)..... ۹۴
- ۲۴) توکل بعد دعا (یونس آیه ۸۵، ۸۶)..... ۹۶
- ۲۵) مقابله با ظلم و بی عدالتی (یونس آیه ۸۸)..... ۹۷
- ۲۶) آرزوی پاکان (یوسف آیه ۱۰۱)..... ۹۸
- ۲۷) علم خداوند (ابراهیم آیه ۳۸)..... ۱۰۲
- ۲۸) محوریت نماز (ابراهیم آیه ۴۰، ۴۱)..... ۱۰۳
- ۲۹) مهلت خواستن (ابراهیم آیه ۴۴)..... ۱۰۵
- ۳۰) والدین (اسراء آیه ۲۴)..... ۱۰۷
- ۳۱) امداد و نصرت الهی (اسراء آیه ۸۰)..... ۱۰۹
- ۳۲) گشایش در کارها (کهف آیه ۱۰)..... ۱۱۱
- ۳۳) رمز توکل و چهار خواسته‌ی مهم (طه آیه ۲۵-۲۸)..... ۱۱۲
- ۳۴) علم و دانش و ظرفیت آن (طه آیه ۱۱۴)..... ۱۱۶
- ۳۵) فرزندان شدن (انبیاء آیه ۸۹)..... ۱۱۸
- ۳۶) منزلگاه مبارک (مؤمنون آیه ۲۹)..... ۱۲۰
- ۳۷) تنها پناهگاه مطمئن (مؤمنون آیه ۹۷، ۹۸)..... ۱۲۲
- ۳۸) ایمان، مغفرت و رحمت (مؤمنون آیه ۱۰۹)..... ۱۲۳
- ۳۹) سرچشمه رحمت (مؤمنون آیه ۱۱۸)..... ۱۲۴
- ۴۰) آتش دوزخ (فرقان آیه ۶۵، ۶۶)..... ۱۲۵
- ۴۱) دید وسیع و همت بلند (فرقان آیه ۷۴)..... ۱۲۷
- ۴۲) همراهی با صالحان (شعراء آیه ۸۳)..... ۱۲۹
- ۴۳) نام نیک و وراثت بهشت (شعراء آیه ۸۴، ۸۵)..... ۱۳۵

- ۴۴) روح و قلب پاک (شعراء آیه ۸۷-۸۹)..... ۱۳۸
- ۴۵) نجات از شرور (شعراء آیه ۱۶۹)..... ۱۴۱
- ۴۶) لغزش‌های غیر عمدی (قصص آیه ۱۶)..... ۱۴۲
- ۴۷) استمداد از خداوند در همه حالات (قصص آیه ۲۰، ۲۱)..... ۱۴۴
- ۴۸) درخواست همه چیز از خداوند (قصص آیه ۲۳، ۲۴)..... ۱۴۵
- ۴۹) سایه‌ی رحمت (نمل آیه ۱۹)..... ۱۴۶
- ۵۰) فرزند صالح (صافات آیه ۱۰۰)..... ۱۴۹
- ۵۱) دعای فرشتگان (غافر آیه ۷۶)..... ۱۵۱
- ۵۲) دعا برای دیگران (غافر آیه ۸ و ۹)..... ۱۵۳
- ۵۳) شکر نعمت‌ها (والدین) (احقاف آیه ۱۵)..... ۱۵۶
- ۵۴) طرح کمال و رشد (حشر آیه ۱۰)..... ۱۵۹
- ۵۵) توکل و توبه (ممتحنه آیه ۴)..... ۱۶۳
- ۵۶) رمز عزت (ممتحنه آیه ۵)..... ۱۶۴
- ۵۷) نور کامل (تحریم آیه ۸)..... ۱۶۶
- ۵۸) نجات از ظلم و ظالم (تحریم آیه ۱۱)..... ۱۶۸
- ۵۹) نقش وراثت در تربیت (نوح آیه ۲۶، ۲۷)..... ۱۷۲
- ۶۰) چشم انداز گسترده (نوح آیه ۲۸)..... ۱۷۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه:

یارب چو بخوانی ام «سَمِعْنَا» گویم
 فرمان تو را به جان «أَطَعْنَا» گویم.
 بر من تو به فضل اگر «غَفَرْنَا» گویی
 من آیم و «رَبَّنَا ظَلَمْنَا» گویم.
 گفتم: احساس تنهایی می‌کنم.
 فرمود: «فَإِنِّي قَرِيبٌ» من نزدیکم.^۱
 گفتم: چگونه ارتباط برقرار کنم؟
 فرمود: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را^۲
 گفتم: سیاهی‌های گناه مانع است.
 فرمود: «أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» دوست ندارید خدا شما را ببخشد؟^۳
 گفتم: راهش چیست؟
 فرمود: «وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ» استغفار و طلب بخشش و توبه کنید.^۴
 گفتم: روی توبه ندارم.
 فرمود: «أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» خداست که توبه‌پذیر و مهربان است؟^۵
 گفتم: گناهم زیاد و سنگین است.

فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» بدرستی که خداوند همه‌ی گناهان را می‌بخشد.^۱
 گفتم: شرط توبه چیست؟
 فرمود: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا» به درگاه خدا توبه کنید توبه‌ای از روی اخلاص.^۲
 گفتم: از دست نفس اماره و شیطان وسواس خناس چه کنم؟
 فرمود: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید!) و بدانید خدا با پرهیزکاران است!^۳
 «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.^۴
 گفتم: گاهی یأس و ناامیدی بر من حاکم می‌شود.
 فرمود: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» از رحمت خداوند نومید نشوید.^۵
 «وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟!»^۶
 گفتم: با مهربانی‌های تو چه کنم؟

۱- (زمر/۵۳)

۲- (تحریم/۸)

۳- (بقره/۱۹۴)

۴- (طلاق/۲)

۵- (زمر/۵۳)

۶- (حجر/۵۶)

۱- (بقره/۱۸۶)

۲- (بقره/۱۸۶)

۳- (نور/۲۲)

۴- (هود/۹۰)

۵- (توبه/۱۰۴)

فرمود: «ادْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» خدا را بسیار یاد کنید، و صبح و شام او را تسبیح گوید.^۱

یک مرتبه با قلبی آکنده از عشق و محبتش گفتم:

«إلهی و ربی من لی غیرک»

او هم با همه‌ی عزت و کرم و لطف و محبتش فرمود:

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟^۲

به نام خدای یکتای بی‌همتا، به نام الله یاری‌دهنده‌ی قلب‌ها، و جان پناه دل‌ها، خدایی که ما را آفرید و جان داد، دل و فکر عطا نمود و ما را از چشمه سار معنویت و ارتباط با خود سیراب و بهره‌مند ساخت، خدایی که ما را آفرید، پناه داد، روزی داد، می‌میراند و زنده می‌کند. شکر و سپاس، خداوند متعال را که ما را مورد لطف و رحمت بی‌پایان خودش قرار داد.

دعا زبان عشق و نیاز بنده نیازمند به درگاه خدای بی‌نیاز است. دعا از جمله مفاهیم اسلامی و قرآنی است، دعا هم‌چون سایر اعمال عبادی مقدمات و مؤخرات و راه ورود و خروج دارد و در فضائش بسیار سخن به میان آمده است. مخفی نیست که دعا جایگزین تفکر، جهاد و کوشش، تلاش و تحمل سختی‌ها در مسئولیت‌های زندگی نیست. در اندیشه‌ی شناسایی دعا بدان

۱- (احزاب/۴۱ و ۴۲)

۲- (زمر/۳۶)

مفهومی که حضرت حق و اولیاء گرامیش، ائمه معصومین علیهم‌السلام در نظر داشته‌اند، عبادت و وسیله‌ی ارتباط با خداوند و زبان استغفار و درخواست از اوست.

در حقیقت دعا «خواندن همراه با خواستن» است که فرد مسئولیت پذیر با تمام وجود و تمام توان خود در راه تحقق خواسته‌هایش گام برمی‌دارد، مصائب و مشکلات را متحمل می‌شود، و دعا را به عنوان بیان این خواسته و عرضه داشتن آن‌ها به «بارگاه قدس الهی» به کار می‌گیرد.

پیامبران الهی، امامان معصوم، اولیای خدا و بندگان وارسته هم همواره با قبول مسئولیت‌ها و مواجه شدن با سختی‌ها و مشکلات فراوان و تلاش و کوشش طاقت فرسا برای رسیدن به هدف و انجام وظیفه الهی به عنوان یک وسیله‌ی نیروبخش و قوی و تمسک به عروة الوثقی از لطف و محبت الهی دست به دعا می‌گشودند و چشم‌امیدی هم به فضل و رحمت پروردگار عالم داشتند.

از زبور داوود تا مناجات‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گرفته^۱ و مناجات علی علیه‌السلام در مسجد کوفه و دعای کمیل و صباح و نیایش امام حسین علیه‌السلام در صحرای عرفات و دعا‌های امام زین‌العابدین سیدالساجدین علیه‌السلام در صحیفه‌ی سجادیه و مناجات خمسه عشر و مناجات ابوحمزه ثمالی و دعای ندبه و توسل و دیگر دعا‌های رسیده از اولیاء الهی جلوه‌ی روشنی بر این حقیقت است.

دعا ابراز نیازها و خواسته‌ها از عمق وجود و صمیم دل، از پیشگاه مهربان جهان خداوند قادر متعال است که همه‌ی مقدرات عالم هستی و همه‌ی امور به اراده و خواست او رقم می‌خورد.

۱- (مناجات شعبانیه)

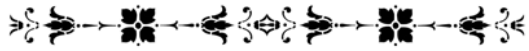
مسئله‌ی مهم در دعا این است که از خداوند قادر متعال با معرفت و شناخت، «چه بخواهیم»، «چه زمانی بخواهیم»، و «در چه مکانی دعا کنیم» و «چگونه خدا را بخوانیم» و «عوامل و موانع استجاب دعا» را هم خوب بشناسیم. خواستن از خداوند به اندازه‌ی عقل، شعور و معرفت انسان است و شناخت اینکه نیازخواهی به اموری حقیر و مادی و دنیایی و خوراک و پوشاک و مسکن خلاصه نمی‌شود. همه چیز، دنیا و آخرت از آن خداوند است، زندگی دنیا محدود و گذرا و و پایان پذیر و آخرت ابدی و همیشگی است. در دعاهای معصومین علیهم‌السلام متعالی‌ترین خواسته‌ها و لازم و مفیدترین حاجت‌ها بیان شده است. که به گفته امام خمینی رحمته‌الله در وصیتنامه: «ما مفتخریم که ادعیه‌ی حیاتبخش که او را قرآن ساعد می‌خوانند، از ائمه معصومین علیهم‌السلام ماست.» در این میان برخی از دعاها از زبان پیامبران و صالحان در «قرآن کریم» آمده است. اینکه خداوند این خواسته‌ها را در بین کلام و آیاتش قرار داده دلیل بر اهمیت آن خواسته‌ها است. ما در این مجموعه بر آن شدیم که با استفاده از مباحث و تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین قرائتی دامت‌برکاته شما خواننده عزیز را با تفسیر، لطائف و نکات ارزنده و سازنده، مضامین و معارف «دعاهای قرآنی» آشنا کنیم.

«و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت»

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۳۱ مطابق با تولد صدیق‌ه‌ی طاهره،

حضرت زهرا علیها‌السلام ، مطابق با ۸۹/۰۳/۱۳

محمد موحدی نژاد



۱- دعا یا فراخوان الهی

«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!)^۱

گفتم که روی خوبت، از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم فراغ تا کی، گفتا تا که تو هستی

گفتم نفس همین است، گفتا سخن همان است

«دعا» راه و رسم گفتگو با خالق هستی «الله» جامع تمام صفات کمال و کلید رشد و

تربیت انسان و در حقیقت محبوب و خواست خود او و فراخوان الهی است.

خدایی که ما را از نیست به هست آورده («هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ

لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» «آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری

نبود؟!») ^۲ و از نطفه، انسانی کامل و گل سرسبد موجودات و تاج وجود و

بندگی خود را بر سر مزده است. و اینچنین در جهت تربیت ما را ه در

خواست کردن را نموده است اوست که نیازهای ما را می‌داند و بین «دعا» و

«استجاب» هیچ فاصله‌ای قرار نداد («ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» نمی‌فرماید

«فاستجاب» یا «ثم استجب») «چرا که استجاب» وعده الهی است «استجب» و

خداوند خلاف وعده خود نمی‌فرماید. («إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» زیرا

خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند.)^۳ ولی شرطش آن است که جز او

۱- (غافر/۶۰)

۲- (انسان/۱)

۳- (آل عمران/۹)

نخوانیم و از دیگری نخواهیم. «ادعونی» تنها چیزی که شیطان را از بلندی عزت به حضيض ذلت و دوزخ کشید تکبر بود. («وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»، «و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد»^۱) و «دعا» درمان تکبر و خود نوعی عبادت است. («يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» «کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند!»)^۲ و آن هم عبادتی مخصوص خداوند است. (عبادتی) و به حق نزد خداوند مقامی است که جز با دعا و تقاضا نمی‌توان به آن رسید. فرموده امام صادق علیه السلام^۳ «دعا» و سیله ارتباطی است بین عاشق و معشوق که از یک سو انسان را به شناخت پروردگار «معرفه الله» که برترین سرمایه هر انسان است دعوت می‌فرماید و از سوی دیگر سبب می‌شود که خود را نیازمند او دیده و در برابرش خضوع کند. و از سوی نعمت‌های بیشمار او را («وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» «و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است!»)^۴ دیده به او عشق ورزد و رابطه اش قوی و محکم گردد. و از سوی دیگر چون نیازمند و مرهون نعمت‌های اوست موظف به اطاعت از

۱- (بقره/۳۴)

۲- (غافر/۶۰)

۳- [کافی/ج ۲/ص ۳۳۸]

۴- (ابراهیم/۳۴)

فرمانش می‌شود و از سوی چون استجاب دعا بی قید شرط نیست و از نیاز به‌آداب و مقدمات و شرایطی (آداب دعا و شرایط استجاب و موانع آن را در صفحات بعد یادآور می‌شویم) چون خلوص نیت و صفای دل و توبه از گناهان دارد و در راه خود سازی و تربیت خود گام بر می‌دارد به او اعتماد به نفس داده و از یأس و ناامیدی باز می‌دارد.

در «دعا» ست که خالق و مخلوق احسان نزدیک شدن به یکدیگر را دارند، آنجا که می‌فرمایند:

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۱ «و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)!»

رسا ترین تعبیر در این آیه برای نزدیکی مخلوق به خالق آن است که خداوند هفت مرتبه ضمیر متکلم «من» را آورده است. («عبادی»، «عنی»، «فانی»، «اجیب»، «دعان- نی»، «لی»، «بی»)

«دعا» نه تنها انسان را با خالق نزدیک و مرتبط می‌کند، از طرفی همراه و هم‌رنگ شدن با هستی است چون تمام هستی در تسبیح و قنوتند. «كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ» و تمام موجودات به درگاه او اظهار نیاز دارند «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^۲

۱- (بقره/۱۸۶)

۲- (الرحمن/۲۹)

پس ما نیز دعوت و فراخوان الهی را اجابت کنیم تا وصله‌ی ناهمگون هستی نباشیم. آری با مهربانی و لطف او ما را به سوی خویش فرا می‌خواند. «أدعونی» و اعلام می‌فرماید که از همه چیز به تو نزدیک‌ترم «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^۱ دعا و درخواست شما را می‌شنوم. «إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ»^۲ بر شما مهربانم. «رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ»^۳ و از همه مهربان‌تر «وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۴ پس ایمان بیاورید «وَ لِيُؤْمِنُوا بِي» و دعا و درخواست کنید که این خود مایه‌ی رشد شماست. «لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۵

و لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زیاد دعا کنید، زیرا دعا کلید بخشش خداوند و وسیله‌ی رسیدن به حاجت است. نعمت‌ها و رحمت‌هایی نزد پروردگار است که جز با دعا نمی‌توان به آن رسید و بدان هر در را که بکوبی عاقبت گشوده خواهد شد.»^۶

آری او به ما نزدیک است، چگونه ممکن است از ما دور باشد، در حالی که میان ما و قلب ما جای اوست. می‌فرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ»^۷ «خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود» و خداوند مهربان اجابت‌کننده‌ی هر مضطری است.

۱- (ق/۱۶)

۲- (ابراهیم/۳۹)

۳- (انعام/۱۴۷)

۴- (یوسف/۹۲)

۵- (بقره/۱۸۶)

۶- [اصول کافی/ج ۲/ص ۴۷۰ و بحارالانوار/ج ۹۰/ص ۲۹۵ تا ۲۹۹]

۷- (انفال/۲۴)

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ»^۱ «یا کسی که دعای مضطرب را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد»

پس از مجموعه‌ی آیات و مفاهیم فوق در این فراخوان عمومی الهی می‌آموزیم که:

- ۱- دعا در هر جا و هر وقت که باشد، مفید است.
- ۲- خداوند به ما نزدیک است، ولی ما چطور؟ اگر گاهی قهر او دامن ما را می‌گیرد، به خاطر دوری ما از خداوند است، که در اثر گناهان می‌باشد.
- ۳- استجاب خداوند دائمی است، نه موسمی!
- ۴- با آنکه خداوند همه چیز را می‌داند، ولی دعا و درخواست وظیفه‌ی ماست.
- ۵- دعا آنگاه به اجابت می‌رسد که همراه با اخلاص، ایمان و عمل صالح باشد.
- ۶- دعا وسیله‌ی رشد هدایت است.
- ۷- گرچه دعا مستجاب نشود، ولی انس با خدا و نزدیک شدن به او مطلوب است.



۲- تعریف دعا

در لغت، به معنای ندا و صدا زدن است «دعوت فلاناً»؛ یعنی او را صدا زدم. و در اصطلاح، فردی پست و پائین از فردی بالاتر از خود با حالت خضوع و سرافکنندگی چیزی طلب کند.

۱- (نمل/۶۲)



۳- آداب و چگونگی دعا

دعا همراه ستایش خداوند باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «قَالَ إِنَّ كُلَّ دُعَاءٍ لَّا يَكُونُ قَبْلَهُ تَمْجِيدٌ فَهُوَ أَبْتَرُ»^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ: دعائی که با تمجید خدا آغاز نشود نافرجام است.

دعا همراه اعتراف به گناهان باشد.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّمَا هِيَ الْمُدْحَةُ ثُمَّ التَّنَاءُ ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ أَنَّهُ وَاللَّهِ مَا خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ الذَّنْبِ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ»^۲

امام صادق علیه السلام: اول مدح و ثنا، سپس اعتراف به گناه، آنگاه طرح سؤال و درخواست، که به خدا قسم! بنده‌ای از گناه، نجات نیافت مگر به واسطه اقرار

در دعا اصرار ورزیده شود

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَأَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَجِبُ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ»^۳

امام صادق علیه السلام: خداوند متعال دوست ندارد که مردم هنگام درخواست از یکدیگر، اصرار ورزند اما این کار را برای خودش دوست دارد، خدا دوست دارد که مردم آنچه را نزد اوست بخواهند و طلب کنند.

تمام نیازهای خود را از خداوند بخواهیم.

۱- [مکارم الاخلاق/ص ۳۰۸]

۲- [کافی/ج ۱۲/ص ۴۸۴]

۳- [کافی/ج ۱۲/ص ۴۷۵]

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«لَيْسَ أَلْ أَحَدِكُمْ رَبُّهُ حَاجَتُهُ كُلُّهَا حَتَّى يَسْأَلَهُ شَيْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ»^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ: هریک از شما باید تمام نیازمندی‌هایش را از خدا طلب کند حتی اگر بند کفشش پاره شد آن را نیز از خدا بخواهد.

دعا به وسیله اسماء الهی باشد.

«فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^۲ «برای او بهترین نامهاست»

مثلاً بگویند: یا الله، یا رحمن، یا رحیم، یا غفور، یا حلیم، یا قوی، یا قیوم، یا غنی، یا رازق، یا کریم، یا قدیم، یا فاطر و... اول خداوند را به اسماء و صفاتش تمجید و تجلیل کرده و بعد دعا کند.

* اسماء حسنی چیست؟

در کتب حدیث و تفسیر اعم از منابع شیعه و اهل تسنن بحثهای مشروحی پیرامون «اسماء حسنی» دیده می‌شود که فشرده‌ای از آن را به اضافه عقیده خود در اینجا می‌آوریم:

شک نیست که «اسمای حسنی» به معنی «نام‌های نیک» است و می‌دانیم که تمام نام‌های پروردگار مفاهیم نیکی را در بر دارد و بنا بر این همه اسماء او اسماء حسنی است، اعم از آنها که صفات ثبوتیه ذات پاک او است، مانند عالم و قادر، و یا آنها که صفات سلبيه ذات مقدس او است مانند «قدوس»، و آنها که صفات فعل است و حکایت از یکی از افعال او می‌کند مانند خالق، غفور، رحمان و رحیم.

۱- [مکارم الاخلاق/ص ۲۷۰]

۲- (اسراء/۱۱۰)

از سوی دیگر شک نیست که صفات خدا قابل احصاء و شماره نیست زیرا کمالات او نامتناهی است و برای هر کمالی از کمالات او اسم و صفتی می‌توان انتخاب کرد.

ولی چنان که از احادیث استفاده می‌شود، از میان صفات او بعضی دارای اهمیت بیشتری می‌باشد، و شاید «اسماء حسنی» که در آیه بالا آمده است، اشاره به همین گروه ممتازتر است، زیرا در روایاتی که از پیامبر ص و ائمه اهل بیت ع به ما رسیده کرارا این مطلب دیده می‌شود که خداوند دارای ۹۹ اسم است که هر کس او را به این نامها بخواند، دعایش مستجاب و هر که آنها را شماره کند اهل بهشت است. مانند روایتی که در کتاب توحید صدوق از امام صادق علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۱

و نیز در کتاب توحید از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِنْ دَعَا اللَّهُ بِهَا اسْتَجَابَ لَهُ وَمَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۲ برای خداوند ۹۹ اسم است، که هر کس خدا را به آن اسامی بخواند (بعد دعا کند) دعایش مستجاب می‌شود.

در کتاب صحیح بخاری و مسلم و ترمذی و کتب دیگر از منابع حدیث اهل تسنن نیز همین مضمون پیرامون اسماء نود و نه‌گانه خدا و اینکه هر کس خدا

۱- [تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه]

۲- [تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه]

را با آن بخواند، دعای او مستجاب است یا هر کس آنها را احصا کند، اهل بهشت خواهد بود، نقل شده است.^۱

از پاره‌ای از این احادیث استفاده می‌شود که این اسامی نود و نه‌گانه در قرآن است، مانند روایتی که از ابن عباس نقل شده که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«أَنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ هِيَ فِي الْقُرْآنِ»^۲

و به همین جهت جمعی از دانشمندان کوشش کرده‌اند که این اسامی و صفات را از قرآن مجید استخراج کنند، ولی نامهایی که در قرآن مجید برای خدا آمده است بیش از ۹۹ نام است، بنا بر این ممکن است اسماء حسنی در لابلای آنها باشد، نه اینکه در قرآن جز این ۹۹ نام، نام دیگری برای خدا وجود نداشته باشد.

در بعضی از روایات این نامهای نود و نه‌گانه آمده است، که ما ذیلاً یکی از این احادیث را می‌آوریم (ولی باید توجه داشت، بعضی از این نامها به شکلی که در این روایت آمده در متن قرآن نیست، اما مضمون و مفهوم آن در قرآن وجود دارد). و آن روایتی است که در توحید صدوق از امام صادق علیه السلام از پدر و اجدادش از علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که پس از اشاره به وجود نود و نه نام برای خدا می‌فرماید:

و هـی اللّٰه، الاله، الواحد، الاحد، الصمد، الاول، الآخر، السميع، البصير، التقدير، القادر، العلی، الاعلی، الباقي، البديع، البارئ، الاكرم، الباطن، الحي، الحكيم، العليم،

۱- [تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه]

۲- [تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه]

الحلیم، الحفیظ، الحق، الحسیب، الحمید، الحفی، الرب، الرحمن، الرحیم، الذارئ، الرزاق، الرقیب، الرؤف، الرئی، السلام، المؤمن، المهیمن، العزیز، الجبار، المتکبر، السید، السبوح، الشهید، الصادق، الصانع، الظاهر، العدل، العفو، الغفور، الغنی، الغیاث، الفاطر، الفرد، الفتح الفائق، القدیم، الملک، القدوس، القوی، القریب، القيوم، القابض، الباسط، قاضی الحاجات، المجید، المولی، المنان، المحیط، المبین، المغیث، المصور، الکریم، الکیبر، الکاکی، کاشف الضر، الوتر، النور، الوهاب، الناصر، الواسع، الودود، الهادی، الوفی، الوکیل، الوارث، البر، الباعث، التواب، الجلیل، الجواد، الخبیر، الخالق، خیر الناصرین، الدیان، الشکور، العظیم، اللطیف، الشافی^۱

ولی آنچه در اینجا بیشتر اهمیت دارد و باید مخصوصا به آن توجه داشته باشیم این است که منظور از خواندن خدا به این نامها و یا احصاء و شمارش اسماء حسناى پروردگار، این نیست که هر کس این ۹۹ اسم را بر زبان جاری کند و بدون توجه به محتوا و مفاهیم آنها تنها الفاظی بگوید سعادت مند خواهد بود، و یا دعایش به اجابت می رسد، بلکه هدف این است که به این اسماء و صفات ایمان داشته باشد، و پس از آن بکوشد در وجود خود پرتوی از مفاهیم آنها یعنی از مفهوم عالم و قادر و رحمان و رحیم و حلیم و غفور و قوی و قیوم و غنی و رازق و امثال آن را در وجود خود منعکس سازد، مسلما چنین کسی هم بهشتی خواهد بود و هم دعایش مستجاب و به هر خیر و نیکی نائل می گردد.

ضمنا از آنچه گفتیم روشن می شود که اگر در پاره‌ای از روایات و دعاها اسامی دیگری برای خدا غیر از این اسماء ذکر شده و حتی شماره نامهای خدا در

۱- [المیزان/ج ۸/ص ۳۷۶ (نقل از توحید صدوق)]

بعضی از دعاها به یکهزار رسیده هیچگونه منافاتی با آنچه گفتیم ندارد، زیرا اسماء خدا حد و حصر و انتهایی ندارد، و مانند کمالات ذات و بی انتهایش نامحدود است. هر چند پاره‌ای از این صفات و اسماء امتیازی دارد.



۴- آداب نیایش گر و دعا کننده

اهمیت دعا را بداند و آن را کم نشمارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

« قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ... وَ أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصْعِرَنَّ شَيْئاً مِنْ دُعَائِهِ فَرِيماً وَ أَفْقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى وَ لِيَّهِ فِي عِبَادِهِ^۱ »

حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام: و خداوند اجابت کردن خود را در دعای بنده اش قرار داده است، بنا براین چیزی از دعا خواندن او را کوچک نشمار بسا که مورد اجابت او قرار گیرد و تو نمی دانی.

به اجابت دعا خوش گمان باشد.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: « إِذَا دَعَوْتَ فَظَنَّ أَنْ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ^۲ »

هر گاه دعا کردی، گمانت این باشد که حاجتت نزد در آماده و حاضر است.

در دعا تضرع و ابتهال داشته باشد.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: « إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِذَا ابْتَهَلَ وَ دَعَا

۱- [خصال صدوق/ج ۱/ص ۲۰۹]

۲- [کافی/ج ۲/ص ۴۷۳]

كَمَنْ يَسْتَطْعِمُ^۱

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام دعا مانند کسی که غذا طلب می‌کند، دست‌های خود را بلند می‌فرمود.

با خوف و طمع دعا کنند.

«وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا»^۲

«و او را با بیم و امید بخوانید!»

یقین به اجابت دعا داشته باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : «ادْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ»^۳

در حالی که یقین به اجابت خدا دارید، او را بخوانید.

هنگام دعا امید به غیر خدا نداشته باشد.

«وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۴

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند می‌پذیرد.

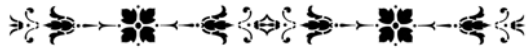
با اخلاص دعا نماید و حضور قلب داشته باشد.

«وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^۵

در دعا بلند نظر باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ»^۶

خدایا! همه فقیران را بی‌نیاز کن. خدایا! همه گرسنه‌ها را سیر کن. یعنی نه فقط به فکر حاجت‌ها و مشکلات و گرفتاری‌های خود باشد، بلکه به یاد دیگران هم باشد و برای آن‌ها هم دعا کند، بلکه اگر می‌خواهد به اجابت نزدیک‌تر شود، اول به دیگران و بعد برای خود دعا کند. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»^۱ اول به همسایه (دعا کنید) و بعد به خود.



۵- زمان دعا

روز عرفه

این روز، روز دعا به درگاه الهی است. به همین خاطر هرچند روزه‌اش مستحب است، ولی اگر موجب ضعف شود روزه نگرفتن و دعا خواندن بهتر است.^۲

شب قدر و شب‌های احیا

شب‌های قدر در ماه رمضان، دهه‌ی آخر رمضان و چهار شب دیگر:

الف) شب اول ماه رجب ب) شب نیمه شعبان ج) شب عید فطر د) شب عید قربان

روز جمعه

امام صادق (ع): «مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ بِيَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ...»^۳

خورشید بر روزی برتر از روز جمعه طلوع نکرده است.

۱- [وسائل الشیعه/ج ۷/ص ۱۱۲]

۲- [عدة الداعی / ۸۸]

۳- [عدة الداعی / ۷۵]

۱- [أمالی طوسی / ص ۵۸۵]

۲- [اعراف / ۵۶]

۳- [عدة الداعی / ص ۱۴۴]

۴- [شوری / ۲۶]

۵- [اعراف / ۲۹]

۶- [المصباح کفعمی / ص ۶۱۷]

شب جمعه

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُنَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِي لِدِينِهِ أَوْ دُنْيَاهُ [لِآخِرَتِهِ وَ دُنْيَاهُ] قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَجِيبَنَّهُ»^۱

ذات اقدس الهی هر شب جمعه از اول تا آخر شب این گونه ندا می‌دهد: آیا بنده مؤمنی نیست که تا قبل از صبح مرا برای دین یا دنیایش بخواند تا من اجابتش کنم؟

هنگام وزش باد، بارش باران، اذان ظهر و ریختن اولین قطره خون شهید.

امام صادق علیه السلام: «اطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ وَ زَوَالِ الْأُقْبَاءِ وَ نَزُولِ الْمَطَرِ وَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تَفْتَحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ»^۲

امام صادق علیه السلام: در چهار زمان به دنبال دعا باشید: وزش باد، زوال سایه‌ها (که همان ظهر شرعی است) نزول باران و اولین قطره از خون مؤمن، چون در این اوقات درهای آسمان گشوده خواهد شد.

بین الطلوعین

امام باقر علیه السلام: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ [الْمُؤْمِنِينَ] كُلَّ [عَبْدٍ] دَعَاءٍ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ سَاعَةٌ تَفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَ تُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ»^۳

۱- [عدة الداعي / ۷۶]

۲- [الكافي / ج ۲ / ص ۴۷۶]

۳- [عدة الداعي / ۵۵]

خداوند متعال از بین بندگانش بنده‌ی بسیار دعاکننده را دوست دارد پس دعا کنید در سحرها تا طلوع آفتاب، چون درهای بهشت در این هنگام باز می‌شوند، روزی‌ها در این زمان تقسیم می‌گردند و حاجت‌های بزرگ در این وقت برآورده می‌شوند.

وقت نماز عشاء

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «مَنْ كَانَ لَهُ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا فِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ يَعْنِي الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ»^۱

هر یک از شما حاجتی دارد آن را به هنگام نماز عشاء طلب کند، چرا که این به امت‌های پیش از شما داده نشده است. (مخصوص شماس است)

یک سوم آخر شب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «إِذَا كَانَ آخِرُ اللَّيْلِ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهِ وَ تَعَالَى هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأَجِيبَهُ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيهِ سَوْلَهُ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرْ لَهُ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ»

ذات اقدس الهی، آخر هر شب این چنین می‌گوید: آیا دعاکننده‌ای هست تا من او را اجابت کنم؟ آیا درخواست‌کننده‌ای هست تا خواسته‌اش را عطا کنم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را ببیمارم؟ آیا بنده توبه‌کاری هست تا توبه‌اش را بپذیریم؟



۶- مکان دعا

سرزمین عرفات

«و روى أن من الذنوب ما لا يعفو [يعفو] إلا بعرفة و المشعر الحرام قال الله

۱- [عدة الداعي / ۸۰]

تعالی - فَإِذَا أَقْتَضْتُمْ مِنْ عَرَقاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ و لَيْلَةَ مِنْ لَيْلِ الْأَحْيَاءِ^۱

برخی از گناهان فقط در سه موقعیت بخشیده می‌شوند: عرفات، مشعر الحرام، که خداوند متعال فرمود: وقتی از عرفات کوچ کردید خدای را در مشعر الحرام به یاد بیاورید. و شبی از شبهای احیا!

مسجد الحرام و کعبه

«عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا وَقَفَ أَحَدٌ فِي تِلْكَ الْجِبَالِ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسْتَجَابُ لَهُمْ فِي آخِرَتِهِمْ وَأَمَّا الْكُفَّارُ فَيَسْتَجَابُ لَهُمْ فِي دُنْيَاهُمْ»^۲

کسی در این کوهها توقف نکرد (حتی کافر) مگر آنکه (دعایش) اجابت شد، اگر مؤمن باشد، اجابت اخروی و اگر کافر باشد اجابت دنیایی دارد.

مساجد

الف) در حدیث قدسی آمده است که:

«فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ أَلَا إِنَّ بَيْوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدِ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي»^۳

آگاه باشید که مساجد، خانه‌های من بر روی زمین‌اند، پس خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خود تطهیر کند (وضو بگیرد) سپس مرا در خانه‌ام زیارت کند.

ب) «أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۴

۱- [عده الداعی / ۹۱]

۲- [کافی / ج ۴ / ص ۲۵۶]

۳- [عده الداعی / ۹۲]

۴- [اعراف / ۲۹]

و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید!

زیر گنبد سید الشهداء عليه السلام

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَوَضَ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنْ قَتْلِهِ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ جَعَلَ الشَّفَاءَ فِي تَرْبِيَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ تَحْتَ قَبْتِهِ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَنْ لَا يُعَدَّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ مِنْ أَعْمَارِهِمْ»^۱

«خداوند سبحان، در عوض قتل امام حسین عليه السلام چهار خصلت عطا کرده است: شفا را در تربتش نهاد. اجابت دعا را زیر گنبدش قرار داد. ائمه بعدی از نسل اویند. مدت زمانی را که زائرین آن حضرت برای زیارت می‌گذرانند، جزء عمرشان به حساب نمی‌آورد.

رو به قبله دعا کردن

رو به قبله دعا کنید و دست‌های خود را به طرف آسمان بلند کنید.



۷- استجابت دعا

همه ما در زندگی با خواسته‌های ریز و درشتی رو به رو هستیم و با توجه به تربیت دینیمان آنچه را که دستمان میرسد تلاش میکنیم تا با یاری خداوند متعال به آنها برسیم اما گاهی مبینیم هر چه تلاش میکنیم هر چه دعا میکنیم نمی‌شود که نمی‌شود اینجاست که با خود میگوییم مگر دعا چاره مشکلات نیست پس چرا نمی‌شود دچار شک و بد دلی نسبت به خداوند و دین و زمین

۱- [عده الداعی / ۹۲]

و آسمان می‌شویم غافل از اینکه هیچ گاه خداوند یگانه آن مهربان ترین مهربانان از احوال بندگانش بیخبر نیست که اگر چنین بود حتی برای یک لحظه، فیض حیات از عالم امکان رخت میبست، حال این سؤال پیش می‌آید که پس چرا دعاهایمان مستجاب نمی‌شود؟ در اینجا برای پاسخ از روایات اصول کافی استفاده می‌کنیم:

مردی نزد جعفر بن محمد الصادق علیه السلام عرضه داشت: ^۱ گفت آیه‌ای در قرآن هست من آن را می‌جویم ولی نمی‌یابم. فرمود کدام آیه است که تخلف شده است و تو، به نتیجه نرسیده‌ای؟ گفت اول اینکه خداوند در قرآن فرموده است. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» ^۲؛ مرا بخوانید تا استجاب کنم شمار را و من مکرر دعا کرده‌ام و نشده. امام فرمود: آیا گمان می‌کنی خدا خلف وعده بکند؟ (خلف وعده قبیح است عقلاً و شرعاً مذموم است. خدا می‌فرماید: «اوفوا بالعهد»؛ هر عهدی که کردید وفا بکنید آن وقت خودش به وعده‌اش وفا نمی‌کند که دعا بکنند اجابت نشود؟) اظهار حیرت کرد گفت آقا البته هیچ وقت خدا خلف وعده نمی‌کند پس علت چیست؟ می‌فرماید: اینکه فرمود دعا کنید تا من اجابت کنم، نه هر کس می‌خواهد باشد اگر تو حرف خدا را شنیدی، خدا هم حرف تو را می‌شنود.

* سریع الاجابة برای بنده مطیع

روزی به خدمت عالم بزرگوار آقای حاج ملا علی همدانی رحمته الله رسیدم و از

ایشان داستان عجیب و جالبی شنیدم. وی فرمود: روزی وارد صحن مطهر امام حسین علیه السلام شدم، دیدم گوشه‌ای شلوغ است، جلو رفتم و سؤال کردم: چه خبر است؟ بچه‌ای را نشان دادند که از مناره‌ی صحن بالا رفته و از آنجا به پایین پرت شده. پدر این طفل که حمّال است - خطاب به بچه کرده (وسط زمین و آسمان) که بایست و طفل همان جا مانده. نردبان آورده و او را سالم پایین آوردند، از پیرمرد با تعجب سؤال کردم: چه چیز باعث شده که شما به این مقام برسی؟ گفت: این کار مهمی نیست! ما اصرار کردیم، گفت: رمز این کار این است که من از اول بلوغ و تکلیف، سعی کرده‌ام هر چه خدا فرموده عمل کنم و تابع خواسته‌های نفس و شیطان نباشم. امروز هم یک چیزی من خواستم، خداوند عزیز و قادر قبول کرد. ^۱

* اجابت به تدریج و به وسیله اسباب

اجابت دعا شرایط دارد و بعد از آن هم که شرایطش درست شد اجابت دعا دو قسم است گاهی صلاح در این است که فوراً بشود گاهی صلاح در تدریج است، اینکه فرمود استجب لکم نه اینکه بدون سبب اجابت شود؟ خدا فرمود دعا کن بگو خدایا این مریض را شفا بده آن وقت اگر اجابت شد اجابتش نه فوری و بدون اسباب است که مثلاً بدون دواء و جراحی خوب شود فرمود استجب لکم تو می‌خواهی که این مریض خوب شود خویش می‌کنیم هر چند مثلاً ماه دیگر با دواء و جراحی نه این که آنآ خرق اسباب شود مگر معجزه می‌خواهی؟ آن هم مخصوص پیغمبر و امام است برای مصالح

۱- [اصول کافی/ج ۲/ص ۳۲۵]

۲- (غافر/۶۰)

دیگری و گرنه اجابت لازم‌ه‌اش خرق اسباب نیست.

دعا بالاخره مستجاب است ولی به اسباب و به تدریج، نه این که خرق عادت و بدون اسباب، خدا مستجاب می‌کند با اسباب گاهی مثلاً یک سال طول می‌کشد.

در اصول کافی از عجله داشتن در استجاب دعا نهی شده است. چون خداوند هم قدرت دارد، و هم حکیم و هم بنده‌ی خود را دوست می‌دارد و در هر صورت برای بنده‌ی خود خیر را می‌خواهد و مقدر می‌فرماید، و از طرفی علم انسان محدودچه بسیار که چیزی را خیر خود می‌داند و حال اینکه شرّ اوست و از طرفی دنیا چه ارزش دارد تا خواسته‌های جزئی آن چه باشد در هر حال می‌گذرد مثلاً از خداوند خانه و پارک و فرش خواسته آیا مدت استفاده از اینها با آن همه دردسرهايش چند سال است.

* گاهی مصلحت در تاخیر استجاب است

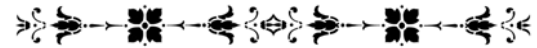
جوان عزیز تو دعا بکن بگو: خدایا برای حفظ دینم همسر صالحه‌ای نصیب فرما، مستجاب می‌شود. اما به مرور و گاهی هم می‌شود که خود تاخیر مصالحی دارد یعنی ممکن است زود مستجاب شود. لکن مصلحت‌هایی مخفی است که کمی باید طول بکشد، گاه می‌شود مومنی حاجتی دارد با سوز دل به درگاه خدا ندبه می‌کند، ندا می‌رسد حاجتش رواست اما به این زودی به او ندهید زیرا که اگر زود به او دادید دیگر ما را از سوز دل نمی‌خواند، ما صدای ناله بنده مان را دوست داریم این بنده تا گرفتار است با روی سوز دل ما را می‌خواند و با سوز دل یا الله گفتن هم دواي تمام دردهای باطنی اوست ولی همین که حاجتش را دادند، دیگر در مسجد حضور پیدا نمی‌کند.

نزدیک‌ترین حالات بنده به پروردگارش وقتی است که سرش به سجده باشد.^۱ دلش شکسته باشد، چشمش گریان باشد، این نزدیکترین حالات بنده به خداست، آن وقت چنین سعادت عظیمی به تو داده اگر مثلاً خدا دنیا و مظاهر آن را داد و این سعادت کنار برود آیا می‌ارزد؟ اگر پرده عقب برود می‌گویی نه، کامیابی و رسیدن به مراد، نفس را گردن کلفت‌تر می‌کند، انسان را از خدا دور می‌کند، کام‌های مادی غالب می‌شود، کام الهی، روحانی اخروی رها می‌شود، اما در حاجات مادی صورتش ناکامی است باطنش رحمت، لطف، فضل کرم، ظاهرش گریه و انابه است اما باطنش خنده و شادمانی است.

خلاصه مطلب این که خداوند متعال خود، ما را آفریده و بهتر از خود ما و هر کس دیگر نیازهای واقعیمان را می‌داند که چه چیز برای ما بهتر است و چه چیز نیست! قرار نیست هرچه که ما فکر می‌کنیم به صلاحمان است همان باشد ما به واسطه جهل نسبی مان از عواقب آنچه که بدنبالش هستیم آگاهی نداریم چه بسا که آن خواسته برای ما چون زهر کشنده‌ای باشد که با اصرار می‌خواهیمش در بدست آوردن آن ناله‌ها می‌کنم و وقتی عواقب سوءاش دامنان را گرفت باز ناله می‌کنیم که خدایا چرا چنین و چنان کردی؟ و فراموش می‌کنیم این همان چیزی بود که در راه رسیدنش داشتیم هلاک می‌شدیم.

پس هر گاه شما را حاجتی پیش آمد بخوانید خداوند بلند مرتبه را اما با حسن ظن با آگاهی به اینکه او قادر مطلق است اعتماد کنید صبر داشته باشید تا نتیجه

خواسته تان را به بهترین نحو بیابید خداوند هرگز خلاف وعده نمی‌کند.^۱



۸- عوامل استجاب دعا

الف) عوامل نظری و اعتقادی

ارزش دعای خود را کم نداند و کوچک نشمارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى... وَ أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتُهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ»^۲

و خداوند اجابت کردن خود را در دعای بنده‌اش قرار داده است، بنا براین چیزی از دعا خواندن او را کوچک نشمار بسا که مورد اجابت او قرار گیرد و تو نمی‌دانی.

حسن ظن به اجابت خدا داشته باشد.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «إِذَا دَعَوْتَ فَظَنَّ أَنْ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ»^۳

هر گاه دعا کردی، گمانت این باشد که حاجتت نزد در آماده و حاضر است.

«فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ»^۴

من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم!

حضور قلب در دعا داشته باشد.

۱- از روزنامه اعتدال به نقل از کتاب معارفی از قرآن آیت الله دستغیب

۲- [خصال صدوق / ج ۱ / ص ۲۰۹]

۳- [کافی / ج ۲ / ص ۴۷۳]

۴- (بقره/۱۸۶)

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ»^۱

خداوند متعال دعائی که از دلی غافل سرزند مستجاب نخواهد کرد، پس هر گاه خواستی دعا کنی، با (حضور) قلبت به او روی بیاور، آنگاه یقین به اجابتش داشته باش.

ایمان داشته باشد.

«وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۲

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند می‌پذیرد.

از روی ترس و طمع دعا کند.

«وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا»^۳

و او را با بیم و امید بخوانید!

فقط خداوند را بخواند.

برای اجابت دعا فقط خداوند را بخوانید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۴

ب) عوامل عملی و رفتاری

با نام خدا شروع کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «لَا يُرَدُّ دُعَاءٌ أَوَّْلَهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۵

۱- [کافی / ج ۲ / ص ۴۷۳]

۲- (شوری / ۲۶)

۳- (اعراف / ۵۶)

۴- (غافر / ۶۰)

۵- [الدعوات راوندی / ص ۵۲]

دعائی که با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز گردد رد نمی‌شود.

پس از نماز

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «...جَاءَ رَجُلٌ آخِرُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ أَتَنَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَلْ تُعْطَ»^۱

... مرد دیگری آمد و دو رکعت نماز خواند و سپس خدای عزوجل را ثنا گفت و بر پیامبر و خاندانش درود فرستاد. دراین هنگام رسول خدا به او فرمود: بخواه که به تو داده خواهد شد.

بعد از عمل واجب دعا کنید.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : «مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ»^۲

هر کس نماز واجبی بجای آورد یک دعای مستجاب نزد خدا خواهد داشت.

وفای به عهد الهی نماید.

«وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»^۳

و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.

آری اگر بخواهیم خداوند به حاجات، دعاها و خواسته‌های ما توجه فرماید، ما هم باید به دستورات او توجه و عمل کنیم. در جای دیگر می‌فرماید:

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۴ «پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم!» حال چگونه

توقع داریم ما خدا را نافرمانی و معصیت کرده ولی خداوند خواسته‌های ما را

۱- [کافی/ ج ۲/ ص ۴۸۵]

۲- [أمالی مفید/ ص ۱۱۷]

۳- [بقره/ ۴۰]

۴- [بقره/ ۱۵۲]

اجابت نماید؟ و ظرف دلی که از گناه آلوده و کثیف گردیده، در آن شیر معرفت و تقرب و اجابت ریخته شود؟

حلال بودن غذا و طهارت باطن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : «لِمَنْ قَالَ لَهُ أَحِبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِي قَالَ لَهُ: طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَلَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ»^۱

رسول خدا در پاسخ کسی که گفت: دوست دارم دعایم مستجاب شود، فرمود: مرکز تهیه‌ی غذایت را پاک کن و در شکمت، حرام داخل نما.

«أَيُّهَا أَرْكَى طَعَاماً»^۲

کدام یک از آنها غذای پاکیزه‌تری دارند.

انجام عمل صالح و نیک

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : «يَا أَبَا ذَرٍّ يَكْفِي مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ مَا يَكْفِي الطَّعَامَ مِنَ الْمِلْحِ»^۳

آن مقدار که نمک برای غذا کافی است، همان مقدار دعا در کنار کار نیکو کفایت می‌کند.

«وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۴

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند می‌پذیرد.

دعا برای دیگران

برای دیگران نیز دعا کنید:

۱- [عده‌الداعی/ ص ۱۳۹]

۲- (کهف/ ۱۹)

۳- [أمالی طوسی/ ص ۵۳۳]

۴- (شوری/ ۲۶)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ قَدَّمَ فِي دُعَائِهِ أَرْبَعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ دَعَا لِنَفْسِهِ اسْتُجِيبَ لَهُ»^۱
یعنی هرکس پیش از دعا کردن برای خودش چهل مؤمن را دعا کند دعایش مستجاب می‌شود.

توبه

«وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»^۲

و بگوئید: «خداوند! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.

باصلوات بر پیامبر و اهل بیت عليهم السلام شروع شود

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»^۳
دعا همواره در پرده و حجاب است تا زمانی که بر محمد و آل او سه درود فرستاده شود.

آری به یقین یکی از دعاهای مستجاب در درگاه خداوند است و کسی که حوائج و خواسته‌هایش را بین دو صلوات و دعای مستجاب قرار دهد، خداوند به آن‌ها توجه فرموده و به استجابت نزدیک‌تر می‌شود.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَ فِي آخِرِهِ وَ فِي وَسْطِهِ»^۴ مرا در اول دعا و در وسط و آخر دعا قرار دهید.

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۱ خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستدای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوئید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.



۹- اهمیت، شأن و جایگاه صلوات

مفهوم این آیه مبارکه این است که: مقام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بقدری والا و ارجمند است که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آنها گذارده شده است بر او درود می‌فرستند اکنون که چنین است شما مؤمنان نیز با این پیام جهان هستی، هماهنگ شوید و بر او درود بفرستید.

* در کتاب های ششگانه اهل سنت روایاتی آمده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند:

چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمودند: بگوئید: «اللهم صل على محمد و آل محمد»^۲

* رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هرکه در کتاب و نوشته ای بر من صلوات فرستد تا آن صلوات در نوشته باقی است، برای او پاداش خواهد بود»^۳
از آیه فوق استفاده میشود که:

الف: صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دائمی است «يُصَلُّونَ»

ب: صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، لازمه ایمان و از وظائف مؤمنان است.

«صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا»

۱- [أمالی صدوق / ۴۵۶]

۲- [بقره / ۵۸]

۳- [کافی / ج ۲ / ص ۴۹۱]

۴- [اصول کافی / ج ۲ / ص ۴۹۲]

۱- [احزاب / ۵۶]

۲- [تفسیر نور / ج ۷ / ص ۳۹۵]

۳- [تفسیر روح البیان]

آثار صلوات:

* در روایات برای صلوات اهمیت، و آثار زیادی نقل شده که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم علاقمندان میتوانند به منابع مربوطه که در ذیل به آنها اشاره می‌شود مراجعه نمایند.

- ۱- صلوات کلید استجاب دعا است.
 - ۲- سبب سنگین شدن میزان اعمال مؤمن در قیامت است.
 - ۳- خداوند بر صلوات فرستنده درود فرستاده و لغزش او را می‌پوشاند
 - ۴- باعث رضایت و خوشنودی خداوند می‌شود.
 - ۵- باعث نورانی شدن انسان در قیامت است.
 - ۶- باعث زدودن نفاق از دلها است.
 - ۷- باعث ایمنی از تلخی مرگ و جان دادن است.
 - ۸- آرامش بخش و اطمینان آور است.
 - ۹- وسیله عافیت است.
 - ۱۰- باعث قرب و نزدیک شدن به خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است.
- علامه طباطبائی رحمته الله در تفسیر المیزان می‌فرماید: صلوات به معنای این است که از گلستان اهل بیت علیهم السلام گلی چیده و به خودشان هدیه دهیم.
- ۱۱- باعث دور شدن شیطان است.
 - ۱۲- کفاره و ویران کننده گناهان است.
 - ۱۳- نوری بر پل صراط در قیامت است.
 - ۱۴- وسیله ایمن شدن از آتش دوزخ است.
 - ۱۵- جبران کننده اعمال است.

- ۱۶- وسیله سنگین و زیاد شدن ثواب کارهای نیک است.
- ۱۷- وسیله تأمین امور در دنیا و آخرت است.
- ۱۸- وسیله درک ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه
- ۱۹- شفای دردها است.
- ۲۰- وسیله طلب آمرزش فرشتگان برای انسان است.
- ۲۱- اکسیر احمر است.
- ۲۲- بهای شفاعت است.
- ۲۳- وسیله نورانی و مصفاً و استحکام روح است.
- ۲۴- وسیله اظهار دوستی و ارتباط است.
- ۲۵- اطاعت از امر الهی است. «صلوا»
- ۲۶- وسیله همراهی با ملائکه است. «یصلون»
- ۲۷- اجر و ثواب فراوان دارد.
- ۲۸- باعث نزول رحمت الهی است.
- ۲۹- باعث قبولی اعمال است.
- ۳۰- بوی خوش مجالس است.
- ۳۱- خلاصی از غیبت است.
- ۳۲- توانگر و غنی کننده است.
- ۳۳- وسیله یاد آمدن فراموش شده است.
- ۳۴- وسیله ثابت قدم شدن بر پل صراط است.
- ۳۵- نور در قبر است.
- ۳۶- وسیله دفع عطش در قیامت است.
- ۳۷- وسیله نجات از ترس و نگرانی در قیامت است.

۳۸- وسیله‌ی ایمنی از تلخی از مرگ است.

۳۹- وسیله‌ی دوری از خواری و ذلت است.

۴۰- وسیله‌ی زنده شدن دل است.

۴۱- نشانه دوام محبت با اهل بیت علیهم‌السلام است.

۴۲- وسیله‌ی معطر شدن در دنیا و آخرت است.^۱



۱۰- عوامل مستجاب نشدن دعا

گناه و معصیت

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام : «إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاوَهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيَذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلَكِ لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَاحْرِمُهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّي»^۲

بنده‌ی خدا از خدا حاجتی می‌خواهد و به گونه‌ای است که باید در زمانی نزدیک یا کمی دورتر برآورده شود اما این بنده گناهی مرتکب می‌شود در نتیجه، خداوند متعال به فرشته می‌فرماید: حاجتش را برآورده نکن و او را از آن محروم ساز زیرا او خودش را در معرض غضب من قرار داد و از جانب من مستوجب محرومیت گردید.

نبودن معرفت و شناخت به خداوند

قَالَ الْكَاطِمُ عليه السلام : «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ عليه السلام نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا قَالَ أَنْكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ»^۱

گروهی به امام صادق عليه السلام گفتند: ما دعا می‌کنیم ولی دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ فرمود: بخاطر آنکه شما کسی را می‌خوانید که او را نمی‌شناسید.

مطابقت نداشتن دعا با خیر و شر انسان

«عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ»^۲

در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است.

استجابت دعا خلاف حکمت الهی باشد

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : «إِنَّ كَرَمَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا يَنْقُضُ حِكْمَتَهُ فَلِذَلِكَ لَا يَقَعُ [لَا تَقَعُ] الْإِجَابَةُ فِي كُلِّ دَعْوَةٍ»^۳

همانا کرم خدای سبحان حکمت او را برهم نمی‌زند، بر همین اساس است که هر دعائی به اجابت نمی‌رسد.

کفر به خدا و رسول خدا

«اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»^۴

۱- [توحید صدوق/ ص ۲۸۸]

۲- (بقره/ ۲۱۶)

۳- [غررالحکم/ ص ۱۹۳]

۴- (توبه/ ۸۰)

۱- اصول کافی جلد دوم، باب الصلاة على النبي و اهل بيته عليهم‌السلام - آثار شگفت صلوات نوشته احمد متوسل انتشارات دار الفکر - شرح و فضائل صلوات نوشته احمد بن محمد الحسيني اردكاني، انتشارات ميقات
۲- [اصول کافی/ ج ۲/ ص ۲۷۱]

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند و خداوند جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند!



۱۱- عوامل تأخیر استجاب دعا

عدم سلامت نیت

گاهی نیت انسان سالم نیست و باید نیت را اصلاح کرد:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : «لَا يَقْبَلُكَ تَأْخِيرَ إِجَابَةِ الدُّعَاءِ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النِّيَّةِ»^۱
دیر مستجاب شدن دعا تورا از رحمت خدا نومید نسازد زیرا بخشش و عطا الهی به اندازه‌ی عزم و نیت است.

خداوند دوست دارد صدای بدای بنده خویش را بشنود.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام : «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَ لَكِنْ أَحْبَسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَجَّلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أُبْغِضُ صَوْتَهُ»^۲

یعنی هرآینه بنده دعا می‌کند و خداوند عزوجل به دو فرشته می‌فرماید: من دعای او را مستجاب کردم اما حاجتش را نگه‌دارید زیرا دوست دارم صدای او را بشنوم. و بنده‌ای دعا می‌کند و خدای تعالی می‌فرماید: زود خواسته‌اش را بدهید. من دوست ندارم صدای او را بشنوم.

۱- [غررالحکم/ ص ۱۹۳]

۲- [کافی/ ج ۲/ ص ۴۸۹]

ای بسا مخلص که نالد در دعا تا رود بالای این سقف برین پس ملائک با خدا نالنند زار بنده‌ی مؤمن تضرع می‌کند تو عطا بیگانگان را می‌دهی حق بفرماید که نز خواری اوست حاجت آوردش ز غفلت سوی من گر برآرم حاجتش او وا رود گرچه می‌نالد به جان یا مستجار خوش همی آید مرا آواز او

تا رود دود خلوصش تا سما بوی مجمر از انین المذنبین کای مجیب هر دعا، وی مستجار او نمی‌داند به جز تو مستند از تو دارد آرزو هر مشتبه عین تأخیر عطا، یاری اوست آن کشیدش موکشان در کوی من هم در آن بازیچه مستغرق شود دل شکسته، سینه خسته، گو بزار و آن خدایا گفتن و آن راز او

گرچه حق آن است که بگوییم هیچ دعایی نیست مگر اینکه مستجاب می‌شود چون خداوند بدون قید و شرط می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱ مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم. باید توجه داشته باشید که خداوند؛

(الف) بخشنده است. (ب) همه چیز از آن اوست. (ج) بر همه چیز قدرت دارد. (د) انسان را دوست می‌دارد.

ولی اساس کارهای خداوند بر حکمت و مصلحت است. پس بهتر است با توجه به روایات در باب استجاب دعا چنین جمع‌بندی کنیم که:

(الف) خداوند بر اساس حکمت آنچه را می‌خواهی می‌دهد.

(ب) گاهی صلاح نیست، مشابه آن را می‌دهد.

(ج) گاهی صلاح نیست، معادل آن بلا و گرفتاری را از انسان دور می‌کند.

د) گاهی صلاح نیست به خود انسان آنچه خواسته بدهد، برای نسل و ذریه‌ی او مقدر می‌کند.
ه) و گاهی هم صلاح نمی‌داند که در دنیا برآورده کند، در قیامت آنقدر به او عطا می‌کند تا او را راضی کند به شکلی که بنده می‌گوید: «ای کاش خداوند در دنیا هیچ کدام از دعا‌های مرا مستجاب نمی‌کرد.»



۱۲- سیمای دعا در قرآن

- ۱- خداوند دعوت کننده است و اجابت می‌کند. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱
- ۲- اوبه بندگان نزدیک است. «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ»^۲
- ۳- او شنوای دعای بندگان است. «إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ»^۳
- ۴- وعده اجابت دعا فرموده خلاف وعده نمی‌فرماید. «إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ»^۴
- ۵- نباید از لطف و رحمتش مأیوس شویم. «لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ»^۵
- ۶- همه انسان‌ها فقیر درگاه غنای او هستند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»^۶
- ۷- سرنخ هستی به دعا است. «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ»^۷

۱- (غافر/۶۰)
۲- (بقره/۱۸۶)
۳- (ابراهیم/۳۹)
۴- (آل عمران/۱۹۴)
۵- (زمر/۵۳)
۶- (فاطر/۱۵)
۷- (فرقان/۷۷)

- ۸- دعا امر فطری است. «دَعَاؤُا اللَّهِ مَخْلُصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۱
- ۹- همه موجودات هم از او می‌خواهند. «يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۲
- ۱۰- لطف خداوند را در همه حال فراموش نکنیم.
«فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ غُضُّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضَرْمَسَةٍ»^۳
- ۱۱- حال خردمندان در دعا است. «لَايَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»^۴
- ۱۲- همه چیز را از او بخواهیم.
«الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ... وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ»^۵
- ۱۳- از او بخواهیم که عزت و قدرت از آن اوست. «وَتُعَزُّ مَن تَشَاءُ وَتُدَلُّ مَن تَشَاءُ»^۶
- ۱۴- اراده و خواست او حاکم است. «بُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»^۷
- ۱۵- رو به سوی او آوریم. «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ»^۸
- ۱۶- چه پناهگاهی مطمئن تر از او است؟
«أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»^۹
- ۱۷- فقط به او تکیه کنیم. «عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ»^{۱۰}

۱- (عنکبوت/۶۵)
۲- (الرحمن/۲۹)
۳- (یونس/۱۲)
۴- (آل عمران/۱۹۰ تا ۱۹۴)
۵- (شعرا/۷۸ تا ۸۳)
۶- (آل عمران/۲۶ و ۲۷)
۷- (یونس/۱۰۷)
۸- (ذاریات/۵۰)
۹- (نمل/۶۲)
۱۰- (توبه/۱۲۹)

۱۸- دعا نجات بخش از غم و اندوه است. «وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ»^۱

۱۹- دعای دوست خدا ابراهیم «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا...»^۲

۲۰- انسان در دنیا و آخرت بی‌نیاز از دعا نیست. «دَعْوَتُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ»^۳

۲۱- دعا و آخرین کلام «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَامٌ عَلَى

الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۴

۲۲- دعا با تضرع در خلوت «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً»^۵

۲۳- دعا همراه با بیم امید «وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا»^۶

۲۴- دعا همراه با ایمان و عمل «وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۷

۲۵- دعا بعد از استغفار و توبه «فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ»^۸

۲۶- دعای آگاهانه «وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»^۹

۲۷- دعا به همراه اخلاص «فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^{۱۰}

۲۸- دعا و دل بستن به خدا «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا»^{۱۱}

۱- (انبیاء/ ۸۷ و ۸۸)

۲- (شعراء/ ۸۳ تا ۸۵ و ۸۷ تا ۸۹)

۳- (یونس/ ۱۰)

۴- (صافات/ ۱۸۰ تا ۱۸۲)

۵- (اعراف/ ۵۵)

۶- (اعراف/ ۵۶)

۷- (شوری/ ۲۶)

۸- (هود/ ۶۱)

۹- (اسراء/ ۱۱)

۱۰- (غافر/ ۶۵)

۱۱- (مزمّل/ ۸ و ۹)

۲۹- دعا و اقرار به گناه «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ»^۱

۳۰- دعا و طلب استغفار «فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۲

۳۱- دعا به همراه اصرار، تکرار، استمرار «وَ ادْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا»^۳

۳۲- زمان دعا «تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ»^۴

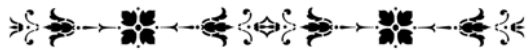
۳۳- دعا به همراه اسماء الهی «وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»^۵

۳۴- وسیله دعا «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^۶

۳۵- نزول باران با دعا «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا»^۷

۳۶- جلب اموال و فرزندان و باغ‌های سرسبز با دعا

«وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»^۸



۱۳- سیما و آثار دعا در روایات

۱- کسی که به دعا موفق شود، از اجابت محروم نمی‌گردد.

۲- کسی که خدا را اطاعت کند، خدا هم دعای او را اجابت فرماید.

۳- کسی که قطع رحم نکند، خداوند دعای او را اجابت فرماید.

۴- از دعا کردن ملول و خسته نشوید، خداوند او را در جایی به حساب می‌آورد.

۱- (قصص/ ۱۶)

۲- (آل عمران/ ۱۶)

۳- (مریم/ ۴۸)

۴- (سجده/ ۱۶ و ۱۷)

۵- (اعراف/ ۱۸۰)

۶- (مانده/ ۳۵) - از شماره ۱ تا ۳۴ با استفاده از کتاب آیه های زندگی، جلد دوم

۷- (نوح/ ۱۱)

۸- (نوح/ ۱۲)

- ۵- کسی که درب خانه‌ی خدا را بکوبد، خداوند درب را بر روی او می‌گشاید.
- ۶- هیچ کس با دعا به هلاکت نرسید.
- ۷- خداوند بنده‌اش را در حال دعاکردن دوست می‌دارد.
- ۸- زمانی که دعاها کم شود، بلاء نازل می‌شود.
- ۹- دعاء سلاح اولیاء خداوند است.
- ۱۰- دعاء کلید خوشبختی است.
- ۱۱- دعاء کلید رحمت و چراغ زاهدان است.
- ۱۲- دعاء از تیرهای آهنین نافذتر است.
- ۱۳- دعاء مخ عبادت است.
- ۱۴- دعاء سپر مؤمن است.
- ۱۵- دعاء شفاء درد است.
- ۱۶- دعاء در سختی و راحتی سزاوار و شایسته است.
- ۱۷- دعاء قضاء را تغییر می‌دهد.
- ۱۸- با دعاء بلاها رفع می‌شود.
- ۱۹- دعاء و شکایت را به نزد کسی ببر که قدرت بر اجابتش دارد.
- ۲۰- دعاء نور زمین و آسمان است.
- ۲۱- برای تعجیل فرج زیاد دعاء کنید.
- ۲۲- عاجزترین مردم کسی است که در دعاء عاجز باشد.
- ۲۳- دعاء صدقه است.
- ۲۴- هر کس غیر خدا را بخواند، مستحق محروم شدن است.
- ۲۵- در دعاء کردن و خواستن اصرار کنید که خداوند دوست می‌دارد.
- ۲۶- کسی که بر کوبیدن درب اصرار کند، موفق می‌شود.

- ۲۷- به هنگام قرائت قرآن و اذان و باران و شهادت دادن برای مظلوم، دعاء مستجاب است.
- ۲۸- بین نمازها و بعد از نمازها دعاء مستجاب می‌شود.
- ۲۹- بعد از ده مرتبه «یا الله» و «یا رب» دعاء مستجاب می‌شود.
- ۳۰- بعد از «یا رب» در سجده دعاء مستجاب می‌شود.
- ۳۱- بعد از دو رکعت نماز در مسجد دعاء مستجاب می‌شود.
- ۳۲- بعد از صلوات بر محمد آتش، دعاء مستجاب می‌شود.
- ۳۳- بعد از اسماء حسناى الهی، دعاء مستجاب است. (اسماء الهی در صفحه‌ی ... ذکر شده است.)
- ۳۴- بعد از اسماء ائمه علیهم السلام، دعاء مستجاب است.
- ۳۵- در مسجد الحرام و به خصوص در رکن یمانی، دعاء مستجاب است.
- ۳۶- در اماکن متبرکه و زیارات ائمه علیهم السلام، دعاء مستجاب است.
- ۳۷- در زمان‌های مبارک و عزیز مثل ظهر روز جمعه و آخر شب قبل از طلوع فجر، روز عرفه، شب جمعه، به هنگام افطار، هنگام جهاد در راه خدا، هنگام عیادت مریض و گرفتار دعاء مستجاب است.
- ۳۸- دعاء بهترین عبادت است.
- ۳۹- دعاء سلاح مؤمن است.
- ۴۰- بهترین اعمال نزد خداوند در زمین دعاء است.
- ۴۱- بهترین دعاء استغفار است.
- ۴۲- دعای پنج گروه از درگاه خداوند رد نمی‌شود. (پیشوای عادل، مظلوم، پدر برای فرزند، مؤمن برای برادر دینی‌اش)
- ۴۳- نیمی از همه‌ی نیکی‌ها دعاست.
- ۴۴- دعا بیش‌تر علامت خداشناس‌تر است.

۴۵- امیرالمؤمنین علی علیه السلام مردی بود که بسیار دعا می کرد.

۴۶- دعا کلید رستگاری است.

*** دعاهایی که رد می شود.**

۱- کسی که عاق والدین است.

۲- گناهکار

۳- حرام خور

۴- کسی که قساوت دارد.

۵- خانه‌ای که غنا خوانده شود.

۶- شرابخوار

۷- دعاء کننده‌ی بدون عمل

۸- ستمگر

۹- بدعت‌گزار

۱۰- در جامعه‌ای که زنا ظاهر شود.

۱۱- در جامعه‌ای که ستمگران حاکم شوند.

۱۲- در جامعه‌ای که در امر به معروف و نهی از منکر سهل‌انگاری شود.

۱۳- مردی که در خانه بنشیند و طلب روزی کند.

۱۵- دعاء طلب روزی بعد از بخشش و انفاق به غیر از مسیر خودش.

۱۶- دعایی که قبل از آن تمجید خداوند نباشد.^۱

۱- (با استفاده از کتاب آثار الدعاء از سید هاشم موسوی جزائری) و بحارالانوار، میزان الحکمه، کافی و غررالحکم



۱۳- دعاهای قرآنی

دعاهای آسمانی دعاهایی است که در متن کلام الهی، آیات قرآن مطرح شده و توجه به مفاهیم و معانی آن‌ها ارزشمند بوده و در حقیقت به ما یاد می‌دهد که چه چیزهایی را از خدا بخواهیم.



«انتخاب راه»

(رَبَّنَا) «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» {فاتحه/۶}

(پروردگارا!) ما را به راه راست هدایت فرما.



نکته‌ها:

در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:

الف: هدایت تکوینی، نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه کندو بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرندگان در مهاجرت‌های زمستانی و تابستانی. آنجا که قرآن می‌فرماید: «رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰) بیانگر این نوع از هدایت است.

ب: هدایت تشریحی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.

کلمه‌ی «صراط» («صراط» در قیامت نام پلی است بر روی دوزخ که همه‌ی مردم باید از روی آن عبور کنند.) بیش از چهل مرتبه در قرآن آمده است. انتخاب راه و خط فکری صحیح، نشانه‌ی شخصیت انسان است.

راه‌های غیرالهی متعددی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:

* راه خواسته‌ها و توقعات‌های خود.

* راه انتظارات و هوس‌های مردم.

* راه وسوسه‌های شیطان.

* راه طاغوت‌ها.

* راه نیاکان و پیشینیان.

* راه خدا و اولیای خدا.

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند که بر دیگر راه‌ها امتیازاتی دارد:

الف: راه الهی ثابت است، بر خلاف راه‌های طاغوت‌ها و هوس‌های مردم و هوس‌های شخصی که هر روز تغییر می‌کنند.

ب: یک راه بیشتر نیست، در حالی که راه‌های دیگر متعدّد و پراکنده‌اند.

ج: در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.

د: در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.

راه مستقیم، راه خداست. «أَنَّ رَبِّيَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱

* راه مستقیم، راه انبیاست. «أَنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲

* راه مستقیم، راه بندگی خداست. «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳

* راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. «مَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱

۱- (هود/۵۶)

۲- (یس/۳-۴)

۳- (یس/۶۱)

* راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست. (بنا بر اینکه الف و لام

در «الصراط» اشاره به همان راه یکتاپرستی در آیه قبل باشد).

* راه مستقیم، کتاب خداوند است.^۲

* راه مستقیم، راه فطرت سالم است.^۳

انسان، هم در انتخاب راه مستقیم و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد.

مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می‌گیرد. «أهدنا الصراط

المستقیم»

راه مستقیم بودن، تنها خواسته‌ای است که هر مسلمان، روزی حداقل ده بار در

نمازها از خداوند طلب می‌کند، حتّی رسول الله ﷺ و ائمّه اطهار علیهم السلام از

خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می‌خواهند.

انسان باید همواره، در هر نوع از کارهای خویش، اعم از انتخاب شغل،

دوست، رشته‌ی تحصیلی و همسر، راه مستقیم را از خداوند بخواهد. زیرا چه

بسا در عقاید، صحیح فکر کند، ولی در عمل دچار لغزش شود و یا بالعکس.

پس هر لحظه، خواستن راه مستقیم از خدا، ضروری است.

راه مستقیم مراتب و مراحل دارد. حتّی کسانی که در راه حق هستند، مانند

اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیادشدن نور هدایت، دعا کنند.

«وَالَّذِينَ اهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى» (کسی که می‌گوید «الحمد لله رب العالمین الرحمن

۱- (آل عمران/۱۰۱)

۲- [بنا بر روایتی در تفسیر مجمع البیان / ج ۱ / ص ۵۸]

۳- [بنا بر روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر صافی / ج ۱ / ص ۸۶]

الرَّحِيمِ...» مراحلی از هدایت را پشت سر گذارده است، بنابراین درخواست او، هدایت به مرحله بالاتری است.)

راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «اليمين و الشمال مَضَلَّةٌ و الطريق الوسطى هي الجادة»^۱ انحراف به چپ و راست گمراهی و راه وسط، جاده‌ی هدایت است.

راه مستقیم یعنی میانه‌روی و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل. یکی در عقاید از راه خارج می‌شود و دیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می‌دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعال‌میشاء دانسته و دست خدا را بسته می‌داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرفی می‌کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می‌پندارد. یکی زیارت امامان معصوم و شهدا را بدعت می‌داند و دیگری حتی به درخت و دیوار، متوسل شده و ریسمان می‌بندد. یکی اقتصاد را زیر بنا می‌داند و دیگری، دنیا و امورات آن را نادیده می‌انگارد.

در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می‌فرستد. یکی بخل می‌ورزد و دیگری بی حساب سخاوت به خرج می‌دهد. یکی از خلق جدا می‌شود و دیگری حق را فدای خلق می‌کند.

اینگونه رفتار و کردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا و استوار خود را، راه مستقیم معرفی می‌کند. «قُلْ اِنَّیْ هِدَانی رَبِّی الی

صراط مستقیم»^۱ در روایات آمده است که امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.^۲ یعنی نمونه‌ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره‌ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ... ، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند. (در این باره می‌توان به کتاب اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات مراجعه نمود.) جالب آنکه ابلیس در همین صراط مستقیم به کمین می‌نشیند.

شیطان به خدا گفت: «لَا قَعْدَنَ لَهم صراطک المستقیم»^۳

در قرآن و روایات، نمونه‌های زیادی آمده که در آنها به جنبه‌ی اعتدال، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. به موارد ذیل توجه کنید:

* «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا»^۴ بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.

* «لَا تَجْعَلْ یَدک مَغْلُولَةً الی عُنُقک و لَا تَبْسُطْهَا کلَّ البَسْط»^۵ در انفاق، نه دست بر گردن قفل کن - دست بسته باش - و نه چنان گشاده دستی کن که خود محتاج شوی.

* «الَّذین اذا اُنْفَقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً»^۶ مومنان، به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه‌رو هستند.

۱- (انعام/۱۶۱)

۲- [تفسیر نورالقلین/ج ۱/ص ۲۰]

۳- (اعراف/۱۶)

۴- (اعراف/۳۱)

۵- (سراء/۲۹)

۶- (فرقان/۶۷)

* «لا تجهر بصلاتک و لاتخافت بها وابتغ بین ذلک سیلاً»^۱ نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته، بلکه با صدای معتدل بخوان.

* نسبت به والدین احسان کن؛ «و بالوالدین احساناً»^۲ اما اگر تو را از راه خدا بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست. «ان جاهداک علی ان تشرک بی... فلا تطعهما»^۳

* پیامبر هم رسالت عمومی دارد؛ «و کان رسولاً نبیاً»^۴ و هم خانواده خویش را دعوت می‌کند. «و کان یأمر أهله بالصلاة»^۵

* اسلام هم نماز را سفارش می‌کند که ارتباط با خالق است؛ «اقیموا الصلاة» و هم زکات را توصیه می‌کند که ارتباط با مردم است. «اتوا الزکاة»^۶

* نه محبت‌ها شما را از گواهی حق منحرف سازد؛ «شهداء لله و لو علی انفسکم»^۷ و نه دشمنی‌ها شما را از عدالت دور کند. «و لا یجرمنکم شنان قوم»^۸

* مؤمنان هم دافعه دارند؛ «أشداء علی الکفار» و هم جاذبه دارند. «رحماء بینهم»^۹

-
- ۱- (اسراء/ ۱۱۰)
 ۲- (بقره/ ۸۳)
 ۳- (لقمان/ ۱۵)
 ۴- (مریم/ ۵۱)
 ۵- (مریم/ ۱۵)
 ۶- (بقره/ ۴۳)
 ۷- (نساء/ ۱۳۵)
 ۸- (مائده/ ۸)
 ۹- (فتح/ ۹)

* هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ «امنوا» و هم عمل صالح. «عملوا الصالحات»^۱

* هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ «ربنا افرغ علینا صبراً»^۲ و هم صبوری و پایداری در سختی‌ها. «عشرون صابرون یغلبوا مأتین»^۳

شب عاشورا امام حسین علیه السلام هم مناجات می‌کرد و هم شمشیر تیز می‌کرد.

* روز عرفه و شب عید قربان، زائر خانه‌ی خدا دعا می‌خواند و روز عید باید در قربانگاه با خون آشنا شود.

* اسلام مالکیت را می‌پذیرد، «الناس مسلطون علی اموالهم»^۴ ولی اجازه ضرر زدن به دیگری را نمی‌دهد و آن را محدود می‌سازد. «لا ضرر و لا ضرار»^۵

آری، اسلام دین یک بعدی نیست که تنها به جنبه‌ای توجه کند و جوانب دیگر را فراموش کند، بلکه در هر کاری اعتدال و میانه‌روی و راه مستقیم را سفارش می‌کند.

👉 از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- همه‌ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند. خدایا! ما را نیز در راهی که خود دوست داری قرار بده. «اهدنا الصراط المستقیم»

۲- درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم‌ترین خواسته‌ی یکتاپرستان است.

«ایاک نعبد ... اهدنا الصراط المستقیم»

۳- برای دستیابی به راه مستقیم، باید دعا نمود. «اهدنا الصراط المستقیم»

۱- (بقره/ ۲۵)

۲- (بقره/ ۲۵۰)

۳- (انفال/ ۶۵)

۴- [بحار/ ج ۲/ ص ۲۷۲]

۵- [کافی/ ج ۵/ ص ۲۸]

۴- ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. «الحمد لله... اهدنا»

۵- بهترین نمونه استعانت از خدا، درخواست راه مستقیم است. «ایاک نستعین، اهدنا الهدى الصراط المستقیم»

الهی کیست که موفق بزیرت جمال دل آرایت شد و شایسته شد.



«قبولی اعمال»

«... رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» {بقره آیه ۱۲۷}

... پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی.



از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

- ۱- بانیان کارهای نیک را فراموش نکنیم. «اذیرفع» «اذ» یعنی گذشته را یاد کن.
- ۲- در مسیر اهداف الهی، کار بنایی و کارگری نیز عبادت است. لذا از خداوند قبولی آنرا می خواهند. «یرفع ابراهیم القواعد... ربنا تقبل منا»
- ۳- کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیت دارد. حتی اگر کعبه بسازیم، ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد. «ربنا تقبل»
- ۴- کارهای خود را در برابر عظمت خداوند، قابل ذکر ندانیم. حضرت ابراهیم علیه السلام نامی از کار و بنایی خود نبرد و فقط گفت: «ربنا تقبل منا»
- ۵- در روایات آمده است: از شرایط استجابت و آداب دعا، ستایش خداوند است. ابراهیم علیه السلام دعای خود را با ستایش پروردگار همراه ساخته است. «انک انت السميع العليم»

«الهی در صورت اینیایم داشتی، در سیرت آنانم هم بدر»



«تسلیم بودن و توجه به ذریه و نسل»

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ

عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» {بقره/۱۲۸}

پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرارده و از نسل ما (نیز) امتی که تسلیم تو باشند قرارده و راه و روش پرستش را به ما نشان ده و توبه‌ی ما را بپذیر، که همانا تو، توبه‌پذیر مهربانی.



نکته:

با آنکه حضرت ابراهیم و اسماعیل هر دو در اجرای فرمان ذبح (قربانی کردن ابراهیم اسماعیل را)، عالی‌ترین درجه تسلیم در برابر خدا را به نمایش گذاردند، اما با این همه در این آیه از خداوند می‌خواهند که مارا تسلیم فرمان خودت قرارده. گویا از خداوند تسلیم بیشتر و یا تداوم روحیه تسلیم را می‌خواهند.

له از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- به کمالات امروز خود قانع نشوید، تکامل و تداوم آنرا از خدا بخواهید.
«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ»

۲- توجه به نسل و فرزندان، یک دورنگری عاقلانه و خداپسندانه است که حاکی از وسعت نظر و سوز و عشق درونی است و بارها در دعاهای حضرت ابراهیم عليه السلام آمده است. «ومن ذریتنا»

۳- راه و روش بندگی را باید از خدا آموخت و گرنه انسان گرفتار انواع خرافات و انحرافات می‌شود. «أَرِنَا مَنَاسِكَنَا»

۴- تا روح تسلیم نباشد، بیان احکام سودی نخواهد داشت. در اینجا ابراهیم علیه السلام ابتدا از خداوند روح تسلیم تقاضا می‌کند، سپس راه و روش عبادت و بندگی را می‌خواهد. «واجعلنا مسلمین لک... ارنا مناسکنا»

۵- نیاز به توبه و بازگشت الطاف الهی، در هر حال و برای هر مقامی، ارزش است. «تب علینا» در حدیث می‌خوانیم: رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم هر روز، هفتاد مرتبه استغفار می‌نمود، با اینکه او معصوم بود و هیچ گناهی نداشت.

۶- یکی از آداب دعا، ستایش پروردگار است که در این آیه نیز به چشم می‌خورد. «التواب الرحیم»

«الهی آنگس تاج عزت بر سر وارد که حلقه‌ی اردت را در گوش و طوق عبودیت را در گردن»



«توجه به دنیا و آخرت»

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» {بقره/

{۲۰۱}

پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار.



نکته‌ها

یکی از راههای شناخت مردم، آشنایی با آرزوها و دعاهاى آنان است. در آیه قبل، درخواست گروه اول از خداوند مربوط به دنیا است و کاری به خیر و شر آن ندارند، ولی در این آیه درخواست گروه دوم از خداوند، «حسنه» است در دنیا و آخرت. در دیدگاه گروه اول؛ دنیا به خودی خود مطلوب است، ولی در دید گروه دوم؛ دنیایی ارزشمند است که حسنه باشد و به آخرت منتهی گردد. در روایات نمونه‌ها و مصادیقی برای نیکی‌های دنیا و آخرت نقل شده است؛ ولی «حسنه» در انحصار چند نمونه نیست.

در قرآن مجید ۱۱۵ مرتبه کلمه‌ی «دنیا» بکار رفته و ۱۱۵ مرتبه کلمه «آخرت» استعمال شده است و این یک تصادف نیست. البته این به معنای آن نیست که اهمیت دنیا و آخرت هر دو یکسان است.

در دعاها، هدف‌های کلی مطرح شود و تعیین مصداق به عهده خداوند گذاشته شود. ما از خداوند حسنه و سعادت می‌خواهیم، ولی در اینکه رشد و صلاح ما در چیست؟ آنرا به عهده‌ی خداوند می‌گذاریم. چون ما به خاطر محدودیت‌های علمی و عدم آگاهی از آینده و ابعاد روحی خودمان، نمی‌توانیم مصادیق جزئی را تعیین بنمائیم. به همین جهت توصیه شده است از خداوند وسیله کار را نخواهید، خود کار را بخواهید. زیرا ممکن است خداوند از وسیله‌ی دیگری که به فکر و ذهن ما نمی‌آید، کاری را برای ما محقق سازد. مثلاً از خداوند توفیق زیارت حج را بخواهید، اما نگوئید: خدایا مالی به من بده تا به مکه بروم. چون خداوند گاهی سبب را به گونه‌ای قرار می‌دهد که ما فکر آن را نمی‌کردیم.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- دنیا و آخرت با هم منافاتی ندارند، به شرط آنکه انسان به دنبال حسنه و نیکی باشد. «فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة»
 ۲- هر رفاهی مذموم نیست، بلکه زندگانی نیکو، مطلوب نیز هست. «ربنا اتنا فی الدنيا حسنة»

۳- دوزخ، حساب جدایی دارد. با اینکه از خداوند نیکی آخرت را می‌خواهند، ولی برای نجات از آتش، جداگانه دعا می‌کنند. [در دعاها برای نجات از آتش، اصرار و تکرار عجیبی است. مثلاً در دعای مجیر حدود هفتاد بار می‌خوانیم: «اجرنا من النار یا رب» پروردگارا! ما را از آتش جهنم نجات بده. و یا در دعای جوشن کبیر که صد بند دارد در پایان هر بند آن می‌گوییم: «خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ یا رب»] «قنا عذاب النار»

الهی عاقبت چه خواهد شد و باید چه باید کرد؟



«صبر و استقامت»

«رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» {بقره/

{۲۵۰}

پروردگارا صبر و شکیبایی بر ما فرو ریز و قدم‌های ما را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز فرما.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- همیشه و به خصوص در جبهه‌ها، دعا همراه با حرکت لازم است، نه دعا به جای حرکت. «برزوا لجالوت... ربنا افرغ...»
- ۲- صبر و پیروزی، ملازم یکدیگرند. در اثر صبر، ظفر آید. «صبراً... وانصرنا»
- ۳- دعاهاى خود را با «ربنا» آغاز کنیم. «ربنا افرغ...»
- ۴- در شدايد، انسان به صبر بسیار محتاج است. «افرع» به معنای نزول فراوان است. از نظر ادبی کلمه «صبراً» که در قالب «نکره» آمده است نشانه‌ی درخواست صبر بزرگ است.
- ۵- پشت سر گذاشتن امتحانات و موفقیت در آنها شما را مغرور نکند، باز هم از خداوند استمداد نمائید. «ثبت اقدامنا»
- ۶- وظیفه انسان، حرکت و تلاش است، اما پیروزی بدست خداست. «وانصرنا»
- ۷- پیروزی در جنگ، زمانی با ارزش است که هدف رزمندگان برتری حق بر باطل باشد، نه برتری یکی بر دیگری. «وانصرنا على القوم الكافرين»

الهی عاشق را ترک ما سوا می‌مشتوق عین فرض است که یک دل و دو مشتوق کذب محض است.



«تکلیف و مجازات، استغفار و عفو»

«رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَيَّ الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا إِنَّتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَيَّ الْكَافِرِينَ» {بقره/۲۸۶}

پروردگارا! اگر (در انجام تکالیف چیزی را) فراموش یا خطا نمودیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگین بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی. پروردگارا! آنچه را (از مجازات) که طاقت تحمل آنرا نداریم، بر ما مقرر نکن و از ما درگذر و ما را بیامرز و در رحمت خود قرارده، تو مولی و سرپرست مایی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان.



نکته‌ها

گاهی منشا فراموشی، سهل انگاری خود انسان است که قابل مؤاخذه می‌باشد. چنانکه خداوند می‌فرماید: «كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» آن چنانکه آیات ما بر تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، همانگونه امروز نیز تو به فراموشی سپرده می‌شوی. لذا در این آیه از فراموش کاری در کنار خطاکاری، طلب آمرزش می‌شود. در ضمن از مجازات‌های سنگین که در اثر طغیان و فساد امت‌های پیشین بر آنها تحمیل شد، درخواست عفو می‌شود.

در این آیه انسان تمام مراحل لطف را از خداوند می‌خواهد: مرحله اول عفو است که محو آثار گناه و عقاب است. مرحله دوم مغفرت و محو آثار گناه از روح است و مرحله سوم بهره‌گیری از رحمت پروردگار و پیروزی بر کافران می‌باشد.

علم از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- تکالیف الهی، بیش از توان انسان نیست. «لا یكلف الله نفساً الا وسعها»

اسلام، دین آسانی است، نه سخت‌گیری.

۲- اعمال ما آثاری دارد که بازتابش به خود ما برمی‌گردد.

«لها ما کسبت وعلیها ما...»

۳- انسان، آزاد و صاحب اختیار است. «لها ما کسبت»

۴- انجام یا ترک دستورات الهی، سود و ضررش برای خود ماست. «لها... علیها»

۵- کسانی که می‌گویند: «سَمِعْنَا وَاطَعْنَا» و سراپا عادل و متقی هستند، باز هم از

خطا و نسیان‌های خود نگرانند و دعا می‌کنند. «ان نسینا او اخطأنا»

۶- به تاریخ گذشتگان و حوادث تلخ آنان بنگریم تا درس عبرت گرفته و به

خدا پناه ببریم. «کما حَمَلْتَهُ عَلَی الذِّینِ مِنْ قَبْلِنَا»

۷- آداب دعا آن است که ابتدا به ضعف خود اقرار کنیم؛ «لا طَاقَةَ لَنَا» سپس به

عظمت خداوند گواهی دهیم؛ «انت مولینا» آنگاه خواست خود را مطرح کنیم.

«واعف عننا و اغفر لنا وارحمنا»

۸- پیروزی اسلام بر کفر، خواسته دائمی مؤمنان است. «فَانصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ»

الهی شکر است که پیرناشده استغفار کردم که استغفار پیر استغناء را ماند.



«هدایت و استمداد از خداوند»

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ

الْوَهَّابُ» {آل عمران/ ۸}

پروردگارا! پس از آن که ما را هدایت کردی، دل‌های ما را به باطل مایل مگردان و از سوی خود ما را رحمتی ببخش. به راستی که تو خود بسیار بخشنده‌ای.



علم از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- به علم و دانش خود مغرور نشویم، از خداوند هدایت بخواهیم.

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا...»

۲- نشانه‌ی علم واقعی و رسوخ در علم، توجه به خدا و استمداد از اوست.

«الْأَلِیَّ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ... رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا»

۳- محور هدایت و گمراهی، قلب و افکار انسانی است. «لا تُزِغْ قُلُوبَنَا»

۴- در خط قرار گرفتن خیلی مهم نیست، از خط خارج نشدن بسیار اهمیت

دارد. «بعد اذ هدیتنا...»

۵- هدیه و هبه‌ی دائمی و بی‌منت، مخصوص خداوند است.

«أَنْتَ الْوَهَّابُ»

الهی خشربا عالم خیال که ایقدر لذت‌ناست خشربا عالم عقل چه خواهد بود.



«قیامت وعده‌ی الهی»

«رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»

{آل عمران/۹}

پروردگارا! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست گرد آوری. همانا خداوند وعده‌ی خود را تخلف نمی‌کند.



نکته‌ها

کسی که به قیامت ایمان دارد؛ «لیوم لاریب فیه» نگران بد عاقبت شدن خود می‌شود و از خداوند استمداد می‌کند.

منشأ تخلف وعده، غفلت، عجز، ترس، جهل و یا پشیمانی است که هیچ کدام از اینها در ذات مقدس الهی راه ندارد. «لایخلف المیعاد»

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- راسخان در علم، به آینده و قیامت چشم دوخته‌اند. «انک جامع الناس لیوم...»

۲- توجه به حالات روحی در دنیا؛ «لاتزغ قلوبنا»^۱ و پاسخگویی به اعمال در آخرت، نشانه‌ی دانشمندان واقعی است. «لیوم لاریب فیه»

۱- (آل عمران/۹)

۳- روز قیامت، هم روز جمع است که مردم یکجا برای حسابرسی جمع می‌شوند؛ «جامع الناس» و هم روز فصل است که بعد از محاکمه، هر یک جداگانه به جایگاه خود می‌روند. «ان یوم الفصل کان میقاتاً»^۱

۴- راسخان در علم به قیامت یقین دارند، «لاریب فیه» چون به وفای خداوند یقین دارند. «لایخلف المیعاد»

الهی راز دل را نهفتن دشوار است و کفتن دشوار تر.

۱- (نبأ ۱۷)



«طلب بخشش»

«رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» {آل عمران / ۱۶}

پروردگارا! براستی که ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش حفظ فرما.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- متّقین، همواره در انابه و دعا هستند. «يقولون»
- ۲- ایمان، زمینه‌ی عفو الهی است. «أَمْنَا فَاغْفِرْنَا»
- ۳- عفو، از شئون ربوبیت و لازمه‌ی تربیت است. «رَبَّنَا... فَاغْفِرْنَا»
- ۴- ترس از قهر و عذاب خداوند، از نشانه‌های تقواست. «قِنَا عَذَابَ النَّارِ»
- ۵- به کارهای خوبتان اعتماد نکنید. با آنکه اهل تقوا هستید، باز هم از قهر الهی باید ترسید. «قِنَا عَذَابَ النَّارِ»

الهی کی الله گفت ولیک نشید.



«درخواست نسلی پاک»

«رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» {آل عمران / ۳۸}

پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعائی.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- حالات انسان وساعات دعا، در استجابت آن مؤثر است. «هنالك دعا زكريّا»
- ۲- غبطه خوردن کمال، ولی حسد ورزیدن نقص است. (زكريّا عَلَيْهِ السَّلَامُ با دیدن مقام مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ شیفته شد و غبطه‌خورد و دست به دعا برداشت. «هنالك دعا»)
- ۳- زن می‌تواند پیامبر خدا را تحت تأثیر قرار دهد. «هنالك دعا زكريّا»
- ۴- مشاهده‌ی کمالات دیگران، زمینه‌ی درخواست کمالات و توجه انسان به خداوند است. «هنالك دعا زكريّا»
- ۵- درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست. «هب لي... ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً»
- ۶- ارزش ذریه و فرزندان، به پاکی آنهاست. «ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً»
- ۷- در دعا باید از خداوند تجلیل کرد. «أنتك سمیع الدعاء»

آن که کشتارش را وحین کند، از گیاه هرزه آزاریند.



«ثبات ایمان و تبعیت»

«رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ»

{آل عمران/ ۵۳}

پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آورده‌ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- لازمی ایمان، اطاعت از پیامبر است. «آمَنَّا... وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ»

۲- ایمان به تمام دستورات الهی لازم است. «بما انزلت»

۳- از خداوند بخواهیم که ایمان ما را تثبیت کرده و ما را از حامیان انبیا قرار دهد. «فاکتبنا مع الشاهدين»

الهی سروراه سرورادان آسان است و دل بدست دلدارادان دشوار که آن جهاد اصغر است و این اکبر.



«ثبات قدم و نصرت الهی»

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ

الْكَافِرِينَ» {آل عمران/ ۱۴۷}

پروردگارا گناهانمان و زیاده‌روی‌هایمان را در کارمان ببخش و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- یکی از عوامل شکست در جنگ، گناه و اسراف است. رزمندگان مخلص، با استغفار این موانع پیروزی را از بین می‌برند. «اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا»

۲- شکست خود را به قضا و قدر و یا دیگران نسبت ندهید، به قصورها و تقصیرهای خود نیز توجه داشته باشید. «ذنوبنا و اسرافنا»

۳- اول استغفار، بعد استنصار. ابتدا طلب آمرزش کنید، سپس از خداوند پیروزی بخواهید. «اغفر لنا... وانصرنا»

۴- بجای تسلیم در برابر دشمن، در پیشگاه خداوند اظهار ذلت نمایید. «و ما استکانوا... ربنا اغفر لنا...»

۵- صحنه‌های جهاد و جنگ، انسان را به سوی دعا و استغفار می‌کشاند. «و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا»

- ۶- مردان خدا، نصرت و یاری خدا را برای نابودی کفر می‌خواهند، نه برای کسب افتخار خود. «وانصرنا علی القوم الکافرین»
- ۷- بر لطف خداوند تکیه کنید، نه بر نفرت خود. «رَبِّیونَ کثیر... رَبَّنَا... انصرنا»

الهی هر که را می‌بینم با خودم را با خودت دار.



«اول اندیشه و تعقل بعد دعا و مناجات»

«رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» {آل عمران/ ۱۹۱}

پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده‌ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- نشانه‌ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. «اولوا الالباب الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم»
- ۲- اهل فکر، باید اهل ذکر باشند. «اولوا الالباب الذین یذکرون ... و یتفکرون»
- ۳- ایمان بر اساس فکر و اندیشه ارزشمند است. «یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً»
- ۴- ایمان و اعتراف با تمام وجود ارزش دارد. نباید به اعتراف زبانی اکتفا کرد. «یتفکرون... ربنا ما خلقت...»
- ۵- ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می‌گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند. «یذکرون... یتفکرون»
- ۶- آنچه سبب رشد و قرب است، ذکر و فکر دائمی است نه موسمی. «یذکرون» و «یتفکرون» (فعل مضارع‌اند که نشان استمرار است).

۷- شناختِ حسی طبیعت کافی نیست، تعقل و تفکر لازم است. «یتفکرون فی خلق السموات والارض»

۸- کسی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین فکر کند، پی می‌برد که خالق هستی، پروردگار ما نیز هست. «یتفکرون... ربنا»

۹- آفرینش بیهوده نیست، گرچه همه اسرار آن را درک نکنیم.

«ما خلقت هذا باطلاً»

۱۰- اول تعقل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان، آنگاه دعا و مناجات.

«یتفکرون... ربنا... فقنا»

۱۱- اگر هستی بیهوده و باطل نیست، ما هم نباید بیهوده و باطل باشیم.

«ما خلقت هذا باطلاً... فقنا عذاب النار»

۱۲- هستی هدفدار است، پس هر چه از هدف الهی دور شویم به دوزخ

نزدیک می‌شویم. «فقنا عذاب النار»

۱۳- قبل از دعا، خدا را ستایش کنیم. «سبحانک فقنا...»

۱۴- ثمره‌ی عقل و خرد، ترس از قیامت است.

«ولوا الالباب... فقنا عذاب النار»

الهی آنگاه دعا جواب سلام نمیشود، هنوز نماز گذار نشد ما را با نماز گذاران بدر.



«بیم از رسوایی و دوزخ»

«رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»

{آل عمران/۱۹۲}

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمال بدش) به دوزخ افکنی، پس بی شک او را خوار و رسوا ساخته‌ای و برای ستمگران هیچ یاورانی نیست.



نکته:

از امام باقر علیه السلام درباره‌ی «و ما للظالمین من انصار» سؤال کردند، حضرت فرمودند: یعنی آنها امامانی ندارند تا آنان را به نام بخوانند، (و از آنان شفاعت کنند).^۱

از این آیه می‌آهوزیم و درس می‌گیریم که:

۱- آتش قیامت سخت است، اما نزد صاحبان اندیشه که خواهان کرامت انسان

هستند خواری و رسوایی قیامت، دردناک‌تر از آن است. «من تدخل النار فقد اخزيت»

۲- ستمگران، از شفاعت دیگران محروم هستند. «ما للظالمین من انصار»

بکشای درسی که در کشانده تویی بنمای رهی که ره نمانده تویی

الهی وای بر من اگر دانشم رخنم شود و کتابم جابم.



«با خوبان»

«رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» {آل عمران/ ۱۹۳}

پروردگارا! همانا ما دعوت منادی ایمان را شنیدیم که (می گفت:) به پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا! پس گناهان ما را بیامرز و زشتی های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران.



تکته ها

شاید مراد از «ذنوب» گناهان کبیره باشد و مراد از «سیئات» گناهان صغیره، چنانکه در آیهی شریفه «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم...»^۱ «سیئات» در برابر «کبائر» آمده است. و ممکن است مراد از «سیئات» آثار گناه باشد.

در برابر خردمندانی که دعوت ایمان را اجابت کرده و می گویند: «سَمِعْنَا»، افرادی هستند که نسبت به این دعوت بی اعتنایی می کنند و در قیامت با حسرت تمام می گویند: «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»^۲

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خردمندان، آمادهی پذیرش حق هستند و در کنار پاسخگویی به ندای فطرت، به ندای انبیا، علما و شهدا پاسخ می دهند.

۱- (نساء/ ۳۱)

۲- (ملک/ ۱۰)

«أَتْنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ...»

۲- استغفار و اعتراف، نشانهی عقل است. «اولوالالباب... رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا»

۳- از آداب دعا که زمینهی عفو الهی را فراهم می کند، توجه به ربوبیت الهی است. «رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا»

۴- ایمان، زمینهی دریافت مغفرت است. «آمَنَّا، فَاغْفِرْ لَنَا»

۵- دیگران را در دعای خود شریک کنیم. «فَاغْفِرْ لَنَا»

۶- پرده پوشی و عفو، از شئون ربوبیت واز شیوه های تربیت است.

«رَبَّنَا... كَفِّرْ عَنَّا»

۷- مرگ انسان با اراده الهی است. «تَوَفَّنَا»

۸- خردمندان دوراندیش، مرگ با نیکان را آرزو می کنند و به فکر حسن عاقبت هستند. «تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»

۹- ابرار مقامی دارند که خردمندان آرزوی آن را می کند.

«اولوالالباب... تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»

الهی آنکه ترا دوست دارد چگونگی خلقت مهربان نیست.



«هم دنیا و هم آخرت»

«رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ

الْمِيعَادَ» {آل عمران/ ۱۹۴}

پروردگارا! آنچه را به واسطه‌ی پیامبرانت به ما وعده داده‌ای، به ما مرحمت فرما و ما را در روز قیامت خوار مساز، که البته تو خلاف وعده انجام نمی‌دهی.



تکته‌ها

در چند آیه قبل از این، خداوند متعال مسیر رشد خردمندان و صاحبان اندیشه را این گونه ترسیم می‌کند: یاد خدا، فکر، رسیدن به حکمت، تسلیم انبیا شدن، استغفار، خوب مردن، در انتظار الطاف الهی و نجات از رسوایی و خواری.

در آیات قبل ایمان خردمندان به خداوند و قیامت مطرح بود و در این آیه ایمان به نبوت نیز مطرح شده است. «ما وعدتنا علی رسلک»

و تکرار «رَبَّنَا» در سخنان آنها، نشان شیفتگی آنان به ربوبیت الهی است.

خردمندان، هم عزت دنیا را می‌خواهند و هم عزت آخرت را.

جمله‌ی «آتانا ما وعدتنا علی رسلک» مربوط به دنیاست که خداوند وعده نصرت به اهل حق داده است: «أَنَا لِنَنْصُرَ رُسُلَنَا»^۱ و جمله‌ی «و لا تخزنا» مربوط به عزت در آخرت است.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- وفای به وعده، از شئون ربوبیت الهی است. «رَبَّنَا اتنا ما وعدتنا»

۲- گرچه خداوند به وعده‌های خود وفا می‌کند، لکن ما نیز باید دعا کنیم. «اتنا ما وعدتنا»

۳- خردمندان به همه‌ی انبیا و همه وعده‌های الهی ایمان دارند.

«ما وعدتنا علی رسلک»

۴- نهایت آرزوی خردمندان، رسیدن به الطاف الهی و نجات از دوزخ و

رسوایی در قیامت است. «اتنا ما وعدتنا، و لا تخزنا يوم القيامة»

۵- بیم و امید (خوف و رجاء) باید در کنار هم باشد.

«اتنا ما وعدتنا... و لا تخزنا»

الهی دزدان دادی نان دادی، جان دادی جانان بده.



«رهایی از جامعه فاسد»

«رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» {نساء/۷۵}

پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما.



تکته:

آیه درباره‌ی مسلمانانی است که تحت فشار و شکنجه‌ی مردم مکه قرار داشتند. و از کسانی که جهاد در راه آزادی آنان را رها کرده‌اند، نکوهش می‌کند.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- سرپرستی و ولایت بر مسلمانان باید از طرف خدا باشد. «من لدنک ولیاً»
- ۲- در جامعه‌ی فاسد نباید هم‌رنگ جماعت شد. (پس این شعار غلط است که خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو)
- ۳- بهترین سرپرست یاور خداوند است، از او بخواهیم.

الهی از شیاطین جن بریدن دشوار نیست با شیاطین انس چه باید کرد.



«اعتراف به خطا»

«رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

{اعراف/۲۳}

پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشایی و رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.



تکته‌ها

شیطان و آدم هر دو نافرمانی کردند، اما شیطان نسبت به نافرمانی خود (ترک سجده)، به عدل و حکمت الهی اعتراض کرده و استکبار نمود و برتری نژاد خود را مطرح ساخت و پشیمان هم نشد، اما حضرت آدم و حوا، به کار خلاف خود اعتراف کردند و از خداوند تقاضای بخشش نمودند.^۱

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- در برابر ستم‌هایی که به خود روا می‌داریم باید از خداوند استمداد کنیم و آنها را جبران کنیم. «قالا ربنا ظلمنا...»
- ۲- هرگونه خلافی، ظلم به خویش است، چون مخالفت با فرمان خدا مخالفت با تکامل و سعادت واقعی خود است. «ظلمنا أنفسنا»
- ۳- از آداب دعا و استغفار، ابتدا اعتراف به گناه است. «قالا ربنا ظلمنا أنفسنا»
- ۴- نخستین خواسته‌ی بشر از خدا، تقاضای عفو و رحمت بود. «وان لم تغفر لنا»

۱- [تفسیر نمونه]

- ۵- مهم‌ترین مسأله برای گناهکار، مغفرت الهی است، سپس درخواست‌های دیگر. «ان لم تغفر لنا و ترحمنا»
- ۶- عنایت و لطف و مهربانی خدا، جلوی خسارت ابدی را می‌گیرد.
- «ان لم تغفر لنا... لنكونن من الخاسرين»

الهی در بسته نیست مادست و پابسته ایم.



«پرهیز از همراهی ظالمان»

«رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» {اعراف/۴۷}

پروردگارا! ما را همراه ظالمان قرار مده.



تکته

نمی‌گویند ما را اهل آتش قرار مده، بلکه می‌گویند: ما را همنشین ظالمان مگردان. گویا مجالست با ستمگر، بدتر از آتش دوزخ است.^۱

- این دعا از مؤمنانی است که در قیامت زمانی که وضع وخیم ظالمان را در دوزخ می‌بینند به زبان می‌آورند که پروردگارا ما را همراه ظالمان قرار مده، این همان جمله‌ای است که آن‌ها در دنیا با زبان و عمل به پیروی از رهبران آسمانی جامه عمل پوشانیده و نتیجه‌اش را در آخرت می‌بینند.

آری در این میدان مردم سه گروه هستند؛

الف: «مؤمنان» راستین که در پرتو ایمان به آرامش کامل رسیده‌اند و از هیچ گونه مجاهدتی دریغ ندارند.

ب: «معاندان» و دشمنان لجوج حق که به هیچ وسیله به راه نمی‌آیند.

ج: «اعراف» که در گذرگاه صعب العبوری میان این دو گروه قرار گرفته‌اند و بیش‌تر توجه رهبران آسمانی و پیشوایان حق نیز به آن‌هاست که در کنارشان

۱- [تفسیر روح المعانی]

در دنیا بمانند، دستشان را بگیرند و از این مرحله نجاتشان دهند تا در صف مؤمنان حقیقی قرار گیرند.^۱

ای اگر خدا نزنیم چه کنیم و اگر ترک ما سوا نزنیم چه کنیم؟



«داوری خداوند»

«رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» {اعراف/ ۸۹}

پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری و راهگشایی کن که تو بهترین داوران و راهگشایانی.



تکته:

«فتح» در این گونه موارد، به معنای قضاوت و داوری برای راهگشایی است، یعنی سخن آخر را خداوند می‌گوید تا از بن‌بست خلاص شده و راه باز شود.

لذین آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- در دعا، تناسب بین خواسته و اسمای الهی را باید در نظر گرفت. آنجا که نیاز به فتح داریم، خدا را با خیرالفاتحین صدا می‌زنیم. «افتح... خیر الفاتحین»
- ۲- لازمه‌ی داوری صحیح، علم و آگاهی همه‌جانبه است. داوری، حق کسی است که همه چیز را می‌داند. «وسع ربنا کل شیء علما... ربنا افتح...»
- ۳- داوری، از شئون ربوبیت خداوند است. «ربنا افتح»
- ۴- هدف انبیا تثبیت و بر کرسی نشانیدن حرف حق است، نه سخن خویشتن. «افتح بیننا و بین قومنا بالحق»

ای پیشانی بر خاک نهادن آسان است دل از خاک برداشتن دشوار است.



«عاقبت به خیری»

«رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوْفَنَّا مُسْلِمِينَ» {اعراف/۱۲۶}

پرودگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان و فرمان‌بردار بمیران.



تکته:

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که خود را برتر از دیگران بداند مستکبر است. به حضرت گفتند: گاهی انسان به دلیل آنکه دیگران مشغول گناهند و او گناه نمی‌کند خود را برتر می‌داند! حضرت فرمودند: شاید او توبه کرده و بخشیده شده است، ولی تو خبر نداری و هنوز او را چنان می‌بینی. مگر داستان ساحران را نشنیده‌ای که با انگیزه‌ی شکست موسی علیه السلام آمدند، ولی توبه کرده و هدایت شدند و پایان خوبی داشتند.^۱

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- نشانه‌ی مؤمنان راستین، آرامش، مقاومت، صراحت، شجاعت، تضرع و دعا بخصوص در هنگام سختی‌هاست. «آمنًا... رَبَّنَا افرغ علينا صبراً»
- ۲- در دعا به ربوبیت خداوند متوسل شویم. «رَبَّنَا»
- ۳- بهترین شیوه در برابر تهدید طاغوت‌ها، دعا و توکل بر خدا و حفظ ایمان و پایداری است. «رَبَّنَا افرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین»

۱- [تفسیر نورالقلین]

- ۴- وقتی تهدیدها سنگین باشد، صبر و مقاومت بیشتری هم می‌طلبد. ساحران گفتند: «أفرغ علينا صبراً» یعنی دل ما را پر از صبر کن و نگفتند: «أنزل علينا»
- ۵- حسن عاقبت، نیاز به دعا، استمداد و توفیق الهی دارد. «رَبَّنَا... توفنا مسلمین»

الهی تو را دارم چه کم دارم پس چه غم دارم.



«نوع دوستی»

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»

{اعراف/۱۵۱}

پروردگارا! من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خویش وارد کن و تو مهربان‌ترین مهربانانی.



تکته‌ها:

آموزش‌خواهی حضرت موسی عليه السلام ممکن است برای درس دادن به دیگران باشد.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- به برادران و همکاران خود نیز دعا کنیم. «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي»
- ۲- در طوفان انحراف‌های جامعه، رهبران به دعا و لطف الهی بیش از دیگران نیازمندند. «وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ»
- ۳- بخشودگی، مقدمه‌ی ورود در رحمت الهی است. «اغفر... أَدْخِلْنَا»
- ۴- در دعا، از الطاف و صفات خدا یاد کنیم. «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»

الهی تو پاک آفریده‌ای ما آلوده کرده‌ایم.



«رحمت فراگیر»

(رَبَّنَا) «وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ...»

{اعراف/۱۵۶}

(پروردگارا!) برای ما در این دنیا و در آخرت، خیر و نیکی مقرر کن که ما به سوی تو رهنمون و بازگشت کرده‌ایم.



تکته‌ها:

آری، سفره‌ی رحمت الهی گسترده است و به همه کس می‌رسد، اما شمول رحمت برای غیر مؤمنان، به تفضّل الهی و به برکت مؤمنان و به طفیل آنان است.^۱ در روایت آمده است که شخصی در نماز می‌گفت: «اللهم ارحمني و محمداً و لاترحم معنا احداً»، خدایا! تنها من و محمد صلى الله عليه و آله و سلم را مشمول رحمت خود قرار بده، نه هیچ کس دیگری را. پیامبر صلى الله عليه و آله و سلم پس از نماز در انتقاد به او فرمود: رحمت نامت‌های الهی و موضع وسیع و نامحدود را محدود ساختی!^۲ از امامان معصوم عليهم السلام و سفیران الهی یاد بگیریم گستردگی و دید بالای در دعا کردن را: «اللهم اشف كل مريض، اللهم فرج عن كل مكروب و...»

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- بهترین گام‌ها و کارها، با ثبات‌ترین آنهاست. «واكتب لنا»

۱- [تفسیر اثنی عشری]

۲- [تفسیر مجمع البیان و نمونه]

۲- انبیا در فکر تأمین سعادت دنیا و آخرت مردمند.

«واكتب لنا في هذه الدنيا حسنة و في الآخرة»

۳- از بهترین دعاها، جامع‌ترین آنهاست. «فی هذه الدنيا حسنة و في الآخرة»

۴- بازگشت خالصانه به سوی خدا، راه دریافت الطاف الهی است. «هدنا»

۵- رحمت الهی نامحدود است، اگر کسی به آن نرسید، تقصیر از خود اوست.

«رحمتی وسعت کل شیء» نقصی در فاعلیت رحمت الهی نیست، بلکه نقص در قابلیت و استقبال ماست.

۶- دعای انبیا نیز در چهارچوب حکمت و قانون الهی مستجاب می‌شود.

«اكتب لنا... سأكتبها للذین...»

۷- آنچه سبب دریافت الطاف الهی است، ایمان به تمام آیات است، نه بعض آنها. «بآياتنا يؤمنون»

الهی این آفریده که بدین پایه مهربان است آفریننده‌وی در چه پایه است.



«توکل، بعد دعا»

«رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»

{یونس/ ۸۵، ۸۶}

پروردگارا: ما را گرفتار سختی‌ها و آزمایش ستمگران قرار مده. و ما را به رحمت خویش، از شر قوم کافر رهایی بخش.



تکته:

کسی که به خدا توکل کند، هم خدا او را دوست می‌دارد، «ان الله يحب المتوكلين»^۱ و هم او را تأمین می‌کند. «ومن يتوكل على الله فهو حسبه»^۲

کم از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- اول توکل، بعد دعا. «توکلنا، ربنا»

۲- با ایمان، توکل و دعا، خود را از شر ظالمان نجات دهیم. «توکلنا، ربنا، نجنا»

۳- ابتدا باید برای حفظ هویت مکتبی دعا کرد، «لا تجعلنا فتنه» و سپس برای سلامتی شخصی. «نجنا» چون اگر ستمگران پیروز شوند، خط ظلم و کفر حاکم شده، مؤمنان تحقیر و مبتلا می‌شوند.

الهی اگر چه درویشم ولی دارتر از من کیست که تو دارایی منی.

۱- (آل عمران/ ۱۵۹)

۲- (طلاق/ ۳)



«مقابله با ظلم و بی‌عدالتی»

«رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِيهِمْ وَ أَشَدِّدْ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ» {یونس/۸۸}

پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل‌هایشان را سخت،



تکته:

قطع شیرهای نفت، بستن راههای تجارتي و نظامی و آتش‌زدن انبار مهمات دشمن، از مصادیق «رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ» می‌باشد.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- کلمه‌ی «رَبَّنَا» در دعا نقش مهمی دارد.
- ۲- در دعاها، دعای سیاسی و نفرین بر دشمنان را فراموش نکنیم.
- «رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَأَشَدِّدْ...»
- ۳- آنجا که استدلال و معجزه کارساز نباشد، نوبت نفرین است.
- «رَبَّنَا اطْمِسْ...»
- ۴- سنگدلان تا اجبار و قهر الهی را نبینند، حق را باور نمی‌کنند.
- «فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ»

الهی گرگ و پلنگ را رام توان کرد با نفس سرکش چه باید کرد.



«آرزوی پاکان»

«رَبِّ ... فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي

مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» {یوسف/۱۰۱}

پروردگارا! (ای) پدیدآورنده‌ی آسمان‌ها و زمین، تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی، مرا تسلیم خود بمیران و مرا به شایستگان ملحق فرما.



تکته‌ها

اولیای خدا وقتی به عزت و قدرت خود نگاه می‌کنند، فوراً به یاد خداوند می‌افتند و می‌گویند: خدایا هر چه هست از توست. یوسف نیز اینچنین کرد، متوجه خدا شد. خداوند حکومت مصر را به دو نفر داد، یکی فرعون که آن را به خود نسبت داد و گفت: «أَلَيْسَ لِي مَلِكُ مِصْرَ» و دیگر به یوسف داد که آنرا به خدا نسبت داد و گفت: «آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ» تفکر ابراهیم، در ذریه و فرزندان او جلوه‌گری می‌کند؛ ابراهیم گفت: «أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» من تسلیم پروردگار عالمیان هستم، سپس نوه او یعقوب به فرزندانش سفارش می‌کند که با ایمان از دنیا بروید. «لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»^۱ در اینجا فرزند یعقوب نیز مرگ در حال تسلیم را از خدا می‌خواهد؛ «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا»

به هر حال ابراهیم علیه السلام از صالحین است؛ «انّه فی الآخرة لمن الصالحین»^۱ و یوسف علیه السلام می‌خواهد به او ملحق شود. «الحقنی بالصالحین»
یوسف که خداوند همواره او را حفظ کرد، به او علم داد، به او حکومت داد و خطر را از او دور کرد، باز نگران عاقبت خود است. وای به حال کسانی که قدرت، مال و علم خود را با حيله به دست آورده‌اند، آنان چه عاقبتی خواهند داشت!

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- در هر موقعیت و حالی، خود را به خداوند بسپارید. «انت ولیّ فی الدنيا والآخره»

۲- قدرت و حکومت و سیاست، زمینه خروج از دین است، مگر اینکه خداوند لطف کند. «توفّنی مسلماً» (یوسف در چاه دعایی داشت و در زندان دعای دیگر داشت، ولی همین که به حکومت رسید دعای او این بود: خدایا من مسلمان بمیرم.)

۳- بندگان خدا در اوج عزّت و قدرت به یاد مرگ و قیامت و سرانجام کار خود هستند. «توفّنی مسلماً و الحقنی بالصالحین» همان گونه که همسر فرعون در کاخ فرعون به فکر قیامت بود و می‌گفت: «ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّة»^۲ پروردگارا! در بهشت برای من جایی نزد خود قرار بده.

۱- (بقره/ ۱۳۰)

۲- (تحریم/ ۱۱)

۴- عظمت خداوند تنها به خاطر نعمت‌هایی که به ما ارزانی داشته نیست، بلکه او بوجود آورنده کل هستی است. «فاطر السموات والارض»

۵- افتخار یوسف آن نیست که حاکم بر مردم است، افتخارش آن است که خداوند حاکم بر اوست. «انت ولیّ فی الدنيا و الآخرة»

۶- حسن عاقبت و پایداری در کار خیر، مهمتر از شروع آن است. انبیا برای حسن عاقبت دعا می‌کردند؛ «توفّنی مسلماً» یعنی مرا در تسلیم خود تا مرگ پایدار بدار.^۱

۷- در دعا، اول از نعمت‌های الهی یاد کنید؛ «ربّ قد آتیتنی» بعد درخواست خود را مطرح کنید. «توفّنی مسلماً»

۸- چون به قدرت رسیدید، مناجات با خدا را از یاد نبرید. «ربّ قد آتیتنی...»

۹- حضرت یوسف علیه السلام در شور انگیزترین لحظات متوجه خدا شده و با او مناجات می‌کند. «ربّ قد آتیتنی...»

۱۰- در دعاها و مناجات‌ها تنها به فکر دنیا و مسائل مادی نباشید.

«فی الدنيا والآخره»

۱۱- به ایمان فعلی خود مغرور نشویم، حفظ ایمان تا آخر مهم است.

«توفّنی مسلماً»

۱۲- نهایت ایمان، تسلیم در برابر خداوند است. «توفّنی مسلماً»

۱- [تفسیر المیزان]

۱۳- عاقبت خیر، بهترین نعمتی است که خداوند به بندگانش عطا می‌کند.

«توفنی مسلماً»

۱۶- با ایمان مردن و در زمره صالحان قرار گرفتن، آرزوی پاکان است.

«توفنی مسلماً و الحقنی بال صالحین»

۱۷- انسان‌های وارسته حکومت را برای خدمت و صلاح می‌خواهند.

«الحقنی بال صالحین»

الهی بحق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت نورم ده.



«علم خداوند»

«رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَ

لَا فِي السَّمَاءِ» {ابراهیم/ ۳۸}

پروردگارا! همانا تو آنچه را پنهان و یا آشکار کنیم، می‌دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خداوند پوشیده نمی‌ماند.



نکته:

اکنون که همه چیز برای خداوند روشن است و علم او به همه چیز و همه کار ما احاطه دارد باید در محضر او گناه نکنیم و در مخلوقات او جز طبق رضا و دستورات او تصرف نکنیم و در دعا هم باید توجه داشته باشیم که خداوند به همه چیز از ظاهر و باطن ما آگاه است.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- در نزد خدا پنهان و آشکار معنا ندارد. «تعلم ما نخفی و ما نعلن»

۲- زمین و آسمان نزد علم خداوند یکسان است.

«ما يخفي... في الارض ولا في السماء»

۳- در دعاها توجه به علم الهی هم داشته باشیم و لذا روایت داریم که در پیشگاه خداوند که به همه چیز آگاه است، اقرار به گناهان و خطاهایت کن، چون همین اقرار خود موجب غفران و بخشش الهی می‌شود.

الهی چون تو حاضری چه جویم و چون تو ناظری چه گویم.



«محوریت نماز»

« رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ* رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ » {ابراهيم / ۴۰، ۴۱}

پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه‌ام نیز. پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر. پروردگارا مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را، روزی که حساب بر پا می‌شود ببخشای.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- تکرار «رب» در آغاز دعاها نشانه تأثیر آن دراستجابت دعا و یا یکی از آداب آن است. «ربّ اجعلنی»
- ۲- برای اقامه‌ی نماز خود و فرزندان، از خداوند استمداد کنید. «ربّ اجعلنی»
- ۳- نماز، محور دعاهاى حضرت ابراهيم عليه السلام است. «ربنا ليقموا الصلاة»، «ربّ اجعلنی مقیم الصلاة»
- ۴- با آنکه رسالت انبیا اقامه‌ی دین است اما دعا برای اقامه‌ی نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام‌نمای دین است. «مقیم الصلاة»
- ۵- اقامه‌ی نماز، عدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهيم عليه السلام در دو مورد عبارت «و من ذرّیتی» را بکار برد: یکی درباره‌ی نماز نسل خود «مقیم الصلاة» و من ذرّیتی» و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهيم

فرمود: «انى جاعلك للناس اماما قال و من ذرّیتی»^۱ من تو را امام مردم قرار دادم ابراهيم عليه السلام گفت: پروردگارا ذریه مرا نیز به این مقام برسان.

۶- در دعا هم به خود توجه کنید، «واجبني - واجعلني - واغفر لي» و هم به دیگران. «وبني - ومن ذرّیتی - و لوالدی و للمؤمنین»

۷- انسان، هم باید به فکر نسل قبل باشد، «ولوالدی و للمؤمنین» و هم به فکر نسل بعد. «و من ذرّیتی»

۸- در دعا، به فکر قیامت خود، فرزندان و جامعه باشید. «يوم يقوم الحساب»

الهی ناتوانم و در راهم و کرده‌های سخت در پیش است و رزق‌های بسیار در کمین و بارگراں بردوش یا

هادی اهدانا الصراط المستقیم صراط الذین نعمة علیهم غیر المنضوب علیهم ولا الضالین.



«مهلت خواستن»

«رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبُ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ» {ابراهیم/۴۴}

پروردگارا! ما را تا مدت کوتاهی مهلت ده، تا دعوت تو را اجابت نماییم و از پیامبران پیروی کنیم.



نکته‌ها

با توجه به آیهی قبل، ابتدا به نظر می‌رسد که این آیه نیز درباره‌ی قیامت است، ولی جمله‌ی «أَخْرِنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبُ دَعْوَتَكَ...» بیشتر، این معنا را به ذهن می‌آورد که آیه درباره‌ی عذاب الهی در دنیا است، زیرا تأخیر عذاب و اجابت دعوت خداوند و پیروی از پیامبران، مربوط به دنیا است نه قیامت. در قیامت نیز تقاضای بازگشت به دنیا وجود دارد که آیات آن، مکرر در قرآن آمده از جمله:

الف: «فَهَلِ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»^۱ آیا برای خارج شدن از هلاکت راهی هست؟
 ب: «فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا»^۲ ما را به دنیا برگردان تا عمل صالحی انجام دهیم.
 ج: «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا»^۳ پروردگارا! ما را از دوزخ خارج کن تا کار خوب انجام دهیم.

۱- (غافر/۱۱)

۲- (سجده/۱۲)

۳- (فاطر/۳۷)

که از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- مجرمان روزی پشیمان می‌شوند، اما فرصت‌های از دست رفته باز نمی‌گردد. «أَخْرِنَا...»

۲- راه نجات در تبعیت از رهبران آسمانی است.

الهی دل بسوی کعبه داشتن چه سودی دهد آنگه راول بسوی خداوند کعبه ندارد.



«والدین»

«رَبِّ اَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» {اسراء/ ۲۴}

پروردگارا! بر آن دو (پدر و مادر) رحمت آور، همان گونه که مرا در کودکی تربیت کردند.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که: (با توجه به تمام آیه)

- ۱- فرزند در هر موقعیتی که هست، باید متواضع باشد و کمالات خود را به رُح والدین نکشد. «واخفِض لهما جناح الذَّلَّ»
- ۲- تواضع در برابر والدین، باید از روی مهر و محبت باشد، نه ظاهری و ساختگی، یا برای گرفتن اموال آنان. «واخفِض لهما... من الرَّحْمَةِ»
- ۳- فرزند باید نسبت به پدر مادر، هم متواضع باشد، هم برایشان از خداوند رحمت بخواهد. «واخفِض... و قل ربّ ارحمهما»
- ۴- دعای فرزند در حقّ پدر و مادر مستجاب است، وگرنه خداوند دستور به دعا نمی‌داد. «وقل ربّ ارحمهما...»
- ۵- دعا به پدر و مادر، فرمان خدا و نشانه‌ی شکرگزاری از آنان است. «قل ربّ ارحمهما...»
- ۶- در دعا از کلمه «ربّ» غفلت نکنیم. «قل ربّ ارحمهما»

۷- رحمت الهی، جبران زحمات تربیتی والدین است. «ربّ ارحمهما کما ربَّیانی» (گویا خداوند به فرزند می‌گوید: تو رحمت خود را دریغ مدار، و از خدا نیز استمداد کن که ادای حقّ آنان از عهده‌ی تو خارج است).

۸- گذشته‌ی خود، تلخی‌ها و مشکلات دوران کودکی و خردسالی را که بر والدین تحمیل شده است از یاد نبرید. «کما ربَّیانی صغیراً»

۹- پدر و مادر باید بر اساس محبّت فرزندان را تربیت کنند. «ارحمهما کما ربَّیانی»

۱۰- انسان باید از مرّیان خود تشکر و قدردانی کند. «ارحمهما کما ربَّیانی»

الهی از خواندن نماز شرم دارم و از نخواندن آن شرم بیشتر.



«امداد و نصرت الهی»

«رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

سُلْطَانًا نَصِيرًا» {إسراء/ ۸۰}

و بگو: پروردگارا! مرا با ورودی نیکو و صادقانه وارد (کارها) کن و با خروجی نیکو بیرون آر و برای من از پیش خودت سلطه و برهانی نیرومند قرار ده.



نکته‌ها :

صدق، بهترین وصف و حالت یک کار و یک شخص در آغاز و انجام آن است. چه بسا کارهایی که آغاز غیر صادقانه دارد و با قصد ریا، سمعه، فریب، برتری‌جویی و مانند آن شروع می‌شود، یا آغازی صادقانه دارد، ولی پایانی آمیخته به غرور، عُجب، مَنّت، حبط و سوءعاقب پیدا می‌کند و برکات آن محو می‌شود. رمز شکست بسیاری از حرکت‌ها، نبود صداقت در آنها و قطع امداد الهی از آن است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرگاه برای ورود به کاری، ترس و وحشت داشتی این آیه را بخوان و اقدام کن.^۱

انسان به جایی می‌رسد که از «صدیقین» می‌شود، هرچه می‌گوید عمل می‌کند و هرچه را عمل می‌کند، می‌گوید.^۲ قلب و زبان و عملش یکی می‌شود.

از مصادیق «سلطان نصیر»، داشتن جانشینی لایق، یاری باوفا و وزیری دلسوز و کاردان است.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- خواسته‌های خود را در برابر خداوند به زبان بیاوریم. «وقل رب»

۲- دعایی که همراه با نماز و بعد از آن باشد، اثر بیشتری دارد.

«اقم الصلوة... فتهجد... و قل رب...» (با توجه به آیات قبل)

۳- دعا کردن را هم باید از خدا آموخت که چگونه بخوانیم و چه بخواهیم.

«و قل رب أدخلنی...»

۴- یکی از اصول مدیریت، آینده‌نگری و دوراندیشی است.

«أخرجني مُخرج صدق»

۵- مهم‌تر از آغاز نیک، پایان و فرجام خوب است. نباید به آغاز شیرین دلخوش بود، بلکه باید از خطر بدعاقبتی به خدا پناه برد. «أخرجني مُخرج صدق»

۶- رهبری یک نهضت جهانی که شروع و پایانش صادقانه و بی‌انحراف باشد، بدون دعا و استمداد از خدا و دریافت امداد الهی ممکن نیست. «رب أخرجني»

۷- همه‌ی امور به دست خداست و باید از او مدد خواست

«أدخلني، أخرجني، اجعل»

۸- کسب قدرت برای اهداف مقدّس ارزش دارد. «واجعل لي من لدنك سلطاناً»

۹- مؤمن، نصرت و امداد را تنها از خدا می‌طلبد. «من لدنك سلطاناً نصيراً»

الهی ما بهم چاره ایم و تنها تو چاره ای و ما بهم هیچ‌کاره ایم و تنها تو کاره ای.

۱- [تفسیر نورالقلین]

۲- [تفسیر المیزان]



«گشایش در کارها»

«... رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» {کهف/ ۱۰}

پروردگارا! از سوی خود رحمتی به ما عطا کن و برای ما رشدی در کارمان فراهم ساز.



تکته

«رشد» به معنای رُشد، نجات و رضای الهی آمده است.^۱ در داستان اصحاب کهف، داستان موسی و خضر (آیه ۶۶) و پیامبر اسلام (آیه ۲۳).

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- برای حفظ دین، جوانمردی، گذشت از رفاه و آسایش و هجرت لازم است. «أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ» (با توجه به آیه اول)

۲- دعا همراه با تلاش و حرکت مؤثر است. «أَوَى... رَبَّنَا»

۳- هجرت از محیط فاسد برای حفظ ایمان و ارزشها، کاری جوانمردانه است. «أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ»

۴- هجرت و قیام برای خدا، زمینه‌ی دریافت امدادهای الهی است.

«أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَضْرَبْنَا»

آن‌که بطبعش رابر عرش حاکم گردانیده است، در محکمه تهر بخروید محکوم است.

۱- [تفسیر مجمع‌البیان]



«چهار خواسته‌ی مهم»

«... رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي *

يَفْقَهُوا قَوْلِي» {طه/ ۲۵-۲۸}

پروردگارا! سینه‌ام را برایم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله‌ام بیفزای). * و کارم را برایم آسان فرما. * و گره از زبانم باز نما. * تا (آنها) سخنان مرا (خوب) بفهمند.



تکته‌ها

همین که حضرت موسی عليه السلام به رسالت الهی مأمور گردید، چهار خواسته را از خداوند طلب نمود:

۱- سعه‌ی صدر. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»

۲- شرایط آماده. «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي»

۳- بیان روان. «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي»

۴- داشتن وزیر. «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا»

چون حضرت موسی عليه السلام به مسائل متعدّد عبادی، سیاسی، انقلابی، اجتماعی، اخلاقی، فردی و جمعی مأمور شده بود و طبعاً پرداختن و توجه لازم به هر کدام، انسان را از سایر امور غافل می‌سازد، لذا سعه‌صدر در رسیدن به همه‌ی این موارد کاملاً ضرورت دارد.^۱

۱- [تفسیر کبیر فخررازی]

سعه‌ی صدر، هم برای خود انسان لازم است، هم برای انجام مسئولیت و کلمه «لی» رمز آن است که دریافت وحی، نیاز به ظرفیت بزرگ دارد. چنانکه در سوره انشراح در مورد پیامبر صلی الله علیه وآله آمده است: «ألم نَشْرَحْ لَكَ صدرک... إنَّ مع العسرُ يسراً»

«ویژگی‌های قلب مؤمن و کافر»

تَلْبِ صِرْطِنَہ

- ۱- حیات. «أو مَنْ کان میتاً فاحییناه»^۱
- ۲- شفا. «و یشف صدور قوم مؤمنین»^۲
- ۳- طهارت. «امتنحن الله قلوبهم»^۳
- ۴- سعه صدر. «ربّ اشرح لی صدري»^۴
- ۵- هدایت. «مَنْ یؤمن بالله یهدقلبه»^۵
- ۶- ایمان. «کتب فی قلوبهم الایمان»^۶
- ۷- سکینه. «السکینه فی قلوب المؤمنین»^۷
- ۸- الفت. «و أَلْف بین قلوبهم»^۸
- ۹- اطمینان قلبی. «الا بذکر الله تطمئنّ القلوب»^۹

۱- (انعام / ۱۲۲)

۲- (توبه / ۱۴)

۳- (حجرات / ۳)

۴- (طه / ۲۵)

۵- (تغابن / ۱۱)

۶- (مجادله / ۲۲)

۷- (فتح / ۴)

۸- (انفال / ۶۳)

۹- (رعد / ۲۸)

تَلْبِ کَلْبِہ

- ۱- مرض. «فی قلوبهم مَرَضٌ»^۱
 - ۲- قساوت. «جعلنا قلوبهم قاسیة»^۲
 - ۳- عدم پذیرش. «أزاع الله قلوبهم»^۳
 - ۴- مُهر خوردن. «طبع الله علی قلوبهم»^۴
 - ۵- احاطه ظلمت. «ران علی قلوبهم»^۵
 - ۶- حجاب. «جعلنا علی قلوبهم أکنة»^۶
 - ۷- قفل شدن. «أم علی قلوب اقفالها»^۷
 - ۸- سختی. «ختم الله علی قلوبهم»^۸
 - ۹- برگشت و نفهمی. «صرف الله قلوبهم»^۹
- از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- سعه‌ی صدر اولین شرط موفقیت در هر کاری است. «ربّ اشرح لی صدري»
- ۲- به جای ترس و فرار از مسئولیت، امکانات و مقدمات و ابزار آن را از خداوند بخواهیم. «ربّ اشرح لی صدري»

۱- (بقره / ۱۰)

۲- (مائده / ۱۳)

۳- (صف / ۵)

۴- (نحل / ۱۰۸)

۵- (مطففین / ۱۴)

۶- (کهف / ۵۷)

۷- (محمد / ۲۴)

۸- (بقره / ۷)

۹- (توبه / ۱۲۷)

- ۳- دعا قبل از هر کاری، رمز توکل و مایه‌ی دفع خطرات و آفات راه است، هر چند دعا خود نیز عبادت و اعلام نیاز به شمار می‌رود. «ربّ اشرح لی صدری»
- ۴- ارشاد و تربیت مردم و مبارزه با طاغوت‌ها، بستگی تام به صبر و حوصله‌ی مربی و مجاهد دارد. «ربّ اشرح لی صدری»
- ۵- رسالت، با تندی و خشونت سازگار نیست. کار بزرگ، روح بزرگ می‌خواهد. «ربّ اشرح لی صدری»
- ۶- دعای انبیا در قرآن، با اسم «ربّ» است. «ربّ»
- ۷- دریافت الطاف الهی، روح و سینه‌ی گشاده لازم دارد. «ربّ اشرح لی صدری»
- ۸- با سعه‌ی صدر کارها آسان می‌شود. «ربّ اشرح لی صدری و یسّر لی امری»
- ۹- ساده‌گویی و بیان روان، کمال است. «واحلّل عقدهً من لسانی»
- ۱۰- در هدایت و بسیج کردن مردم و روحیه دادن به نیروها و ارباب و تضعیف روحیه‌ی طاغوت، زبان گویا بسیار مهم است. «واحلّل عقدهً من لسانی»
- ۱۱- اصل، فهمیدن مردم است، نه اصطلاحات زیبا. «یَفْقَهُوا قَوْلِي» شرط موفقیت در تبلیغ آن است که مردم حرف مبلغ را خوب بفهمند.
- ۱۳- در تبلیغ باید از هر وسیله‌ای که شناخت مردم را عمیق‌تر می‌کند استفاده کرد. «یَفْقَهُوا قَوْلِي»

الهی بسوی تو آدم، بحق خودت مرا بمن برگردان.



«علم و دانش و ظرفیت آن»

{... رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا} {طه/۱۱۴}

پروردگارا! علم مرا زیاد کن.



نکته‌ها

- اولین معلّم، خداوند علامّ و علیم است، «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ»، «الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»^۱ پس علم را از او بخواهیم. «ربّ زدنی علماً»
- در حدیث آمده است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: اگر روزی بر من بگذرد و در آن بر علم من افزوده نشود، آن روز برای من مبارک نیست.^۲
- از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:
- ۱- علم را از عالم حقیقی طلب کنیم. «ربّ زدنی علماً»
- ۲- برای علم و دانش نهایی نیست و فارغ التحصیل معنا ندارد. «زدنی علماً»
- ۳- علم حقیقی، قرآن مجید است. «لا تعجل بالقرآن- و قل ربّ زدنی علماً»
- ۴- اگر کسی را از چیزی نهی می‌کنیم، در مقابل، راه صحیح و حق را هم به او نشان دهیم. «لا تعجل- قل ربّ زدنی علماً»
- ۵- افزون طلبی در کمالات ارزش است. «ربّ زدنی علماً»

۱- (بقره/۳۱)

۲- (الرحمن/۱-۳)

۳- [تفسیر نورالقلین]

۶- علم، وسیله‌ی رشد انسان‌هاست. «ربّ زدنی علما»

۷- علمی دارای ارزش و اعتبار است که همراه با فراگیری آن، ظرفیت انسان نیز زیاد شود و رشد کند. «زدنی علما»، نه، «زد علمی»

۸- اگر چه خداوند می‌تواند بدون دعا هم لطف کند، ولی از پیامبرش می‌خواهد که دعا نماید. «قل ربّ زدنی علما»

۹- در دعا از کلمه ربّ و ربوبیت خدا استمداد کنیم. «ربّ زدنی علما»

۱۰- جز خداوند، علم همه حتی علم پیامبر محدود است. «ربّ زدنی علما»

الهی! آن که از صحیفه نفس خود آگاهی ندارد، از کدام کتاب و رساله طرفی می‌بندد؟! ^۱



«فرزنددار شدن»

«رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» {انبیاء/۸۹}

پروردگارا! مرا تنها مگذار و (فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البته که) تو خود، بهترین وارثان هستی.



نکته‌ها

انبیا با پیش آمدن هر مشکلی، به درگاه خداوند شتافته و گشایش آن را از پروردگار خویش خواستار می‌شدند. در آیات قبل به نمونه‌هایی از این درخواست‌ها برخورد داشتیم. (دعاهای حضرت نوح، ایوب، یونس را در آیات گذشته خواندیم).

رسول خدا ﷺ هنگام جنگ خندق به درگاه خداوند چنین عرضه داشت: خدایا! تو عیبده بن الحارث را روز بدر از من گرفتی و حمزه را روز احد، و این علی است. آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»^۱

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- هرگز از رحمت الهی مأیوس نشویم. (خداوند حتی به انسانی که نسل همچون زکریا علیه السلام از همسری نازا فرزند عنایت می‌کند).

۲- ذکر کلمه‌ی «رب» و تکرار آن در دعا، درخواست‌ها را با اجابت مقرون می‌سازد. «نادی ربّه ربّ لا تذرني»

۳- در هنگام دعا، خداوند را با آن صفتی که با خواسته ما تناسب بیشتری دارد یاد کنیم. «لا تذرني فرداً و انت خيرالوارثين»

۴- ایمان به «خيرالوارثين» بودن خداوند، با آرزوهای طبیعی مثل علاقه به فرزند و طلب آن از پروردگار، منافاتی ندارد. «لا تذرني فرداً و انت خيرالوارثين»

۵- دعای انبیا مستجاب است. «فاستجبنا»

۶- فرزند، عطیه الهی است. «و وهبنا له يحيى»

۷- انسان می‌تواند از طریق دعا نازائی را اصلاح کند. «فاستجبنا له و وهبنا له»

۱۶- سرعت در کار خیر و دعا همراه با بیم و امید، در استجاب دعا مؤثر است. «فاستجبنا له ... كانوا يسارعون في الخيرات و يدعوننا ...»

الهی آنکه عالم است عامل است این خفته صمغک است ز دانشور.



«منزلگاه مبارک»

«رَبِّ أَنْزَلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» {مؤمنون/۲۹}

پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرودآور که تو بهترین فرود آورندگانی.



نکته‌ها

در حدیث می‌خوانیم: رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: هرگاه وارد منزلی شدی این آیه (۲۹ سوره مؤمنون) را تلاوت کن تا خداوند از خیر آن جا کامیاب کند و شرش را از تو دور سازد.^۱

یاد خدا در هر حال؛

در دعوت به توحید. «اعبدواالله»^۲

در ساختن کشتی با الهام خداوند. «اصنع الفلک باعیننا و وحینا»^۳

در سوار شدن، با حمد الهی. «فاذا استویت... فقل الحمد لله»^۴

در حرکت با نام خدا. «بسم الله مجراها و مرساها»^۵

در توقّف، با دعا به درگاه او. «رَبِّ أَنْزَلْنِي»^۶

۱- [تفسیر کنز الدقائق]

۲- (مؤمنون/۲۳)

۳- (مؤمنون/۲۷)

۴- (مؤمنون/۲۸)

۵- (هود/۴۱)

۶- (مؤمنون/۲۹)

👈 از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- ابتدا خداوند را بر نعمت‌های گذشته شکر کنیم، سپس از او نعمت جدیدی بخواهیم. «الحمد لله الذي - ربّ أنزلني»

۲- در دعا و مناجات، خداوند را با آن نامی بخوانیم که با نیازمان تناسب داشته باشد. «أنزلني - خير المنزّلين»

الهی آنکه سرمایه‌دار و آزان بهره‌نمی‌برداز که گرفتار تو پچاره‌تر است.



«تنها پناهگاه مطمئن»

((... رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ* وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونِ))

{ مؤمنون / ۹۷، ۹۸ }

پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم. * و پناه می‌برم به تو ای پروردگارا! از این که آنان نزد من حاضر شوند.



👈 از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- پناه دادن از شئون ربوبیت است. «ربّ أَعُوذُ بِكَ»
- ۲- پیامبران نیز باید به خدا پناه ببرند. «قل ربّ أَعُوذُ بِكَ»
- ۳- پناه بردن به خداوند باید مکرر و جدی باشد. (تکرار «اعوذ»)
- ۴- تنها پناهگاه مطمئن خداست. «بک»
- ۵- یکی از راه‌های نفوذ شیطان، اشاره‌ها و وسوسه‌های او نسبت به برخوردارهای بد ما با دیگران است. «همزات»
- ۶- شیاطین، متعدّد و وسوسه‌های آنان نیز گوناگون است. «همزات الشیاطین»
- ۷- شیطان‌ها در انبیا نیز طمع دارند. «همزات الشیاطین»
- ۸- بالاتر از وسوسه، حضور شیطان‌هاست. «أَنْ يَحْضُرُونِ»
- ۹- حضور افراد فاسد و مفسد در جامعه، مقدمه فساد دیگران است. «يَحْضُرُونِ»

یا لاله‌الانست جز آه در بساطندارم از من آهی و از تو نجاتی.



«ایمان، مغفرت و رحمت»

«... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» {مؤمنون/۱۰۹}

پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگانی.



👉 از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- خداوند، زخم زبان منحرفین به مؤمنین را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. «آنه‌کان...»
- ۲- دعا به درگاه خداوند در دنیا مفید است، «ربّنا...» ولی دعا و التماس در قیامت مفید نیست. «ربّنا اخرجنا... قال اخسثوا»
- ۳- بندگان خداوند همواره از کاستی‌های خود بی‌مناک بوده و استغفار می‌کنند. «کان... یقولون ربّنا...»
- ۴- ایمان مقدمه‌ی مغفرت و مغفرت، مقدمه‌ی دریافت رحمت الهی است. «آمناً فاغفر لنا وارحمنا»
- ۵- سرچشمه‌ی مهربانی‌ها خداست. «و انت خیرالراحمین»
- ۶- از آداب دعا، تجلیل از خداوند است. «و انت خیرالراحمین»

الهی از من آبی و از تو نجاتی.



«سرچشمه رحمت»

«... رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» {مؤمنون/۱۱۸}

پروردگارا! بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگانی.



نکته‌ها

- با توجه به جمله‌ی «لا یفلح» در آیه اول گروهی از زبانکاران را نیز یادآور می‌شویم:
- الف) ستمگران. «لا یفلح الظالمون»^۱ ب) گنهکاران. «لا یفلح المجرمون»^۲
- ج) جادوگران. «لا یفلح الساحرون»^۳ د) کافران. «لا یفلح الکافرون»^۴
- آنها که به خداوند دروغ می‌بندند. «انّ الذّین یفترون علی اللّهِ الکذب لا یفلحون»^۵
- 👉 از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:
- ۱- پیامبر معصوم نیز به رحمت و مغفرت خداوند نیاز دارد.
- «قل ربّ اغفر وارحم»
- ۲- در دعا، ستایش از خدا را فراموش نکنیم.
- «ربّ اغفر وارحم و انت خیرالراحمین»
- الهی در شلغمم از کسی که غصه‌خودش را بنمورد و غصه‌رویش را بنمورد.

۱- (انعام/۱۳۵)

۲- (یونس/ ۱۷)

۳- (یونس/ ۷۷)

۴- (مؤمنون/ ۱۱۷)

۵- (یونس/ ۶۹)



«آتش دوزخ»

«... رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا* إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ

مُقَامًا» {فرقان/ ۶۵، ۶۶}

پروردگارا! عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذاب آن دامنگیر است. * به درستی که دوزخ، جایگاه و منزلگاه بدی است.



نکته‌ها

کلمه‌ی «غَرَام» در اصل به معنای مصیبتی است که انسان در برابر آن راه فرار ندارد و نوعی التزام و تعهد بر دوش او قرار می‌دهد که در زبان فارسی به آن تاوان می‌گویند.^۱

فکر نجات از آتش هم باید از طریق عبادت باشد و هم از طریق دیگر اعمال نیک. حضرت علی علیه السلام آن گاه که اموالی را در راه خدا وقف می‌کردند، در وقفنامه‌ی خود می‌نوشتند: این اموال را وقف کردم، تا بدین وسیله از آتش دوزخ درامان باشم و آتش دوزخ نیز از من دور باشد.^۲

دعا و درخواست فوق از طرف کسانی است که خداوند به سیزده مورد و صفتی از صفات ویژه‌ی بندگان خاص خود «عباد الرحمن» را در آیات ۶۳ تا ۶۷ سوره‌ی فرقان توصیف می‌فرماید که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- [التحقیق فی کلمات القرآن]

۲- [صافی/ ج ۲/ ص ۱۰۴]

۱- تواضع ۲- حلم و بردباری ۳- شب زنده‌داری ۴- خوف و ترس از مجازات و کیفر الهی ۵- اعتدال و دوری از افراط و تفریط ۶- توحید خالص ۷- پاکی از آلودگی به خون بی‌گناهان ۸- عقیق ۹- حفظ و احترام حقوق دیگران ۱۰- پرهیز از لغو و بیهودگی ۱۱- چشم بینا و گوش شنوای حق ۱۲- تربیت صحیح فرزند و خانواده ۱۳- الگو قرار گرفتن برای متقین پس آنان که از آتش دوزخ به خداوند پناه می‌برند و از او نجات و خلاصی از آن را خواستار هستند، باید توجه به صفات فوق داشته و سرمشق عملی زندگی خود قرار دهند.^۱

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- اگر شب زنده‌دار هم هستید، مغرور نشوید. «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ...»

۲- یاد معاد از ویژگی‌های بندگان خاص خداست.

«رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ»

۳- بندگان خاص خداوند، بیش از آنکه طمع بهشت داشته باشند، از آتش دوزخ

خوف دارند. «بِئْتُونَ... يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ»

الهی اگر نخواهم شرمسارم و اگر نخواهم گرفتار.

۱- [تفسیر نمونه]



«دید وسیع و همت بلند»

«... رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»

{فرقان/۷۴}

پروردگارا! به ما از ناحیه‌ی همسران و فرزندانمان مایه‌ی روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- انسان در برابر همسر و فرزند و نسل خود متعهد است و باید برای عاقبت نیکوی آنها تلاش و دعا کند. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا...»
- ۲- در تربیت علاوه بر علم و تلاش باید از خدا نیز کمک خواست. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا...»
- ۳- فرزند صالح، نور چشم است. «قُرَّةَ أَعْيُنٍ»
- ۴- تشکیل خانواده و داشتن همسر و فرزند و دعا برای بدست آوردن آنها، مورد توجه اسلام است. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا...»
- ۵- در دست گرفتن مدیریت جامعه، آرزوی عبادالرحمن است، زیرا عهده‌دار شدن امامت و رهبری متقین، ارزش است. «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»
- ۶- در دعا به حداقل اکتفا نکنید، بلند همت باشید. «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (خدایا ما را در رسیدن به کمال، رهبر متقین قرار ده، نه آنکه تنها از متقین باشیم)

۷- بندگان خدا، وحدت هدف و وحدت کلمه دارند. «اماماً» و نفرمود: «أئمةً». (ممکن است کلمه «امام» به جای «ائمه»، رمز آن باشد که در جامعه اسلامی رهبر باید یک نفر باشد)

الهی تو خود بزرگی و بر همه دست داری. ما بزرگ آفریدی و بر همه دست دادی،

باری از بزرگ آنچنان بزرگ که بچنین پدید آید.



«همراهی با صالحان»

«رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقِيقِي بِالصَّالِحِينَ ... وَ لَا تَخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ»

{شعراء/ ۸۳...۸۷}

پروردگارا! به من حکمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن! ... و روزی که همه مبعوث می‌شوند مرا خوار مگردان.



نکته‌ها

تذکر: نکته‌ها و درسها مربوط به آیات ۸۳ تا ۸۵ و ۸۶ تا ۸۹ سوره‌ی شعراء می‌باشد. کلمه‌ی «حُکْم» می‌تواند به معنای حکومت و سرپرستی و تدبیر امور باشد و یا به معنای دانش و معرفت. البته «حُکْم» معنایی برتر از حکمت دارد، زیرا حکمت تنها قدرت تشخیص حق از باطل است و حُکْم آگاهی همراه با آمادگی برای اجرای حق است.^۱

سعادت انسان در چند جمله خلاصه می‌شود که در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است:

الف: شناخت خداوند و معرفت درونی نسبت به او. «هَبْ لِي حُكْمًا»

ب: حضور در جامعه‌ی صالح. «الْحَقِيقِي بِالصَّالِحِينَ»

ج: نام نیک در تاریخ. «لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

-۱ [تفسیر نمونه]

د: رسیدن به بهشت ابدی. «وَرِثَةُ جَنَّةِ النَّعِيمِ»

در آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی صافات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می‌فرماید: «وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ» یعنی قربانی در مراسم حج را یک سنت واجب قرار دادیم و به خاطر تسلیم بودن ابراهیم، نام نیک برای او به جای گذاشتیم و این گونه دعایش را که می‌گفت: «وَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»، مستجاب کردیم.

در آیه‌ی ۵۰ سوره‌ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار

دادیم. حضرت علی علیه السلام فرمود: نام نیک، از دارایی و سرمایه بهتر است.^۱

در روایات از لسان صدق و یادگار نیک، به وجود مبارک حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم و علی علیه السلام تعبیر شده است.^۲ بعضی سخن پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم را که فرمود: «أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ» یعنی من اثر دعای پدرم ابراهیم هستم. دلیل این نکته دانسته‌اند. بنابراین مراد از لسان صدق در آیندگان، انبیا‌یی از نسل او هستند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشته‌اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم علیه السلام، تناسب بیشتری دارد.

در روایات می‌خوانیم: هر گاه انسان از دنیا رفت، پرونده‌ی اعمالش بسته می‌شود مگر کسی که صدقه‌ی جاریه‌ای به جای گذاشته باشد. مانند: وقف یا

-۱ [تفسیر نورالثقلین]

-۲ [تفسیر کنزالدقائق]

کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.^۱

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نمازش این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ لَا تَخْزِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»
پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن.^۲

سؤال: در روایات می‌خوانیم: انفاق مال و صدقه‌ی جاریه و اولاد صالحی که برای والدین دعا کنند، برای قیامت انسان مفید هستند، پس رابطه‌ی آیه‌ی «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» با این روایات چیست؟

پاسخ: مراد این آیه، مال و فرزند است که در خط الهی قرار نگیرند.

بنابراین دنیا مانند کلیدی است که با حرکتی درب را قفل و با حرکت دیگری درب را باز می‌کند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب و در دست ناهلان سبب گناه می‌شود.

مال را کز بهر دین باشی حَمُولِ نعم مالٌ صالحٌ گفت آن رسول
چیست دنیا از خدا غافل شدن نی قُمَاش و نقره و فرزند و زن
آب در کشتی هلاک کشتی است آب در بیرون کشتی، پستی است^۳

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- انسان برای رسیدن به کمالات باید از خداوند استمداد کند. «رَبِّ هَبْ لِي...»

۲- استمداد از نام «رَبِّ»، در استجاب دعا مؤثر است. «رَبِّ»

۳- حکمت و بینش همراه با عمل، هدیه‌ی الهی است. «هَبْ لِي حُكْمًا»

۴- قبل از درخواست جدید از خداوند، از نعمت‌های قبلی نامی ببرید و از او تشکر کنید. «خَلَقَنِي - يَهْدِينِ - يَسْقِينِ - وَ... رَبِّ هَبْ لِي»

۵- اگر حکمت باشد، ولی دوستان انسان ناهل باشند، حکمت کارایی ندارد.
«هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْنِي»

۶- اگر دید و بینش و تفکر صحیح بود، رفتار و گفتار و نیت هم صحیح می‌شود. (حکمت به معنای دید و فهم و نظر صحیح است). «حُكْمًا»

۷- حکمت نظری، به تنهایی مفید و نجات‌بخش نیست. حکمت باید با عمل همراه باشد. «هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

۸- برخوردار از حکمت و معرفت در درون و زندگی در جامعه‌ی صالحان و صالح بودن، بالاترین درجه‌ی سعادت است. «حُكْمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

۹- حکمت و شناخت و بینش، بر عمل مقدم است. «هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْنِي»

۱۰- بهترین دعا را از بهترین افراد بیاموزیم. (بهترین افراد، انبیا هستند و یکی از بزرگ‌ترین انبیا حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام است که در دعا از خداوند مغفرت، حکمت، نام نیک و حسن عاقبت می‌خواهد و در آیات دیگر از خداوند، فرزندان خوب و پیروان مسلمان درخواست می‌کند).

۱۱- حکومت‌خواهی برای انجام احکام الهی، مطلوب است. «هَبْ لِي حُكْمًا»^۱

۱۲- هم انزوا ممنوع است و هم جذب ناهلان شدن. «الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

۱- [وسائل / ج ۶ / ص ۲۹]

۲- [تفسیر فرقان]

۳- [بیان السعاده]

۱- [تفسیر صافی]

- ۱۳- پیش کسوتان صالح را ارج نهیم. «أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (نفرمود: از صالحین باشم، بلکه فرمود: به آنان ملحق شوم. زیرا مقام سابقین برتر است).
- ۱۴- جامعه‌ای ارزش دارد که افرادش صالح باشند. «أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»
- ۱۵- انسان به رفیق خوب محتاج است. «وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»
- ۱۶- بقای نام در دعاها و یادگار نیک را از خداوند بخواهیم. «وَأَجْعَلْ لِي»
- ۱۷- ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد، نه از روی تملق. «لسان صدق»
- ۱۸- انسان، بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنت‌های حسنه‌ای که بنا نهاده بهره‌مند می‌شود. «لسان صدق فی الآخِرین»
- ۱۹- محبت و دعا درباره‌ی بستگان، همراه با نهی از منکر و انتقاد از اشتباهات آنان باشد. «قال لایبیه و قومہ ما تعبدون ... واغفر لابی»
- ۲۰- بیم و امید باید در کنار هم باشند.
- «أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي - لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ»
- ۲۱- انسان در هر مرحله‌ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. «لَا تُخْزِنِي...»
- ۲۲- در قیامت، دیگران نیز از عیوب ما آگاه می‌شوند. «لَا تُخْزِنِي» زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیات رفتار و افکار ما آگاه شوند.
- ۲۳- خواری و رسوایی، از سخت‌ترین حالات در قیامت است. «لَا تُخْزِنِي»
- حضرت ابراهیم علیه السلام از میان همه‌ی مشکلات روز قیامت، رسوا نشدن را مطرح می‌کند.

- ۲۴- در قیامت، تحقیر و خواری و خزیان، بدتر از عذاب دوزخ است. «لَا تُخْزِنِي» در جای دیگر می‌خوانیم: «أَنْتَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ»^۱
- ۲۵- آنچه در دنیا ارزش است، در آخرت بی‌ارزش می‌شود. «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» «مال» جلوه‌ی مسائل مادی و «بنون» (فرزندان) جلوه‌ی مسائل عاطفی است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و... نجاتبخش نیست.

الهی بشیار را با بستر و بالین چه کار و مست را با دین و آیین چه کار.



«نام نیک و وراثت بهشت»

(رب) «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ * وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ

النَّعِيمِ» {شُعراء/ ۸۴، ۸۵}

پروردگارا! و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده. و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده.



نکته‌ها

در آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی صافات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می‌فرماید: نام نیک برای او به جای گذاشتیم و این گونه دعایش را که می‌گفت: «واجعل لی لسان صدق فی الآخِرین»، مستجاب کردیم.

در آیه‌ی ۵۰ سوره‌ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب علیهم‌السلام می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار دادیم.

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: نام نیک، از دارایی و سرمایه بهتر است.^۱

در روایات از لسان صدق و یادگار نیک، به وجود مبارک حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام تعبیر شده است.^۲ بعضی سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را که فرمود: «أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ» یعنی من اثر دعای پدرم ابراهیم هستم. دلیل

۱- [تفسیر نورالقلین]

۲- [تفسیر کنزالدقائق]

این نکته دانسته‌اند. بنابراین مراد از لسان صدق در آیندگان، انبیایی از نسل او هستند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشته‌اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم علیه‌السلام، تناسب بیشتری دارد.

در روایات می‌خوانیم: هر گاه انسان از دنیا رفت، پرونده‌ی اعمالش بسته می‌شود مگر کسی که صدقه‌ی جاریه‌ای به جای گذاشته باشد. مانند: وقف یا کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.^۱

در روایات آمده است: هر انسانی در بهشت و دوزخ جایگاهی دارد و هنگامی که وارد دوزخ شود، خانه‌ی بهشتی او را به دیگران می‌دهند و آنان وارث می‌شوند.^۲

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- بقای نام در دعاها و یادگار نیک را از خداوند بخواهیم. «واجعل لی»
- ۲- ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد، نه از روی تملق. «لسان صدق»
- ۳- آیندگان را به حساب آوردید و قضاوت آیندگان را در نظر بگیرید. «لسان صدق فی الآخِرین»
- ۴- اتفاق نظر یهود و نصارا و مسلمانان بر عظمت ابراهیم، نمونه‌ی استجابت دعای اوست. «لسان صدق فی الآخِرین»

۱- [وسائل/ ج ۱۶ ص ۲۹۳]

۲- [تفسیر نورالقلین/ ج ۲ ص ۳۱]

۵- انسان‌های بزرگ، هم محبوبیت دنیوی می‌خواهند و هم سعادت اخروی.

«لسان صدق فی الآخِرین»

۶- انسان، بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنت‌های حسنه‌ای که بنا نهاده بهره‌مند می‌شود. «لسان صدق فی الآخِرین»

۷- به طرح‌های کوتاه مدت قناعت نکنیم. «لسان صدق فی الآخِرین»

۸- نعمت‌های بهشتی، در برابر اعمال ما موهبتی بی‌رنج است. «ورثه جنة النعیم» زیرا ارث، به مالی گویند که بدون رنج و تلاش به دست آید.

الهی خوشا آنکه بر عهدش استوار است و همواره محویدار است.



«روح و قلب پاک»

(رب) «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ * يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ

بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» { شعراء / ۸۷-۸۹ }

(پروردگارا) و روزی که همه مبعوث می‌شوند، مرا خوار مگردان. روزی که مال و فرزندان برای انسان نفعی ندارند. مگر کسی که با روح و قلب پاک به سوی خدا آید.



تکته‌ها

روح پاک، روحی است که از وابستگی به دنیا و آلودگی به شرک، کفر، نفاق، تکبر و همه‌ی امراض قلبی پاک باشد و چون خداوند درباره‌ی منافقان می‌فرماید: «فی قلوبهم مرض» پس قلب سلیم، قلب مؤمن است.

در حدیث می‌خوانیم: قلب سلیم، قلبی است که در آن شرک نباشد.^۱

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نمازش این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن.^۲

سؤال: در روایات می‌خوانیم: انفاق مال و صدقه‌ی جاریه و اولاد صالحی که برای والدین دعا کنند، برای قیامت انسان مفید هستند، پس رابطه‌ی آیه‌ی «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» با این روایات چیست؟

۱- [تفسیر نورالثقلین]

۲- [تفسیر فرقان]

پاسخ: مراد این آیه، مال و فرزندی است که در خط الهی قرار نگیرند. بنابراین دنیا مانند کلیدی است که با حرکتی درب را قفل و با حرکت دیگری درب را باز می‌کند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب و در دست ناهلان سبب گناه می‌شود.

مال را کز بهر دین باشی حَمُولِ نعم مالٌ صالحٌ گفت آن رسول
چيست دنیا از خدا غافل شدن نی قُماش و نقره و فرزند و زن
آب در کشتی هلاک کشتی است آب در بیرون کشتی، پستی است^۱

که از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- بند و بست‌های دنیوی در قیامت بی اثر است و جز قلب پاک، هیچ چیز کارایی ندارد. «حَطِیَّتِی یوم الدِّین ... قلب سلیم»
- ۲- بیم و امید باید در کنار هم باشند. «أَطْمَعُ أَنْ یَغْفِرَ لِي - لَا تُخْزِنِي یوم یبعثون»
- ۳- انسان در هر مرحله‌ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. «لَا تُخْزِنِي...»
- ۴- در قیامت، دیگران نیز از عیوب ما آگاه می‌شوند. «لَا تُخْزِنِي» زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیات رفتار و افکار ما آگاه شوند.
- ۵- خواری و رسوایی، از سخت‌ترین حالات در قیامت است. «لَا تُخْزِنِي» حضرت ابراهیم علیه السلام از میان همه‌ی مشکلات روز قیامت، رسوا نشدن را مطرح می‌کند.

۶- در قیامت، تحقیر و خواری و خزیان، بدتر از عذاب دوزخ است. «لَا تُخْزِنِي» در جای دیگر می‌خوانیم: «أَنْتَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ»^۱

۷- بعضی چیزهایی که در دنیا ارزش است، در آخرت بی‌ارزش می‌شود. «لاینفع مال ولا بنون» «مال» جلوه‌ی مسائل مادی و «بنون» (فرزندان) جلوه‌ی مسائل عاطفی است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و... نجاتبخش نیست.

الهی نور برانم داده‌ای نار و جرانم هم بده.



«نجات از شرور»

{ رَبِّ نَجِّنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ } { شعراء / ۱۶۹ }

پروردگارا! من و کسان مرا از (شر) آنچه انجام می‌دهند رهایی بخش.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- محیط آلوده برای مردان خدا قابل تحمل نیست؛ اگر از اصلاح محیط مأیوس شدند، حداقل خود را از آنجا نجات می‌دهند. «نجنی»
- ۲- بزرگان جامعه باید به فکر خاندان و یاران خود باشند. «نجنی و اهلی»
- ۳- دعای انبیا مستجاب است. «ربّ نجّنی - فنجّیناه»
- ۴- زن، در انتخاب راه وابسته به شوهر نیست. «الّا عجوزاً» (زن لوط راه انحرافی را برگزیده بود)

الهی تا حال تو را پنهان می‌پنداشتم و حال جز تو را پنهان میدانم.



«لغزش‌های غیر عمدی»

{ ... رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ }

{ قصص / ۱۶ }

پروردگارا! همانا من به خویشتن ستم کرده‌ام، پس مرا ببخش، پس (خداوند) او را آمرزید به درستی که او آمرزنده‌ی مهربان است.



نکته‌ها

سؤال: جمله‌ی «ظَلَمْتُ نَفْسِي» به خودم ظلم کردم، از زبان کسی که به پیامبری می‌رسد چه معنایی دارد؟

پاسخ: مراد از ظلم به خود در اینجا، گرفتار شدن به آثار اجتماعی قتل غیر عمد است، نه گناه، تا با مقام عصمت منافات داشته باشد. زیرا خداوند، موسی را مخلص می‌داند؛ «إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا»^۱ و کسی که به این درجه نائل گردید دیگر گناه نمی‌کند، زیرا شیطان اقرار کرده که قدرت نفوذ در مخلصین را ندارد.

{ فَبِعِزَّتِكَ لأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ . إِلاَّ عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ }^۲

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- در دعا، خداوند را با کلمه مبارکه‌ی «رب» بخوانیم. «قال رب»

۱- (مریم / ۵۱)

۲- (ص / ۸۲-۸۳)

۲- هر چند کار خلاف، عمدی نباشد ولی نباید از آثار طبیعی و وضعی آن غافل بود. «ظَلَمْتُ نَفْسِي» (حضرت موسی عليه السلام به قصد نجات یک مؤمن وارد صحنه شد و ناخواسته مرتکب قتل گردید و در واقع گناهکار به حساب نمی‌آمد؛ اما این عمل، کار او را دشوار کرد و این یک آفت بود).

۳- افراد صالح حتی در برابر کجی‌های غیر عمدی نیز بلافاصله استغفار می‌کنند و از تبعات آن دوری می‌گزینند. «فاغفرلی»

(حضرت موسی با استغفار خود چند چیز را از خداوند درخواست کرد، هم محو آثار اجتماعی کار خود را، هم برطرف شدن نگرانی از آینده را و هم دفع توطئه‌های انتقام جویانه‌ی فرعونیان را.)

۴- دعای انبیا مستجاب است. «فَغْفِرْ لَهُ»

الهی از سجده کردن شرمسارم و سر از سجده برداشتن شرمسارتر.



«استمداد از خداوند در همه حالات»

«رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» {قصص/۲۱}

پروردگارا! مرا از (دست) این گروه ستمگر نجات ده.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- زندگی انبیا غالباً با آوارگی و سختی همراه بوده است. «فَخَرَجَ» (با توجه به آیه اول)
 ۲- سعی و همت خود را بکار ببریم؛ ولی نتیجه را از خداوند بخواهیم.
 «فَخَرَجَ - قَالَ رَبِّ نَجِّنِي»

۳- دعا باید با تلاش و حرکت همراه باشد. «فَخَرَجَ مِنْهَا - قَالَ رَبِّ نَجِّنِي»

۴- رهبران الهی، در همه حالات از خداوند استمداد می‌کنند.

«رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

«رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي»^۱

«رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ اَكُونَ ظَهِيْرًا لِلْمَجْرِمِيْنَ»^۲

و «رَبِّ اِنِّي لَمَّا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيْرًا»^۳

الهی نعمت ارشادم عطا فرموده‌ای توفیق شکر آن را هم مرحمت بنفرما.

۱- (قصص / ۱۶)

۲- (قصص / ۱۷)

۳- (قصص / ۲۴)



«درخواست همه چیز از خداوند»

«رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» {قصص/ ۲۳، ۲۴}

پروردگارا! همانا من به هر چیزی که تو برایم بفرستی نیازمندم.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- خدمت به مردم را خالصانه انجام دهیم و حل مشکلات خود را از خداوند بخواهیم. «فستی لهما- ربّ ائی»
(موسی گوسفندان آن دو دختر را سیراب کرد، ولی برای رفع گرسنگی خود به جای استمداد از آنان، از خدا کمک طلبید.)
- ۲- همه چیز را از خداوند درخواست نماییم.
«ربّ ائی لما انزلت الی من خیر فقیر»
- ۳- در دعا، برای خداوند تکلیف و مصداق معین نکنیم. «ربّ ائی لما انزلت الی من خیر فقیر» (حضرت موسی با این که گرسنه بود؛ ولی از خدا، مصداقی از نان و غذا طلب نکرد.)

الهی هر چه پیش آمد خوش آمد که همان سرفره توایم.



«سایه‌ی رحمت»

«... رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ

صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» {نمل/ ۱۹}

پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به والدینم بخشیده‌ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می‌پسندی انجام دهم و در سایه‌ی رحمت خود، مرا در زمره‌ی بندگان شایسته‌ات وارد کن.



تکته‌ها:

کلمه‌ی «ایزاع» بالاتر از توفیق و چیزی شبیه الهام است، نظیر آیه‌ی «و اوحینا الیهم فعل الخیرات»^۱ یعنی ما انجام کارهای خیر را به انبیا الهام کردیم.^۲
کار صالح به تنهایی کافی نیست، ورود در گروه صالحان مهم است، زیرا: گاهی کار، صالح است، ولی فرد از نظر نفسانی صالح نیست و گرفتار ریا، سُمعه، غرور، عُجب و حَبَط می‌شود.
گاهی کار صالح است، ولی عاقبت انحرافی پیش می‌آید و شخص عاقبت به خیر نمی‌شود.
گاهی کار صالح است، ولی یک نوع تک‌روی در آن است و شخص حاضر نیست با بندگان خدا همراه باشد. «اعمل صالحا ... فی عبادک الصالحین»

۱- (انبیاء/ ۷۳)

۲- [تفسیر المیزان]

که از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- دعا، مخصوص هنگام اضطرار نیست؛ انبیا در اوج عظمت و قدرت دعا می‌کردند. «ربّ»
- ۲- توفیق شکرگزاری را از خدا بخواهیم. «ربّ اوزعنی أن اشکر»
- ۳- انسان در برابر نعمت‌هایی که تاکنون به او رسیده باید شکر کند و در برابر مسئولیت آینده باید به فکر عمل صالح و جلب رضای خدا و ملحق شدن به نیکان باشد. «اشکر - اعمل صالحا...»
- ۴- فرزندان، هم باید در مقابل نعمت‌هایی که خداوند به آنان داده شکر کنند و هم در مقابل نعمت‌هایی که به والدین آنان داده است. «علیّ و علیّ والدیّ»
- ۵- شکر خدا تنها با زبان نیست، عمل صالح و استفاده‌ی صحیح از نعمت‌ها نیز شکر الهی است. «اشکر... اعمل صالحا»
- ۶- کار، به شرطی نیک است که خداپسند باشد. «صالحاً ترضاه»
- ۷- کار نیکی ارزش دارد که رضای خدا را جلب کند، نه فقط رضای مردم را. «صالحاً ترضاه»
- ۸- عالی‌ترین مقصد در حکومت صالحان، رضای خداست. «ترضاه»
- ۹- انبیا نیز به امداد الهی نیاز دارند. «اوزعنی... ادخلنی»
- ۱۰- زندگی در جامعه صالح ارزش است، نه زندگی در میان مردم ناصالح، آن هم به خاطر رفاه یا درآمد و لذت. «ادخلنی... فی عبادک الصالحین»
- ۱۱- برخورداری از امکانات، و قدرت امروز خود را نشانه‌ی رسیدن به رحمت الهی ندانید و برای رشد و تعالی خود دعا کنید. «و ادخلنی»

- ۱۲- امکانات انسان، نتیجه‌ی کار او نیست بلکه از رحمت الهی سرچشمه می‌گیرد. «برحمتک»
- ۱۳- هر کس، در هر شرایطی باید به رحمت الهی متوسّل شود، حتی پیامبران. «برحمتک»
- ۱۴- تکروی، ممنوع. «و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین»

الهی ز خاموش میتوان بود و نه گویا در خاموشی چه کنیم در گفتن چه گوئیم.



«فرزند صالح»

«رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» {صافات/۱۰۰}

پروردگارا! (فرزندی) از گروه صالحان به من ببخش.



تکته‌ها:

انبیا و فرشتگان دعا‌های خود را با «رَبِّنا» و «رَبِّ» آغاز می‌کردند:

دعای حضرت آدم: «رَبِّنا ظلمنا انفسنا»^۱

دعای حضرت نوح: «رَبِّ اغفرْ لِي وَلِوَالِدِي»^۲

دعای حضرت ابراهیم: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا»^۳

دعای حضرت یوسف: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ»^۴

دعای حضرت موسی: «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»^۵

دعای حضرت سلیمان: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ»^۶

دعای حضرت عیسی: «رَبِّنا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً»^۷

۱- (اعراف/ ۲۳)

۲- (نوح/ ۲۸)

۳- (بقره/ ۱۲۶ - ۱۲۸)

۴- (یوسف/ ۱۰۱)

۵- (قصص/ ۲۴)

۶- (نمل/ ۱۹)

۷- (مائده/ ۱۱۴)

دعای حضرت رسول ﷺ: «رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۱

دعای مؤمنان: «رَبِّنا ما خلقت هذا باطلا فقتنا عذاب النار»^۲

دعای فرشتگان در این آیه که می‌گویند: «رَبِّنا و ادخلهم جنَّات»

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- اولاد صالح، هبه‌ی الهی و یکی از دعا‌های انبیاست.

«هب لی من الصالحین»

۲- آن چه باید در فرزند محور باشد، صالح بودن است نه امور دیگر.

«هب لی من الصالحین»

۳- فرزند صالح، بهترین یاور در مسیر حرکت خانواده به سوی خداست.

«ذاهب الی ربِّی... ربِّ هب لی من الصالحین»

الهی قاسم که تویی کسی محروم و مغبون نیست.

۱- (مؤمنون/ ۹۷)

۲- (آل عمران/ ۱۹۱ - ۱۹۴)



«دعای فرشتگان»

«... رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَ

قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» {غافر/ ۷}

پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی کرده‌اند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که: (با توجه به تمام آیه فوق)

۱- مؤمنان باید به خود بنازند که مقربان درگاه الهی همواره به آنان دعا می‌کنند.

«يحملون العرش و يستغفرون»

۲- اسلام، فکر انسان را از خوراک و پوشاک و مسکن، به عرش و فرشته و تسبیح و تحمید بالا می‌برد. «يحملون العرش- يسبحون»

۳- بی‌نهایت، تنها خداست، حتی عرش الهی محدودیت دارد. «حوله»

۴- حمد و تسبیح، بارها در قرآن در کنار هم ذکر شده است و در ذکر رکوع و سجود قرین یکدیگرند. «يسبحون بحمد ربهم»

۵- از آداب دعا این است: ابتدا تسبیح و تحمید، «يسبحون بحمد ربهم» سپس تجلیل و توصیف، «وسعت كل شيء رحمة و علما» آن گاه دعا. «فاغفر»

(با توجه به آیه اول)

۶- سنگینی مسئولیت، شما را از تسبیح و تحمید خدا و یاد نیازمندان باز ندارد. فرشتگان حامل عرش، هم به یاد خدا هستند، «يسبحون بحمد ربهم» و هم محتاجان را دعا می‌کنند. «يستغفرون للذين آمنوا»

۷- ایمان، رشته اتصال و ارتباط میان عالم ملک با عالم ملکوت است. «يؤمنون به و يستغفرون للذين آمنوا»

۸- استغفار کسانی در حق دیگران مؤثر است که خود اهل ایمان باشند. «يؤمنون به و يستغفرون للذين آمنوا»

۹- میان فرشتگان و انسان رابطه است. (امام سجّاد عليه السلام در صحیفه‌ی سجّادیه به گروه‌هایی از فرشتگان دعا و درود می‌فرستد و) فرشتگان حامل عرش در این آیه به انسان‌ها درود می‌فرستند. «يستغفرون للذين آمنوا»

۱۰- دعا به دیگران، یک ارزش پسندیده و شناخته شده‌ی قرآنی است. «و يستغفرون للذين آمنوا»

۱۱- کسانی مشمول دعای فرشتگانند که اهل ایمان و عمل باشند. «آمنوا... اتبعوا»

۱۲- توبه به تنهایی کافی نیست، پیروی عملی لازم است. «تابوا و اتبعوا»

۱۳- راه نجات، در پیروی از راه خداست.

«و اتبعوا سبيلك و قهم عذاب الجحيم»

آن که معاش مادی را وسیله مقامات معنوی نکند، سخت در خطاست.



«دعا برای دیگران»

«رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» {غافر/ ۸ و ۹}

پروردگارا! و آنان را با هر کس از پدران و همسران و فرزندانشان که صلاحیت دارند به باغ‌های اقامتی که به ایشان وعده داده‌ای وارد کن؛ همانا تو همان خدای عزیز و حکیمی. (پروردگارا!) آنان را از بدی‌ها (و کیفر اعمالشان) حفظ کن و هر کس را در آن روز از بدی‌ها حفظ کنی، پس مشمول رحمت ساخته‌ای؛ و این همان رستگاری بزرگ است.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- مشمول دعای اولیای خدا شدن، صلاحیت لازم دارد. «ادخلهم... و من صلح»
- ۲- نجات از دوزخ کافی نیست؛ ورود به بهشت ارزش دارد. «قهم عذاب الجحیم - ادخلهم جنات»

۳- اول پاکی از بدی‌ها، سپس دریافت کمالات. «قهم - ادخلهم»

۴- ورود به بهشت، صلاحیت می‌خواهد. «ادخلهم جنات... و من صلح»

۵- رابطه بدون لیاقت و صلاحیت ارزش ندارد ولی در کنار ضابطه ارزش افزوده دارد. (صلاحیت داشتن ضابطه و قانون است و ملحق شدن به بستگان رابطه است.) «من صلح من اباءهم»

۶- خداوند، قدرت بر اعطا دارد ولی عطای او حکیمانه است. «العزیز الحکیم»

۷- همجواری و همزیستی بستگان یک نعمت الهی است. «ادخلهم و من صلح...»

۸- عزت مخصوص خداست. «انک انت العزیز»

۹- پاک بودن، هم به همت و اراده‌ی انسان نیاز دارد، «نهی النفس عن الهوی»^۱

و هم به دور بودن از افراد و مشاغل و مکان‌ها و افراد بد، «اعرض عنهم»^۲،

«فلا تعمدوا معهم»^۳ و هم به لطف و امداد الهی. «وقهم السیئات»

۱۰- رحمت الهی، تنها کامیابی مادی نیست، بیمه شدن از گناهان، یکی از

آن‌هاست. «و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته»

۱۱- رستگاری بزرگ، در صورتی است که انسان از آفات معنوی و مادی، هر

دو دور باشد. «السیئات». هم آفات معنوی سیئه است. «من کسب سیئه»^۴ و هم

۱- (نازعات/ ۴۰)

۲- (مائده/ ۴۲)

۳- (نساء/ ۱۴۰)

۴- (بقره/ ۸۱)

- آفات مادی. «و إن یصیبکم سیئة یفرحوا بها»^۱ چنانکه حسنه، هم مصداق دنیوی دارد و هم آخروی. «ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة»^۲
- ۱۲- توفیق مصونیت از گناه را باید از خدا خواست. «و قهم السيئات»
- ۱۳- رستگاری را هنر خود ندانیم بلکه لطف و رحمت او بدانیم. «فقد رحمته و ذلك هو الفوز العظيم»
- ۱۴- رستگاری، در رفاه دنیوی نیست بلکه در تقواست. «مَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ... ذلك هو الفوز العظيم»

الهی خفتم از نعمت بیداری ده و بیدار از توفیق شب زنده داری و گریه وزاری.



«شکر نعمتها (والدین)»

«رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدِيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

{احقاف/ ۱۵}

پروردگارا! مرا توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادر من لطف کردی، شکرگزاری کنم و عمل شایسته‌ای انجام دهم که تو آن را بیسندی و فرزندانم را برای من صالح و شایسته گردان، همانا من به سوی تو بازگشته و از تسلیم شدگانم.



تکته

- احسان به والدین، از جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند برخوردار است. در قرآن، پنج بار کلمه «وصینا» بکار رفته که سه بار آن مربوط به والدین است.^۱
- از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که: (با توجه کل آیه)
- ۱- سفارش احسان به والدین، در طول تاریخ و تمام ادیان بوده است. («وصینا» در قالب ماضی آمده است)
- ۲- احسان به والدین، از حقوق انسانی است که هر پدر و مادری بر گردن فرزندشان دارند. «وصینا الانسان» (نفرمود: «وصینا الذین آمنوا»)
- ۳- در احسان به والدین، مسلمان بودن آنان شرط نیست.

۱- (عنکبوت/ آیه ۸، لقمان/ آیه ۱۴ و همین آیه)

۱- (آل عمران/ ۱۲۰)

۲- (بقره/ ۲۰۱)

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بوالديه»

۴- استحکام بنیاد خانواده و حفظ جایگاه والدین، مورد توجه خاص خداوند است. «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بوالديه احساناً»

۵- نه تنها انفاق و امداد و احترام، بلکه هر نوع نیکی نسبت به والدین لازم است. («احساناً» به صورت نکره آمده که شامل هر نوع احسانی شود.)

۶- احسان به والدین باید پیوسته و برجسته باشد، نه به مقدار ضرورت و مقطعی. (تنوین در «احساناً» نشانه‌ی عظمت و برجستگی است.)

۷- توجه به سفارش اکید خداوند به زحمات گذشته والدین، احسان و خدمت کردن به آنان را عاشقانه و جدی‌تر می‌کند. «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ... حملته امه»

۸- کمال احسان به والدین، در آن است که بی‌واسطه انجام گیرد. «بالوالدین احساناً» (حرف «ب» در «بالوالدین» نشانه آن است که احسان به والدین با دست خود باشد.)

۹- یاد رنج و زحمات‌های مادران، در برانگیختن عاطفه فرزندان مؤثر است. «حملته امه کرها... کرها...»

۱۰- حق مادر بیش از پدر است. پس از کلمه «والدین»، سخن از رنج‌های مادر است. «حملته امه کرها...»

۱۱- تمام دستورات و اوامر و نواهی دینی، دلیل و فلسفه دارند. (گرچه دلیل بعضی از آنها مانند احسان به والدین، بیان شده است). «وَصَيَّنَا... حملته امه کرها...»

۱۲- چهل سالگی قلّه توانمندی و رشد انسان است. «بلغ اشدّه و بلغ اربعین سنه»

۱۳- شکر الهی، به استمداد و توفیق خداوند نیاز دارد. «أوزعنی أن اشکر نعمتك»

۱۴- بخشی از نعمت‌های انسان، به واسطه والدین و نیاکان است. «أنعمت علیّ و علی والدی»

۱۵- بلوغ جسمی و کمال عقلی، بستر بلوغ معنوی است. «بلغه اشدّه و بلغ اربعین سنه قال رب...»

۱۶- تشکر فرزندان از نعمت‌هایی که خداوند به والدین او داده، وظیفه و نوعی احسان به والدین است. «اشکر نعمتك... علی والدی»

۱۷- بهترین راه تشکر از نعمت‌های خداوند، انجام کار نیک است. «أشکر نعمتك... أعمل صالحاً»

۱۸- ارزش عمل صالح به آن است که پیوسته و دائمی باشد. «ان اعمل صالحاً» (فعل مضارع «اعمل»، نشانه دوام و استمرار است)

۱۹- عمل صالحی ارزشمند است که خالصانه بوده و مورد قبول و رضای خدا قرار گیرد. «اعمل صالحاً ترضاه»

۲۰- فرزند و نسل صالح، افتخاری برای والدین است. «اصلح لی فی ذریّتی»

۲۱- بهترین دعا آن است که انسان، هم به والدین و هم به فرزندان توجه داشته باشد. «علی والدی... اصلح لی فی ذریّتی»

۲۲- در برابر ناسپاسی‌هایی که نسبت به خدا و والدین داشته‌ایم، توبه و جبران کنیم. «و علی والدی... انّی تُبّت الیک»

۲۳- تسلیم فرمان خدا زیستن و مسلمان مردن، دعای پاکان و صالحان است. «انّی تُبّت الیک و انّی من المسلمین»

الهی خواهی ما را تبدیل به بیداری بفرما. الی آنکه سحر ندارد از خود خبر ندارد.



«طرح کمال و رشد»

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا

لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» {حشر/۱۰}

پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت گرفته‌اند، ببامرز و در دل‌های ما کینه مؤمنان را قرار نده. پروردگارا! همانا تو رؤوف و مهربانی.



کنته‌ها

در آیات ۸ تا ۱۰ سوره‌ی حشر به عوامل وحدت اشاره شده است که یادآوری آن مفید است:

۱. محبت. «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ»

۲. ایثار. «و يُوْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ»

۳. دعا. «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا... رَبَّنَا»

۴. خدمت. «تَبَوَّءُوا الدَّارَ»

۵. دوری از حرص و حسد. «لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا...»

۶. دوری از بخل. «يُوقِ شِحْحَ نَفْسِهِ»

۷. اخوت و برادری. «اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا»

۸. سعه صدر و نداشتن کینه. «لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا»

بیش از دویست بار موضوع مغفرت و واژه‌های آن در قرآن مطرح شده است.

هم خودمان باید استغفار کنیم و هم از اولیای خدا بخواهیم که برای ما استغفار

کنند. «یا ابانا استغفر لنا»^۱ حتی فرشتگان برای مؤمنان استغفار می‌کنند. «و یستغفرون للذین آمنوا»^۲

البته استغفار برای مشرکان و منافقان اثری ندارد. «سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم»^۳، «ما کان للنبی و الذین آمنوا ان یتستغفروا للمشرکین»^۴

اما عوامل مغفرت و بخشش الهی عبارتند از:

۱. اطاعت از رهبر آسمانی. «فَاتَّبِعُونِي یحِبِّبْکُمُ اللَّهُ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ»^۵

۲. تقوا. «ان تتقوا الله... یغفر لکم»^۶

۳. عفو و گذشت از مردم. «و لیعفووا و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم»^۷

۴. کلام مستدل و محکم. «قولوا قولاً سدیداً... یغفر لکم»^۸

۵. قرض الحسنه. «ان تقرضوا الله... یغفر لکم»^۹

۶. توبه و استغفار. «و من یمعل سوءاً أو یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یتجد الله غفوراً

رحیماً»^{۱۰}

۱- (یوسف/۹۷)

۲- (غافر/ ۷)

۳- (منافقون/ ۶)

۴- (توبه/ ۱۱۳)

۵- (آل عمران/ ۳۱)

۶- (انفال/ ۲۹)

۷- (نور/ ۲۲)

۸- (احزاب/ ۷۰- ۷۱)

۹- (تغابن/ ۱۷)

۱۰- (نساء/ ۱۱۰)

که از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- مکتب کامل مکتبی است که برای پیروان آینده خود نیز طرح کمال و رشد داشته باشد. «و اَلَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ»
- ۲- برای جلوگیری از سوء تفاهم، ابتدا از لغزش‌های خود استغفار کنیم و سپس لغزش‌های دیگران. «اغفر لنا و لاخواننا»
- ۳- مؤمن، مصونیت از گناه ندارد، ولی هرگاه گناهی مرتکب شد، بلافاصله استغفار می‌کند. «اغفر لنا و لاخواننا»
- ۴- دعای خیر برای گذشتگان، وظیفه آیندگان است. «و اَلَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا... اَلَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيْمَانِ»
- ۵- تمام مسلمانان با هم برادرند و برای یکدیگر دعا می‌کنند. «اغفر لنا و لاخواننا اَلَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيْمَانِ»
- ۶- سابقه در ایمان، یک ارزش است. «سَبَقُونَا بِالْاِيْمَانِ»
- ۷- برادری واقعی، در پرتو ایمان است. «اخواننا اَلَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيْمَانِ»
- ۸- در اخوت و برادری دینی، زمان و مکان و نژاد مطرح نیست. «اخواننا اَلَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيْمَانِ»
- ۹- با دعای خیر، کینه‌ها را از دل دور کنیم. «رَبَّنَا اغْفِرْ... لاخواننا... لا تجعل غلاماً للذين آمنوا»
- ۱۰- مؤمن، بدخواه دیگران نیست. «لا تجعل في قلوبنا غلاماً للذين آمنوا»
- ۱۱- خودسازی بدون استمداد از خداوند نمی‌شود. «رَبَّنَا... لا تجعل في قلوبنا غلاماً»

- ۱۲- در اصلاحات باید به سراغ ریشه‌ها رفت. ریشه بسیاری از گناهان، کینه و حسادت و دشمنی است که باید ریشه‌کن شود. «لا تجعل في قلوبنا غلاماً»
- ۱۳- توجه به ربوبیت و رأفت و رحمت خداوند، از آداب و پشتوانه اجابت دعاهاست. «رَبَّنَا اغْفِرْ... اِنَّكَ رَوْفٌ رَحِيمٌ»

الهی اگر از من پرسند کیتی چه گویم.



«توکل و توبه»

«... رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» {ممتحنه/۴}

پروردگارا بر تو توکل کردیم و به سوی تو انابه نمودیم و بازگشت ما به سوی تو است.



از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- توکل داروی رفع نگرانی‌هاست. چون اعلام برائت آن هم با قاطعیت و صراحت ممکن است آثار سوئی را در پی داشته باشد، توکل لازم است. «اَنَا بَرَاءٌ وَأَنَا مَنَّكُمْ... عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا»
 - ۲- هر کجا سخنی می‌گویید و تصمیمی از خود نشان می‌دهید، نفس خود را با یاد خدا مهار کنید. «اَنَا بَرَاءٌ وَأَنَا... كَفَرْنَا بِكُمْ، بَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ... رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا، وَ إِلَيْكَ انبْنَا، وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ»
 - ۳- توکل و انابه باید تنها به درگاه خدا باشد. «عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ انبْنَا» (کلمه «عَلَيْكَ» و «إِلَيْكَ» مقدم بر «تَوَكَّلْنَا» و «انْبْنَا» نشانه انحصار است).
 - ۴- اولیای خدا، خود را مالک چیزی نمی‌دانند و به خود اجازه نمی‌دهند قانون الهی را عوض کنند. «لَا سَتْفِرُنْ لَكَ وَ مَا أَمْلَكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ»
 - ۵- مسیر تمام هستی و مسیر ما به سوی اوست. «إِلَيْكَ انبْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ»
- الهی در سَلْمَتَم از آنکه کوه را می‌شکافت تا بمعدن جواهر دست یابد و خویش را نمیکاو تا بمخزن حقائق برسد.



«رمز عزت»

«... رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ» {ممتحنه/۵}

پروردگارا! ما را محنت کش کافران قرار مده و ما را بیمارز، پروردگارا! تو خود عزیز و حکیمی.



نکته‌ها

- «فِتْنَةً» در لغت به معنای آشوب، امتحان، عذاب، بلا و آزار آمده است.
- آزار مسلمانان، آزمایشی برای کفار است تا خباثت و عناد خود را اظهار کنند، به سلطه خود مغرور شوند و قدرت خود را نشانه حقانیت خود بدانند.
- از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:
- ۱- مسلمانان در تمام موارد حتی در قراردادهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی نباید به شیوه‌ای عمل کنند که مورد سوء استفاده کفار قرار گیرند و راه فشار و سلطه کفار را به روی خود بگشایند. «لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا»
 - ۲- دین و سیاست در کنار هم هستند، برائت از کفار، در کنار طلب مغفرت از خدا. یک دعا رنگ سیاسی دارد و دعای دیگر رنگ معنوی.
- «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا... وَ اغْفِرْ لَنَا»
- ۳- به درگاه کسی رو کنیم که هم توانمند است و هم حکیم.
- «رَبَّنَا... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»
- ۴- ابزار دست کفار قرار نگرفتن، رمز عزت است. «لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً... أَنْتَ الْعَزِيزُ»

۵- رفتار بسیاری از قدرتمندان حکیمانه نیست، ولی خداوند هم قدرتمند شکست‌ناپذیر است و هم حکیم. «أنت العزيز الحكيم»
 الهی آنکه راضی نیست ارزش چیست.



«نور کامل»

«رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» {تحریم / ۸}

پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیمارز، همانا تو بر هر چیز توانایی.



نکته‌ها

دعا و درخواست از خداوند، همیشه نقش دارد: چه در دنیا: «اهدنا الصراط المستقیم» و چه در قیامت: «اتمّم لنا نورنا»
 طلب مغفرت، هم در دنیا است: «رَبَّنَا فاغفر لنا ذنوبنا»^۱ هم در آخرت: «رَبَّنَا... واغفر لنا»

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

- ۱- در آیات قبل فرمان داد که خود را از آتش دوزخ حفظ کنید، «قوا انفسکم...» در این آیه، یک از راههای آن را توبه واقعی می‌داند. «توبوا الی الله»
- ۲- گاهی از مؤمن، گناه سر می‌زند که باید توبه کند. «یا ایها الذین آمنوا توبوا...»
- ۳- توبه باید به درگاه خدا باشد، نه افشای گناه نزد بندگان. «توبوا الی الله»
- ۴- یکی از تکالیف مؤمن، توبه از گناه است. «یا ایها الذین آمنوا توبوا...»
- ۵- توبه باید خالصانه و صادقانه باشد نه لقلقه زبان. «توبه نصحاً»
- ۶- توبه، زمان و مکان خاصی ندارد. «توبوا الی الله توبه نصحاً»
- ۷- برای تشویق به توبه، باید مردم را به رحمت الهی امیدوار کرد. «عسی ربکم»

- ۸- پذیرش توبه، از شئون ربوبیت است. «عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم»
 ۹- ناپاکی و پلیدی در بهشت جای ندارد؛ اول پاک شدن، سپس وارد بهشت شدن. «یکفر... یدخلکم»
 ۱۰- نتیجه توبه دو چیز است: محو گذشته «یکفر عنکم سیئاتکم» و تأمین آینده. «یدخلکم جنات»
 ۱۱- ایمان به پیامبر کافی نیست، همراهی و تبعیت از آن حضرت لازم است. «و الذین آمنوا معه»
 ۱۲- عمل صالح دنیا، در قیامت به صورت نور ظاهر می‌شود. «نورهم یسعی بین ایدیهم»
 ۱۳- کسانی که در دنیا دنبال نورند، «و اتبعوا النور الذی انزل معه»^۱ در آخرت غرق نورند. «نورهم یسعی بین ایدیهم و من ایمانهم»
 ۱۴- در قیامت نیز تکامل هست. مؤمنان در آن روز به فکر تکمیل نور خود هستند. «ربنا اتمم لنا نورنا»
 ۱۵- مؤمنان واقعی در فکر ریزش و کاهش بدی‌ها، «و اغفر لنا» و رویش و جهش خوبی‌ها هستند. «اتمم لنا نورنا»
 ۱۶- امید به استجاب دعا، «اتمم لنا نورنا و اغفر لنا» برخاسته از قدرت مطلقه اوست. «انک علی کل شیء قدير»

الهی خدا خداگفتن مجازی ماکه اینم برکت دارد اگر تحقیقت کویم چون خواهد بود.



«نجات از ظلم و ظالم»

«... رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» {تحریم / ۱۱}

پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش.



تکته‌ها

هنگامی که آسیه، (همسر فرعون) معجزه حضرت موسی علیه السلام را دید، به او ایمان آورد و فرعون، به کیفر این کار، دست و پایش را به زمین می‌خکوب کرد و او را زیر آفتاب سوزان قرار داد. هنگامی که آسیه آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذرانید، دعایش این بود، «ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّة»^۱

* سیمای همسر فرعون

۱. محیط‌زده نبود و جامعه شخصیت او را نساخته بود. او با منطق در برابر رژیم فاسد ایستاد.
۲. زرق و برق زده نبود و به تمام مظاهر دنیوی پشت کرد و از کاخ و رفاه و مادیات گذشت.
۳. فضای سکوت و خفقان را شکست.

۴. صبور بود و زیر شکنجه جان داد و به شهادت رسید، ولی از راه و مکتبش دست بر نداشت.

۵. حامی رهبر معصوم زمان خود، حضرت موسی عليه السلام بود.

۶. بلند همت بود. او به کمتر از بهشت و قرب خدا قانع نبود.

۷. شهامت داشت و تهدیدات فرعون در او اثر نگذاشت.

۸. رضای خالق را بر رضای خلق مقدم داشت.

۹. منطقی و عقل و وحی را بر مسایل خانوادگی ترجیح می داد.

۱۰. با نهی از منکر خود که به فرعون گفت: «لا تقتلوه»^۱ این طفل را نکش، ما او را به فرزندی قبول می کنیم، موسی را در کودکی از مرگ نجات داد.

همسر فرعون ثابت کرد بسیاری از شعارهایی که در طول زمان، جزو فرهنگ مردم شده، غلط است و باید آن را عوض کرد.

می گویند: خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو، اما او گفت: من هم رنگ جماعت نمی شوم و رسوا هم نمی شوم.

می گویند: یک دست صدا ندارد، اما او ثابت کرد که یک نفر نیز می تواند موج ایجاد کند.

می گویند: زن شخصیت مستقل ندارد، اما او ثابت کرد زن در انتخاب راه مستقل است.

می گویند: با مشت نمی شود به جنگ درفش رفت، اما او ثابت کرد حق ماندنی است و اگر مشت روی آهن اثر ندارد، روی افکار عمومی در تاریخ اثر دارد.

می گویند: با یک گل بهار نمی شود، اما او ثابت کرد اگر خدا بخواهد با یک گل بهار می شود.

می گویند: فلانی نمک خورد و نمک گیر شد، همسر فرعون نان و نمک فرعون را خورد، ولی از عقیده او متنفر بود و می گفت: «نجنی من فرعون» خدایا! مرا از فرعون نجات بده.

✽ انواع خانواده‌ها در قرآن

۱. زن و شوهری که هم فکر و همگام در کار خیر هستند. (همچون حضرت علی و حضرت زهرا عليهما السلام) «يطعمون الطعام»^۱

۲. زن و شوهری که در خباثت هم فکر و همگام هستند. (ابولهب و همسرش) «تبت يدا ابي لهب... وامرأته حمالة الحطب»

۳. خانواده‌ای که مرد خوب، اما زن بد است. (زن لوط و نوح) «كائنا تحت عبدين... فخاتاهما»^۲

۴. خانواده‌ای که مرد بد، اما همسر خوب است. (زن فرعون) «مثلاً للذین آمنوا امرأه فرعون»

👉 از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- زن می تواند الگوی مردان تاریخ شود. «ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأه فرعون»

۲- مقایسه الگوها، از روشهای تربیت است. «مثلاً للذین كفروا... مثلاً للذین آمنوا»

۳- فشار محیط و جامعه، وابستگی اقتصادی، زن بودن، تقاضای همسر و ترس از آوارگی، هیچ کدام دلیل بی دینی نمی‌شود. «ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأته فرعون...»

۴- برای اتمام حجت، یک نمونه هم کافی است. «ضرب الله مثلاً... امرأته فرعون»
 ۵- حرف اول را اراده انسان می‌زند، نه چیز دیگر. «ضرب الله مثلاً... امرأته فرعون»
 ۶- مبارزه با طاغوت، با دعا منافاتی ندارد. «رب... نجّنی من فرعون»
 ۷- نجات از طاغوت، پشتوانه معنوی لازم دارد. «رب... نجّنی من فرعون»
 ۸- مهم‌تر از بهشت، قرب معنوی به خداست. «رب این لی عندک...»
 ۹- ایمان سبب تنفّر از ستمگران است. (زن فرعون به خاطر ایمانی که داشت از تمام رفتارهای فرعون متنفّر بود.) «نجّنی من فرعون و عمله»
 ۱۰- اطاعت زن از مردم در عقیده لازم نیست، بلکه گاهی باید موضع بگیرد. «نجّنی من فرعون»

۱۱- روابط خانوادگی مرز دارد و همین که به انحراف و کفر رسید باید تغییر کند. «نجّنی من فرعون»

۱۲- تبرّی از کفر، شرط ایمان است. «نجّنی من فرعون و عمله»
 ۱۳- ابراز تنفّر و انزجار از دیگران، باید ملاک و معیار عقلی و شرعی داشته باشد. «من فرعون... من القوم الظالمین»

الهی آن که خود را فراموش کرده است، از یاد چه چیز خرسند است؟!۹



«نقش وراثت در تربیت»

«... رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا* إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يُضِلُّوْا

عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاغِرًا كَفَّارًا» (نوح/ ۲۶، ۲۷)

پروردگارا از این کافران هیچ کس بر زمین باقی نگذار. زیرا اگر آنان را باقی گذاری بندگان را گمراه می‌کنند و جز گناهکار و کفرپیشه نمی‌زایند.



نکته‌ها

به حضرت نوح علیه السلام وحی شد که از قوم تو جز افرادی که ایمان آورده‌اند دیگری ایمان نخواهد آورد: «اوحی الی نوح انه لن یؤمن من قومک الا من قد امن»^۱ به علاوه تجربه ۹۵۰ سال تبلیغ برای شناسایی مردم کافی است که بداند این نسل و حتّی نسل بعدی قابل هدایت نیستند و لذا دست به نفرین برداشت. «دیار» از «دار» به معنای کسی است که در خانه ساکن است.

مردان خدا به خود فکر نمی‌کنند، بلکه به فکر هدایت نسل‌های امروز و فردا هستند. با اینکه حضرت نوح توهین‌ها شنید و شکنجه‌ها دید، ولی دلیل نفرین خود را انحراف داشتن و منحرف کردن بیان کرد.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- استفاده از نفرین در آخرین مرحله جایز است. «ربّ لا تذر... دياراً»

۲- سلامت فکری جامعه بر سلامت جسمی فرد مقدم است. کسانی که مردم را منحرف می‌کنند، اگر هلاک شوند بهتر است. «لا تذر علی الارض... یضلوا عبادک»

۳- وراثت در تربیت نقش مهمی دارد. «و لا یلدوا الا فاجراً کفّاراً»

۴- انسان به جایی می‌رسد که در عقیده و عمل راهی برای اصلاح خود باقی نمی‌گذارد. «فاجراً» در عمل، «کفّاراً» در عقیده.

آن که کوه‌رذات خود را تباہ کرده است، چه بهره‌ای از زندگی برده است؟!



«چشم انداز گسترده»

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا

تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» {نوح/۲۸}

پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و هرکس که با ایمان به خانه‌ام وارد شود و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و ظالمان را جز هلاکت نیفزاد.



تکته‌ها

چشم انداز دعا باید گسترده باشد. هم گذشته و حال را شامل شود، هم خود و بستگان و هم تمام مؤمنان تاریخ را.

امام رضا علیه السلام فرمودند: مسجد کوفه، خانه نوح بوده است و مراد از «دخل بیتی مؤمناً» کسانی هستند که وارد مسجد کوفه شوند.

در کربلا، امام حسین علیه السلام، برخی از مخالفان را نمی‌کشت و می‌فرمود: «انّ الذی لا اقتله اری فی صلبه من اهل الایمان»^۱ من هر مخالفی را که در نسل او مؤمنی ببینم نمی‌کشم.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- در دعا و نفرین، از کلمه مبارکه «رب» کمک بگیریم. «رب لا تذر... رب

اغفر لی»

- ۲- انبیا با آن همه تلاش مغرور نمی‌شدند. پیامبری که می‌گفت: «اَنّی دعوت قومی لیلاً و نهاراً» می‌گوید: «ربّ اغفرلی...»
- ۳- در آموزش خواهی از خداوند، مقدم داشتن خود بر دیگران کاری پسندیده است. «اغفرلی و لوالدی...»
- ۴- بستگان سببی و نسبی، زمانی مشمول عنایت هستند که وابسته فکری نیز باشند. «و لمن دخل بیتی مؤمناً»
- ۵- در دعا، برای مؤمنان رحمت و مغفرت و برای ظالمان، نابودی و هلاکت، طلب کنید. «ربّ اغفر... للمؤمنین... و لا تزد الظالمین الاّ تباراً»

الهی دل به جمال مطلق داده ایم هر چه بادا باد.